تصوير ابو عبدالرحمن الكردي

مدینه شهر پیامبر

صلی الله علیه وآله وسلم

(بر اساس منابع اهل سنت)

تالیف: دکتر حسین تاجی



بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به:

روان پاک پدر بزرگوارم حاج قاسم تاجی رحمه‌الله که بر سختی و تلخی ایام و دوری از من صبور بود، و ندای پیک اجل را لبیک گفت؛ خبر وفاتش هنگامی به من رسید، که برای کسب علم و معرفت در شهر مدینه دور از ایشان بودم...

و نیز به روان پاک مادر مهربانم، حاجیه شهربانو عباسی، که داغ فراقش پیوسته بر قلبم خیمه زده است. ﴿رَبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾

مدینه شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

(تاریخ، مساجد، اماکن، آداب و فضایل)

تألیف:

دکتر حسین تاجی

شیراز

انتشارات ایلاف

سرشناسه	:	تاجی، حسین، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	:	مدینه شهر پیامبر (ص)/ حسین تاجی.
مشخصات نشر	:	شیراز:ایلاف، ۱۳۸۸ .
مشخصات ظاهری	:	۱٦۸ص.: مصور؛ ۲۱×۱۴س‌م.
شابک	:	۹۷۸-۹٦٤-۱۹۸-۳٦-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	واژه نامه
موضوع	:	زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی -- مدینه -- تاریخ
موضوع	:	مدینه-- تاریخ
موضوع	:	مدینه -- آثار تاریخی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	:	مدینه-- سیر و سیاحت
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۸ ۲ت٤م/DS۲٤۸
رده بندی دیویی	:	۹۵۳/۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۱۷۵۰۸۹۰

انتشارات ایلاف

فروشگاه: شیراز، خیابان زند، جنب بانک ملی شعبه کوثر، پاساژ صاحب‌الزمان، تلفن: ۲۳۰۵۶۴۰

دفتر: خیابان فردوسی، نبش کوچه ۱۲، ساختمان شماره ۲۰، طبقه همکف، تلفن: ۲۲۴۵۷۵۵

نام کتاب: مدینه، شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مؤلف: دکتر حسین تاجی

ویراستار: مجید احمدی

طراح جلد: گروه طراحی هفت

ناشر: ایلاف

لیتوگرافی: پردیس

چاپ: دنیا

صحافی: ایلاف

تیراژ: ۲۰۰۰

نوبت چاپ: اول اردیبهشت ۹۱

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک ۱-۰۲۶-۱۹۸-۹۶۴-۹۷۸ ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۸-۰۲۶-۱

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۱۳
فصل اول: مدینه قبل از هجرت پیامبر ﷺ ۱۵
ساکنان مدینه: ۱۵
عمالیق ۱۵
یهود ۱۵
قبیله‌های اوس و خزرج ۱۶
انصار ۱۶
فصل دوم: مدینه بعد از هجرت پیامبر ﷺ ۱۷
خانه‌ی ابو ایوب ۱۹
پیامبر ﷺ در خانه‌ی ابو ایوب رضی الله عنه ۱۹
اسامی مدینه‌ی منوره ۲۱
یثرب ۲۱
أرض الله ۲۲
الدار ۲۲
الإیمان ۲۲
بیت الرسول ۲۳
طابه ۲۳
طیبه ۲۳
مدینه ۲۴
مدخل صدق ۲۴
فصل سوم: فضایل مدینه ۲۵
ترغیب سکونت در مدینه ۲۵

فضیلت مردن در مدینه ۲۶
مدینه پلیدی را از خود دور می‌کند. ۲۷
مدینه مهد و جایگاه ایمان است. ۲۸
دجال به مدینه وارد نمی‌شود. ۲۸
بیماری طاعون وارد مدینه نمی‌گردد. ۲۹
ویژگی خرمای مدینه ۲۹
خاک مدینه ۳۰
حرمت مدینه ۳۱
حدود حرم مدینه ۳۲
فصل چهارم: مسجد النبی ۳۵
تاریخ تأسیس آن ۳۵
چگونگی بنای مسجد ۳۵
اضافات و توسعه‌های مسجد: ۳۶
۱. زمان پیامبر خدا ﷺ (۷ هجری) ۳۶
۲. زمان خلیفه‌ی دوم عمر بن خطاب رضی الله عنه (۱۷ هجری) ۳۷
۳. زمان خلیفه‌ی سوم عثمان بن عفان رضی الله عنه ۳۸
۴. زمان ولید بن عبدالملک اموی (۸۸ هجری) ۳۸
۵. زمان مهدی عباسی (۱۶۰ هجری) ۳۹
۶. زمان سلطان اشرف قایتبای (۸۸۶ هجری) ۴۰
۷. زمان سلطان عبدالمجید عثمانی (۱۲۶۵ هجری) ۴۱
۸. زمان پادشاهان آل سعود (۱۳۷۲ تا ۱۴۱۶ هجری) ۴۴
فصل پنجم: فضایل و خصوصیات مسجد النبی ۴۹
پاداش نماز در مسجد النبی ۴۹
روضه‌ی شریفه ۵۰
منبر شریف ۵۱

حجره‌ی شریف ۵۲
ستون‌های مسجد: ۵۵
۱. ستون مخلّقه (أسطوانة المخلّقة) ۵۵
۲. ستون عایشه رضي الله عنها (أُسطوانة السیدة عائشة) ۵۶
۳. ستون توبه یا ابولبابه (أسطوانة التوبة) ۵۶
۴. ستون سریر (أسطوانة السریر) ۵۸
۵. ستون مَحْرَس یا حرس (أسطوانة الحرس) ۵۸
۶. ستون وفود (أسطوانة الوفود) ۵۹
۷. ستون مقام جبرئیل (أسطوانة مقام جبریل ــ مربعة القبر) ۵۹
۸. ستون تهجّد (أسطوانة التهجّد) ۵۹
۹. ستون حنّانه (أسطوانة الحنّانة = الجذع) ۶۰
محراب مسجد نبوی ۶۱
محراب‌های دیگر: ۶۲
محراب تهجّد ۶۲
محراب عثمان بن عفان رضي الله عنه ۶۲
محراب سلیمانی ۶۲
محراب شیخ حرم ۶۳
ایوان صفّه ۶۳
آداب مسجد النبی ۶۴
دروازه‌های مسجد النبی ۶۶
فصل ششم: مساجد مدینه ۶۹
مسجد قبا ۶۹
مسجد قبلتین ۷۲
مساجد سبعه (فتح) ۷۴

۱. مسجد فتح.. ۷۵
۲. مسجد سلمان فارسی رضی الله عنه ۷۷
۳. مسجد علی بن ابی طالب رضی الله عنه ۷۷
۴. مسجد ابوبکر الصدیق رضی الله عنه ۷۸
۵. مسجد عمر بن الخطاب رضی الله عنه ۷۸
۶. مسجد فاطمه الزهراء رضی الله عنها (مسجد سعد بن معاذ رضی الله عنه) ۷۸
مسجد الإجابه (مسجد بنی‌معاویه).. ۷۹
مسجد جمعه.. ۸۲
مسجد بنی عبدالأشهل (یا مسجد واقم).. ۸۳
مسجد الغمامه (المصلّی)... ۸۳
مسجد ابوذر (مسجد سجده).. ۸۵
مسجد بنی‌قریظه.. ۸۶
مسجد فضیخ (یا مسجد بنی نضیر).. ۸۸
مسجد سقیا.. ۹۱
مسجد منارتین ۹۳
مسجد بنی‌زریق (مسجد السبق).. ۹۵
مسجد ثنایا (یا قبه‌ی ثنایا) ۹۶
مسجد مشربه أم إبراهیم ۹۶
مسجد شجره (مسجد ذوالحلیفه یا مسجد میقات) ۹۹
مسجد شیخین (یا مسجد البدائع یا مسجد الدرع) ۱۰۰
مسجد المستراح (استراحت‌گاه) یا مسجد بنی‌حارثه ۱۰۲
مسجد توبه (یا مسجد نور، یا مسجد العصبه).................................... ۱۰۴
مسجد فسح (یا مسجد احد)... ۱۰۵
مسجد رأیه (یا مسجد ذباب).. ۱۰۷
مسجد بنی أنیف.. ۱۰۹

مسجد مصبح ۱۱۰
مسجد بنی‌دینار (یا مسجد مغسله) ۱۱۱
مسجد بنی‌ظفر (یا مسجد البغله) ۱۱۳
مسجد بنات بنی‌النجار ۱۱۵
مسجد عرفات (مسجد عمره): ۱۱۶
مسجد وادی (یا مسجد المصرع یا مسجد العسکر) ۱۱۷
مسجد عتبان بن مالک ۱۱۸
مسجد کبیر بنی‌حرام ۱۲۱
مساجد تاریخی دیگر: ۱۲۲
۱. مسجد بلال رضی الله عنه: ۱۲۲
۲. مسجد عمر بن الخطاب رضی الله عنه ۱۲۳
۳. مسجد ابوبکر الصدیق رضی الله عنه: ۱۲۴
۴. مسجد علی بن ابی طالب رضی الله عنه: ۱۲۵
۵. مسجد عثمان بن عفان رضی الله عنه: ۱۲۶
۶. مسجد مالک بن سنان رضی الله عنه ۱۲۷
فصل هفتم: اماکن تاریخی و معروف مدینه ۱۲۹
قبرستان بقیع ۱۲۹
فضایل قبرستان بقیع ۱۳۰
اولین کسی که در بقیع به خاک سپرده شد ۱۳۱
قبرهای معروف و شناخته شده‌ی بقیع: ۱۳۲
۱. قبور دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۲
۲. قبور اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۲
۳. قبور امهات المؤمنین، همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۱۳۳
۴. قبر عقیل بن أبی‌طالب و افرادی از بنی‌هاشم ۱۳۴

۵. قبر امام مالک ۱۳۴
۶. قبر عثمان بن مظعون و دیگران ۱۳۵
۷. قبور شهدای واقعه‌ی حرّه ۱۳۵
۸. قبر امیرالمؤمنین عثمان بن عفان رضی الله عنه ۱۳۵
۹. قبر سعد بن معاذ رضی الله عنه ۱۳۶
۱۰. قبر أبوسعید خدری رضی الله عنه ۱۳۶
۱۱. قبر حلیمه‌ی سعدیه رضی الله عنها ۱۳۷
۱۲. قبر اسماعیل بن جعفر الصادق رضی الله عنه ۱۳۷
۱۳. قبور عمه‌های رسول خدا ﷺ ۱۳۷
قبرستان شهدای احد ۱۳۸
چاه‌های مدینه: ۱۳۹
۱. چاه اریس یا خاتم ۱۳۹
۲. چاه بضاعه ۱۴۰
۳. چاه رومه (یا چاه عثمان رضی الله عنه) ۱۴۱
۴. چاه حاء (بئر حاء) ۱۴۱
۵. چاه غرس ۱۴۲
۶. چاه انس بن مالک ۱۴۲
۷. چاه سقیا ۱۴۳
۸. چاه جاسوم (یا چاه ابوالهیثم بن التیهان) ۱۴۳
۹. چاه محمود بن ربیع ۱۴۳
۱۰. چاه بُصّه یا بوصه ۱۴۴
۱۱. چاه عِهن ۱۴۴
۱۲. چاه جمل (شتر) ۱۴۴
کوه‌های مدینه: ۱۴۶

۱.کوه احد ۱۴۶
۲. کوه عینین (جبل الرماة) ۱۴۶
۳. کوه سلع ۱۴۷
۴. کوه سلیع ۱۴۷
۵. کوه عیر ۱۴۷
۶. کوه ثور ۱۴۷
۷. کوه مستندر ۱۴۷
رودخانه‌های مدینه: ۱۴۸
۱. رودخانه‌ی عقیق ۱۴۸
۲. رودخانه‌ی بطحان ۱۴۸
۳. رودخانه‌ی رانوناء ۱۴۸
۴. رودخانه‌ی مهزور ۱۴۹
۵. رودخانه‌ی مذینب ۱۴۹
۶. رودخانه‌ی قنات ۱۴۹
چشمه‌های مدینه: ۱۵۳
۱. چشمه‌ی زرقاء ۱۵۳
۲. چشمه‌ی شهداء ۱۵۳
اماکن تاریخی دیگر: ۱۵۴
۱. جُرْف ۱۵۴
۲. بیداء ۱۵۴
۳. خندق ۱۵۵
۴. ثنیة الوداع ۱۵۵
۵. کهف (غار) بنی‌حرام ۱۵۶
۶. سقیفه‌ی بنی ساعده ۱۵۶
۷. قصر عروه بن زبیر ۱۵۷

۸. منزل ابو ایوب انصاری رضی‌الله‌عنه ۱۵۷
۹. قلعه‌ی کعب بن اشرف یهودی ۱۵۸
منابع و مآخذ ۱۶۳

پیش گفتار

الحمدلله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وأصحابه أجمعین

خداوند بزرگ بعضی افراد، زمان‌ها، و مکان‌ها، را به برخی ویژگی‌ها منحصر گردانیده و برتری داده است؛ به‌طور مثال خداوند سیدنا محمد ﷺ را از میان بقیه‌ی پیامبران، و پیامبران را از میان سایر افراد برتری بخشیده است. ماه رمضان را از میان ماه‌ها، شب قدر را از میان شب‌ها، و روز جمعه را از میان روزها برتری داده است. همچنین سرزمین مکه‌ی مکرمه و مدینه‌ی منوره و بیت المقدس را صفاتی ویژه داده است.

مدینه‌ی منوره، جایگاه خاص و والایی در دل‌های مسلمانان دارد. مدینه، شهر پیامبر، جایگاه نزول وحی، مقصد هجرت پیامبر، نخستین پایتخت اسلام، مهد دعوت به توحید، مبارزه با شرک و نفاق و مرکز گسترش دین مبین اسلام است.

شوق و عشق به مدینه در قلب هر مسلمانی جای دارد. محبت و دوستی مدینه با تار و پود هر مسلمانی عجین شده است. مدینه سرزمین هجرت پیامبر و جایگاه نصرت دعوت ایشان است، جایی است که ساکنانش، با جان و مال و فرزند از پیامبر و دینش دفاع کردند، تا این‌که خداوند دینش را آشکار و پیروز گردانید. زمین مدینه، مقدس‌ترین و پاک‌ترین زمین است. زمین مدینه در برگیرنده‌ی جسد مطهر رسول خدا و جایگاه مسجد النبی است. مدینه‌ی منوره، اجساد مطهر ائمه‌ی اهل بیت و اصحاب باوفای رسول الله را در خود جای داده است. در مدینه باغی از باغ‌های بهشت وجود دارد. مدینه، محل رفت و آمد جبرئیل و سایر فرشتگان است. مدینه همه‌اش خیر و برکت است. جای جای آن بیانگر رشادت‌ها و دلاوری‌های مسلمانان صدر اسلام است. مدینه‌ی منوره، محل نور و فیوضات ربانی است. جایی است که پاداش اعمال در آن چندین برابر می‌شود. فرشتگان شبانه‌روز از مدینه نگهبانی می‌کنند. دجال، و رعب و وحشت

او، و نیز بیماری وبا و طاعون وارد مدینه نمی‌شود. کسی که در مدینه وفات کند، یقیناً از شفاعت پیامبر گرامی بهره‌مند می‌شود. از قبرستان بقیع مدینه، هفتاد هزار نفر، بدون حساب به بهشت وارد می‌شوند. مدینه حرم رسول الله است. مدینه همه‌اش پاک و مطهر است: زمینش، آب و هوایش، خرمایش، صاع و پیمانه‌اش؛ زندگی در آن و مرگ در آن، همه گوارا و نیکوست. ابراز محبت به مدینه، شهر پیامبر، نمادی دیگر از پیوند عمیق مؤمنان با پیامبر رحمت است.

از آن‌جایی که این شهر پربرکت، چندین سال برای کسب فیض و دانش، بنده‌ی گنهکار را در خود جای داده بود و با آن انس و خو گرفته بودم، همیشه آرزویم این بود که روزی بتوانم کتابی هرچند مختصر درباره‌ی آداب، فضایل، اماکن و مساجد آن به زبان فارسی بنویسم، تا برادران و خواهران فارسی‌زبانم از آن بهره‌مند شوند، و نیز اندک دین خود را به این شهر مقدس ادا کرده باشم.

الحمدلله این آرزو تحقق یافت و اینک این کتاب که ثمره‌ی چندین سال تلاش این‌جانب است به شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود. امید است که مورد رضای پروردگار قرار گیرد، و شفاعت پیامبرش را نصیبم گرداند و بر گناهانم قلم عفو بکشد و پدر و مادرم، و ذوی الأرحام و مشایخم را غریق رحمت گرداند.

در پایان از تمامی اساتید و دوستانی که در تألیف و چاپ و نشر این کتاب با بنده همکاری نموده‌اند کمال تشکر را دارم.

ماییم که چون لاله‌ی صحرای مدینه
داریم به دل، داغ تمنای مدینه
سودای بهشت از سر دانا برود، لیک
ممکن نبود، رفتن سودای مدینه

دکتر حسین تاجی گله‌داری

شارجه، رجب ۱۴۲۸هـ. ق برابر با مرداد ۱۳۸۶ هـ. ش

فصل اول: مدینه قبل از هجرت پیامبر ﷺ

ساکنان مدینه:

عمالیق

قبل از سکونت یهود در مدینه و نیز قبل از سکونت دو قبیله‌ی اوس و خزرج، چنان‌که کتاب‌های تاریخ ذکر می‌کنند، عمالیق در این سرزمین زندگی می‌کردند.

سمهودی در کتاب وفاء الوفاء[1] می‌نویسد: آنان اولین کسانی بودند که در مدینه کشت و زرع نمودند، درخت خرما کاشتند، خانه‌ها و قلعه‌های محکم بنا نمودند و آن‌جا را آباد ساختند.

عمالیق، از فرزندان عملاق بن ارفخشد بن سام بن نوح بودند، که در منطقه‌ی بابل سکونت داشته و سپس در جزیرة العرب منتشر شدند.

گفته‌اند: یثرب بن عبیل، که از عمالیق بود، اولین کسی است که در ناحیه‌ای از مدینه که به نام "یثرب" نامیده شد، سکونت گزید.[2]

یهود

یهودیان بعد از شکستشان به‌دست بختنصر در سال (۵۷۶ ق.م) به مدینه مهاجرت کردند، که شامل قبیله‌های هدل، قریظه و نضیر بودند. اینان در ناحیه‌ی عوالی مدینه سکونت گزیدند؛ بدین خاطر که پیامبر آخرالزمان از حرم به سرزمینی که دارای نخلستان بسیار است، و بین دو حرّه (سنگ‌های سیاه) واقع شده، هجرت می‌نماید. بنابراین آنان برای این‌که در امن و امان باشند و به پیامبر آخرالزمان ایمان آورند، به مدینه مهاجرت نمودند. در سال ۷۰ میلادی و سال ۱۳۲میلادی قبیله‌های دیگری از یهود نیز به مدینه مهاجرت کردند.

---

۱. وفاء الوفاء ۱۵۷/۱.

۲. وفاء الوفاء ۱۵۶/۱ ـ ۱۵۷، تاریخ المدینة، ص ۲۲ و تاریخ معالم المدینة، ص۲۴.

قبیله‌های اوس و خزرج

بعد از منهدم شدن سد مـأرب در یمـن، سـاکنان آن‌جـا در سـرزمین‌هـای مختلفی پراکنده شدند، و دو قبیله‌ی اوس و خزرج از یمن مهاجرت نمودند و در مدینه ساکن شدند.[۱]

از آن‌جایی که یهود در مدینه قدرت داشت، اوس و خزرج با آنان پیمان بسـتند. اما بعد از گذشت مدت زمانی اوس و خزرج قدرت به‌دست آوردند؛ آن‌گاه یهودیـان از آنان ترسیدند و نقض پیمان کردند. پس از آن با کمک "ابوجبیله"، پادشاه شـام، توانستند یهودیان را شکست دهند. سپس اوس و خزرج در نواحی مختلـف مدینـه متفرق گردیدند، و صاحب اموال شدند، و قلعه‌های بسـیاری را بنـا نمودنـد. بعـد از گذشت مدت زمانی این اتحاد و یکانگی آنان بـه اخـتلاف و تفرقـه تبـدیل شـد و درگیر جنگ‌های داخلی شدند، که این جنگ‌ها در تـاریخ بـه نـام جنـگ "بعـاث" معروف است. همواره جنگ و درگیری میانشان ادامه داشت، تا این‌که پیامبر رحمت مبعوث شدند، و خداوند اوس و خزرج را به پیروی از پیامبر اسلام هدایت کرد.[۲]

انصار[۳]

رسول الله در موسم حج با تعدادی از قبیله‌ی خزرج ملاقات کردند، و آنـان را به اسلام دعوت نمودند و مسلمان شدند. اینان داعیان و مبلغان اسلام در مدینـه شدند. در بیش‌تر خانه‌های مدینه ذکر و نام اسلام بود. در سال بعد، دوازده نفر در بیعت عقبه اولی شرکت کردند. بعد از آن پیامبر خدا مصعب بـن عمیـر را جهـت آموزش قرآن و امور دین به همراه ایشان به مدینه فرستاد.

اسلام در مدینه آشکار شد، و مسلمانان نیرو گرفتند، و مصعب به مکه بازگشت. آن‌گاه در بیعت عقبه‌ی دوم ۷۰ مـرد و ۲ زن از انصـار بـا پیـامبر بیعـت نمودنـد.[۴]

---

۱. وفاء الوفاء ۱۵۹/۱– ۱۶۶ والمدینة بین الماضی والحاضر، صص ۲۹ – ۳۴.

۲. وفاء الوفاء ۱۷۸/۱ ـ ۱۷۹ و تاریخ المدینة، ص ۲۵.

۳. کسانی از قبیله‌ی اوس و خزرج که دین خدا را یاری دادند.

۴. الفصول فی سیرة الرسول، صص ۱۰۹ ـ ۱۱۱ و مختصر سیرة ابن هشام، ص ۸۶.

فصل دوم: مدینه بعد از هجرت پیامبر ﷺ

رسول خدا روز دوشنبه، دوازدهم ربیع الأول، سال سیزدهم بعثت به مدینه تشریف آوردند[۱] و از آن تاریخ نام یثرب به مدینه تبدیل گردید، و با قدوم پیامبر همه چیز در مدینه روشن و منوّر شد.[۲]

پیامبر خدا در منطقه‌ی قبا در نزد قبیله‌ی بنی‌عمرو بن عوف در خانه‌ی کلثوم بن هدم منزل گزیدند.[۳] بنابراین رسول خدا از روز دوشنبه، تا پنج شنبه در قبا ماندند، و در آن ایام مسجد قبا را ساختند و سپس به‌سوی مدینه حرکت نمودند. روز جمعه، نماز جمعه را در قبیله‌ی سالم بن عوف خواندند،[۴] که آن مکان بعد از این نماز، به مسجد جمعه شهرت یافت. مدرسه‌ی ابتدایی قبا در مکان منزل کلثوم بن هدم و سعد بن خیثمه بنا شده است.[۵]

آن‌گاه رسول خدا به‌سوی مدینه رهسپار شدند، عتبان بن مالک و عباس بن عباده و نوفل بن عبدالله بن مالک از بنی سالم برخاستند و افسار شتر را گرفتند، و عرض کردند: ای رسول خدا، در میان قبیله‌مان بمانید. فرمودند: (**خَلُّوا سَبِيلَهَا فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ**): «راهش را باز بگذارید که او مأمور است.» سپس عباده بن صامت و عباس بن صامت همین را تقاضا کردند، باز رسول خدا همان جواب اول را دادند.

---

۱. الفصول فی سیرة الرسول، ص ۱۱۷.

۲. انس بن مالک خادم رسول خدا می‌فرماید: «روزی که رسول خدا به مدینه تشریف آوردند همه چیز در مدینه درخشان و منور گردید، و روزی که وفات نمودند همه چیز در مدینه تاریک شد.» مسند احمد ۱۲۲/۳، صحیح ابن حبان ۲۱۶۲ ، و سنن ترمذی ۳۶۲۲۱.

۳. در سیره‌ی ابن هشام (۴۹۳/۱) آمده است: خانه‌ی کلثوم بن هدم را برای اقامتشان، و خانه‌ی سعد بن خیثمه را برای مجلسشان انتخاب نمودند.

۴. مختصر سیرة ابن هشام، ص ۱۰۲، و الفصول فی سیرة الرسول، ص ۱۱۷.

۵. متأسفانه اثری از این دو منزل باقی نمانده، و در محل آن مدرسه‌ی ابتدایی بنا شده است.

در طول این میسر با تقاضاهای زیـادی از طـرف قبیلـه‌هـای "بنـی بیاضـه"، "بنی ساعده"، "بنی حارث بن خزرج" و "بنی عدی بن نجار" روبه‌رو شدند که در پاسخ همه‌ی آن‌ها همان جمله را می‌فرمودند: (خَلُّوا سَبِيلَهَا فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ)[۱]

سرانجام شتر پیامبر، بعد از عبور از بین قبایل مختلف در میـان خانـه‌هـای "بنی مالک بن نجار" در زمینی کنار خانه‌ی "ابـو ایـوب انصـاری"[۲] زانـو زد. آن‌گاه ابو ایوب رحل (بار و پالان) شتر پیامبر را به منزل خود برد؛ و رسول خدا فرمودند: «شخص همراه با بارش می‌باشد.»[۳]

بدین سان رسول خدا در خانه‌ی ابو ایوب ساکن شدند. محمد بـن اسـحاق می‌گوید: رسول خدا در منزل ابو ایوب ماندند تا این‌که خانه‌های ایشان در کنار مسجد ساخته شد. آن‌گاه به خانه‌ی خودشان منتقل شدند.[۴]

امام صالحی در کتاب "سبل الهدی و الرشاد" از ابن اسحاق نقل می‌کنـد کـه: خانه‌ای که پیامبر خدا در آن ساکن شدند، "تبّع" پادشاه حمیـر کـه نـامش "تبـان اسعد" بود، بنا نموده است. همراه وی چهار صد تن از علمای قومش بودند کـه بـا یکدیگر تعهد و اتفاق کردند، که از مدینه خارج نشوند. هنگامی که "تبّـع" راز ایـن امر را جویا شد، گفتند: ما در کتاب خود یافته‌ایم که پیامبری به نام محمـد بـه ایـن شهر هجرت می‌کند، بنابراین ما در این‌جا می‌مانیم شاید او را دیـدار کنـیم. آن‌گـاه "تبّع" درخواست آنان را پذیرفت، و برای هر کدام خانـه‌ای سـاخت، و همسـری را انتخاب کرد، و مال فراوانی به ایشان بخشید، سپس نامه‌ای نوشت و اسلام خودش را اعلان کرد، و نامه را با طلا مهر و لاک نمود، و به بزرگ آن‌ها سـپرد، و دسـتور داد که آن را به پیامبر بدهند؛ و برای پیامبر موعـود خانـه‌ای بنـا کـرد کـه هنگـام

---

۱. مختصر سیرة ابن هشام، ص ۱۰۳، وفاء الوفاء (۱/۲۵۶ ـ ۲۵۷).

۲. نام ایشان خالد بن زید انصاری، از قبیله‌ی بنی نجار است، که در بیعت عقبه و جنـگ بـدر و بقیـه‌ی معارک شرکت کردند، و در سال ۵۲ هـ. ق وفات نمودند. اسد الغابه (۲/۸۰).

۳. وفاء الوفاء (۱/۲۶۰ ـ ۲۶۱) و مختصر سیرة ابن هشام، ص ۱۰۳.

۴. سیرة ابن هشام (۲/۱۱۲).

هجرت در آن ساکن شود، سپس این خانه بین آنان و فرزندانشان دست به دست گشت، تا این‌که به ابو ایوب انصاری که از نوادگان همان عالم بود رسید.[۱]

خانه‌ی ابو ایوب

پس از وفات ابو ایوب، خانه‌ی وی به غلامش "افلح" منتقل شد. افلح آن خانه را به مبلغ هزار دینار به "مغیره بن عبدالرحمن" فروخت. بعدها پادشاه "شهاب الدین غازی" برادر "نور الدین محمود زنگی" آن را خرید، و در آن‌جا مدرسه‌ای به‌نام مدرسه‌ی "شهابیه" ساخت.

در اواخر قرن سیزده هـ . ق تجدید بنا شد، و متأسفانه در سال ۱۴۰۷ هـ . ق به علت توسعه‌های اطراف مسجد پیامبر تخریب شد. موقعیت آن در گوشه‌ی جنوب شرقی مسجد نبوی، در سه متری شرق کتابخانه‌ی عارف حکمت، (که آن هم تخریب شده است) بود.[۲]

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه‌ی ابو ایوب رضی الله عنه

ابن اسحاق با سلسله اسناد خود از ابو ایوب انصاری روایت کرده که گفته است: وقتی رسول خدا در خانه‌ی من ساکن شدند، ایشان در طبقه‌ی پایین، و من و ام ایوب در طبقه‌ی بالا بودیم. من عرض کردم: ای رسول خدا، پدر و مادرم فدای تو باد! من ناپسند می‌دانم، و برایم سنگین است، که بالای سر شما سکونت کنم، و شما در طبقه‌ی پایین باشید؛ شما در بالا اقامت کنید، و ما در پایین سکونت می‌کنیم. آن‌گاه رسول خدا فرمود: «ما در طبقه‌ی پایین باشیم برای خودمان، و کسانی که برای دیدن ما می‌آیند، آسان‌تر و بهتر است.»

---

۱. سبل الهدی (۲۷۴/۳).

۲. وفاء الوفاء (۲۹۵/۱)، المغانم المطابة فی معالم الطابة، ص ۳۶۷، و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۲۸.

ابو ایوب گفته است: «یک شب کوزه‌ی آبی که داشتیم شکست؛ من و ام‌ایـوب با چادری که داشتیم آن را خشک نمودیم؛ مبادا قطره‌ای بـر رسـول خـدا بچکـد و ایشان را بیازارد، در حالی که غیر از آن چادر، لحاف دیگری نداشتیم.»[۱]

بعضی نیز گفته‌اند: ابو ایوب پیوسته از رسول خدا درخواسـت مـی‌نمـود، تـا این‌که پیامبر پذیرفت، و ابو ایوب به طبقه‌ی پایین آمد و پیامبر به طبقه‌ی بالا تشریف بردند.[۲]

در صحیح امام مسلم از ابو ایوب روایت شده است: وقتـی کـه رسـول خـدا در خانه‌ی وی ساکن شدند، پیامبر در طبقه‌ی پایین بودند، و ابو ایوب در طبقه‌ی بـالا. سپس شب هنگام ابو ایوب متوجه شد، و به ام ایوب گفت: ما بر بالای سـر پیـامبر خدا راه برویم! آن شب را در گوشـه‌ای از منـزل خوابیدنـد، سـپس خـدمت پیـامبر عرض کرد. پیامبر فرمود: «طبقه‌ی پایین راحت‌تر است.» ابو ایوب عرض کرد: من هرگز بر بالای سقفی که شما در پایین آن باشید، نمی‌روم، آن‌گـاه پیـامبر خـدا بـه طبقه‌ی بالا تشریف بردند، و ابو ایوب در طبقه‌ی پایین ساکن شد.

خانواده‌ی ابو ایوب برای پیامبر غذا می‌پختند، هرگاه بـاقی‌مانـده‌ی غـذا را برمی‌گرداندند، ابو ایوب از جاهایی که پیامبر خورده بود و اثر انگشـتان ایشـان بود، می‌خورد. روزی غذایی پخته بودند که در آن سیر بود؛ وقتـی از جـای اثـر انگشتان پیامبر جویا شد، به او گفتند: رسول خدا نخورده‌اند.

ابو ایوب پریشان شد و بالا نزد پیامبر رفت، و عرض کرد: آیا این حرام است؟

پیامبر خدا فرمود: «خیر، ولیکن من ناپسند می‌دانم.»

آن‌گاه ابو ایوب عرض کرد: ای رسول خدا! من هم آنچه را که شما ناپسند می‌دانید ناپسند می‌دانم.[۳]

---

۱. سیرة ابن هشام (۱۱۲/۲).

۲. سبل الهدی و الرشاد (۲۷۵/۳).

۳. صحیح امام مسلم (۲۰۵۳).

اسامی مدینه‌ی منوره

مدینه‌ی منوره نام‌های بسیاری دارد، که کثرت اسم بر شرف و عظمت مسمَّی دلالت می‌کند.

مورخ مدینه، امام سمهودی در کتاب "وفاء الوفاء" ۹۴ اسم برای مدینه ذکر نموده است.[۱] استاد بزرگوار، علامه ملاخاطر در کتاب "فضایل مدینه" ۱۱۵ اسم ذکر کرده‌اند.[۲] که ما در این‌جا برخی از آن‌ها را ذکر می‌نماییم:

یثرب

در قرآن کریم آمده است: ﴿وَإِذۡ قَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ يَٰٓأَهۡلَ يَثۡرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمۡ فَٱرۡجِعُواْۚ وَيَسۡتَـٔۡذِنُ فَرِيقٞ مِّنۡهُمُ ٱلنَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ وَمَا هِيَ بِعَوۡرَةٍۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارٗا ١٣﴾ [احزاب: ۱۳]

امام احمد و ابویعلی در مسند خود از براء بن عازب از رسول خدا روایت کرده که فرموده است: «کسی که مدینه را یثرب بنامد، باید استغفار کند. آن طابه است، آن طابه است.»[۳]

در حدیث دیگر چنین آمده است: (. . . **یقولون یثرب، وهي المدینة**): «[منافقین] یثرب می‌گویند، در حالی که آن مدینه است.»[۴]

برخی از علما نام "یثرب" را مکروه دانسته‌اند، و می‌گویند: آنچه در قرآن کریم ذکر شده است، حکایت از گفتار منافقین است، و کراهیت و نهی بدین سبب است که "یثرب" از "تثریب" به معنای سرزنش و ملامت است، و یا از " ثَرَّبَ " به

---

۱. وفاء الوفاء فی أخبار المصطفی (۸/۱ ـ ۲۷).

۲. فضائل المدینة (۱۵۵/۱ ـ ۱۷۷) و مختصر فضائل المدینة، صص ۸۷ ـ ۹۹.

۳. مسند احمد (۲۸۵/۴) و مسند ابویعلی (۱۶۸۸) و نیز عمر بن أبی شبه در تاریخ مدینه (۱۶۵/۱) روایت کرده است، امام هیثمی در مجمع زوائد (۳۰۰/۳) گفته است: «رجاله ثقات»

۴. صحیح بخاری (۱۸۷۱) و صحیح مسلم (۱۳۸۲).

معنای تباهی و فساد می‌باشد، که هر دو ناپسند است؛ پیامبر گرامی نام‌های نیکو را دوست می‌داشتند و نام‌های بد را ناپسند می‌دانستند.[۱]

أرض الله

خداوند در قرآن می‌فرماید: إِنَّ ٱلَّذِينَ تَوَفَّىٰهُمُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ ظَالِمِيٓ أَنفُسِهِمۡ قَالُواْ فِيمَ كُنتُمۡۖ قَالُواْ كُنَّا مُسۡتَضۡعَفِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ قَالُوٓاْ أَلَمۡ تَكُنۡ أَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٗ فَتُهَاجِرُواْ فِيهَاۚ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَأۡوَىٰهُمۡ جَهَنَّمُۖ وَسَآءَتۡ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ [نساء: ۹۷] مفسرین می‌گویند: مراد از "أرض الله" مدینه است.[۲]

الدار

خداوند در قرآن می‌فرماید: وَٱلَّذِينَ تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ مِن قَبۡلِهِمۡ يُحِبُّونَ مَنۡ هَاجَرَ إِلَيۡهِمۡ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمۡ حَاجَةٗ مِّمَّآ أُوتُواْ وَيُؤۡثِرُونَ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ وَلَوۡ كَانَ بِهِمۡ خَصَاصَةٞۚ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِۦ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ﴿٩﴾ [حشر: ۹]

به‌خاطر امن و امان و استقرار، و این‌که مدینه جایی است که به حقیقت سزاوار است آن را "دار" (خانه و جایگاه) نامیده است.[۳]

الإیمان

در آیه‌ی قبل به آن اشاره شد. از این رو "ایمان" نامیده شده که جایگاه و مسیر ایمان است.[۴]

---

۱. ن.ک: فتح الباری شرح صحیح البخاری (۱۰۵/۴) و شرح صحیح مسلم (۱۶۷/۵).

۲. تفسیر قرطبی (۲۲۲/۵) و زاد المسیر، تفسیر ابن جوزی (۱۰۶/۲) و وفاء الوفاء (۱۰/۱).

۳. ن.ک: تفسیر روح المعانی آلوسی (۵۱/۲۸) وفاء الوفاء (۱۴/۱).

۴. تفسیر آلوسی (۵۱/۲۸) و فضایل المدینة، ص ۹۱.

بیت الرسول

خداوند می‌فرماید: كَمَآ أَخۡرَجَكَ رَبُّكَ مِنۢ بَيۡتِكَ بِٱلۡحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ لَكَٰرِهُونَ ۝٥ [انفال: ۵] مفسرین گویند: مراد از "بیت" مدینه است.[۱]

طابه

خداوند آن را "طابه" نامیده است. جابر بن سمره روایت نموده که رسول خدا فرموده است: (إِنَّ اللهَ تَعَالَى سَمَّى الْمَدِينَةَ طابة): «به درستی که خداوند والامرتبه، مدینه را "طابه" نامیده‌اند.»[۲]

در داستان بازگشت پیامبر و اصحاب از غزوه‌ی تبوک و شتاب پیامبر به‌سوی مدینه آمده است: (. . . **هذه طابة** . . .):[۳] «این طابه است.»

در روایت طبرانی[۴] آمده است: «به راستی که خداوند به من امر نموده که مدینه را "طابه" (و در روایتی) "طیبه" بنامم.»

طیبه

در حدیث زید بن ثابت در داستان بازگشت برخی از منافقان، و عدم حضورشان در غزوه‌ی احد، آمده است که رسول خدا فرمودند: «این طیبه است، پلیدی را دور می‌کند، همان‌گونه که آتش ناخالصی نقره را دور می‌نماید.»[۵]

در حدیث طولانی که فاطمه بنت قیس درباره‌ی دجال و جساسه روایت می‌کند، رسول خدا در آن فرموده است: (**هذه طيبة**): «این طیبه است.»[۶]

---

۱. تفسیر طبری (۱۸۱/۶ ـ ۱۸۲) وفاء الوفاء (۱۲/۱).

۲. صحیح مسلم (۱۳۸۵).

۳. صحیح بخاری (۱۸۷۲) و مسلم (۱۳۹۲).

۴. معجم کبیر طبرانی (۱۹۸۷).

۵. صحیح بخاری (۴۰۵۰ و ۴۵۸۹) و مسلم (۱۳۸۴).

۶. مسلم (۲۹۴۲).

جابر بن سمره روایت می‌کند که مردم، مدینه را "یثرب" می‌نامیدند، آن‌گاه رسول خدا آن را "طیبه" نامید.[۱]

مدینه

رسول خدا بعد از هجرت، این شهر پاک را "مدینه" نامیدند. در حدیث آمده است: «برای هجرت به قریه‌ای امر شده‌ام، که بر سایر قریه‌ها و شهرها برتر است، (منافقان) آن را "یثرب" می‌نامند، در حالی که آن "مدینه" است، مردمان بدطینت را از خود دور می‌نماید، چنان‌که دم آهنگر، ریم و ناخالصی آهن را دور می‌سازد.»[۲]

مدخل صدق

خداوند در قرآن می‌فرماید: وَقُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِي مُدۡخَلَ صِدۡقٖ وَأَخۡرِجۡنِي مُخۡرَجَ صِدۡقٖ وَٱجۡعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا ﴿٨٠﴾ [إسراء: ۸۰]

مفسرین می‌گویند: مراد از "مدخل صدق" شهر مدینه است.[۳]

همچنین نام‌های دیگر مانند: دارالأبرار، دارالإیمان، دارالسنة، دار الهجرة، دارالشفاء، دارالسلامة، أرض‌الهجرة، حرم، حرم رسول الله، مدینة الرسول (شهر پیامبر)، قریة رسول الله، محبة، محبوبة، قبةالإسلام، ذات نخل، درع الحصینة، محفوظة و... را می‌توان نام برد.[۴]

---

۱. أبو داوود طیالسی (۷۶۱) و أحمد (۷۹/۵)

۲. صحیح بخاری (۱۸۷۱) و صحیح مسلم (۱۳۸۲).

۳. تفسیر طبری (۱۳۵/۸) وفاء الوفاء (۲۵/۱).

۴. ن.ک: کتاب وفاء الوفاء (۸/۱ ـ ۲۷) و سبل الهدی و الرشاد (۲۸۶/۳ ـ ۲۸۴) .

فصل سوم: فضایل مدینه

شهر مدینه نخستین پایتخت اسلام، محل گسترش دیـن، مقصـد هجـرت رسول الله ﷺ، محل نزول آیات الهی، مرکز توحید و ایمان، و مبارزه با شرک و نفاق و شهر معنویت و ایثارگری و خلوص به شمار می آید.

دربارهٔی فضیلت مدینهٔی منوره[1] روایات بسیار از پیامبر خدا وارد شده است که به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

ترغیب سکونت در مدینه

رسول خدا در احادیث بسیاری امت را به سکونت و مجاورت در شهر مدینه ترغیب و تشویق نموده‌اند:

سفیان بَن أبی زهیر روایت کرده است که شنیدم رسول خدا می‌فرمودند: «یمن فتح می‌شود، و مردمانی شتابان همراه با اهل و خانواده و کسـانی کـه مطیـع آنـان باشند، از مدینه خارج شده، و به‌سوی یمن می‌روند، در حـالی کـه مدینـه برایشـان بهتر است اگر می‌دانستند؛ سپس سرزمین شام فتح می‌شود و مردمـانی شـتابان بـا اهل و خانواده و کسانی که مطیع آنان باشند، به شام می‌روند، در حالی کـه مدینـه برای آنان بهتر است اگر می‌دانستند؛ سپس عراق فتح می‌گردد و مردمانی با اهل و خانواده و کسانی که مطیع آنان باشند، به آن‌جا می‌روند، در حالی‌که مدینه برایشان بهتر است اگر می‌دانستند.»[2]

---

۱. برای کسب اطلاعات بیش‌تر به کتاب‌های زیر رجوع نمایید:

الف) الأحادیث الواردة فی فضایل المدینة، تالیف دکتر صالح بن حامد رفاعی

ب) فضائل المدینة المنورة، علامه ملا خاطر

ج) مختصر فضائل المدینة، تألیف علامه ملا خاطر.

د) وفاء الوفاء، سمهودی (۷۳/۱).

۲. صحیح بخاری (۱۸۷۵) و صحیح مسلم (۱۳۸۸).

در روایت دیگری آمده است: «بر مردم زمانی مـی‌آیـد کـه فـرد پسـر عمـو و خویشاوندانش را فرا می‌خواند و می‌گوید: بشتابید به‌سوی آسایش و خوشی، بشتابید به‌سوی آسانی و خوشی، در حالی که مدینه برایشان بهتر است اگر می‌دانستند.»[۱]

در حدیث دیگر فرموده است: «هـر کـس از امـت مـن کـه بـر سـختی و دشواری زندگی در مدینه صبر نماید، من روز قیامت گواه یا شفاعت‌کننده برای او خواهم بود.»[۲]

باز می‌فرماید: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، اگـر کسـی از مدینـه بدش بیاید و از مدینه خارج شود، خداوند بهتر از او در مدینه جایگزین مـی‌نمایـد، و آگاه باشید! مدینه پلیدی را دور می‌کند... . »[۳]

فضیلت مردن در مدینه

چنان‌که رسول خدا بر مجاورت و سکونت در شـهر مدینـه ترغیـب و تشـویق نموده‌اند، بر مردن در این شهر نیز ترغیب نموده، و فضیلت مردن در مدینه را بیـان کرده است.

عبدالله بن عمر از رسول خدا روایت نموده که فرموده اسـت: «کسـی کـه بتواند در مدینه بمیرد، پس این کار را بکند، زیرا من برای کسـانی کـه در مدینه وفات کنند، شفاعت می‌نمایم.»[۴]

در روایت دیگر آمده است: « . . . زیرا من بر ای کسـی کـه در مدینـه بمیـرد، گواهی می‌دهم.»[۵]

---

۱. صحیح مسلم (۱۳۸۱).

۲. صحیح مسلم (۱۳۶۳).

۳. صحیح مسلم (۱۳۸۱).

۴. امام احمد (۷۴/۲) و ترمذی (۳۹۱۷) و ابن حبان (۳۷۴۱).

۵. سنن ابن ماجه (۳۱۱۲).

ابو سعید خدری روایت کرده، که شنیدم رسول خدا می‌فرمود: «هیچ کس بر سختی و دشواری زندگی در شهر مدینه صبر و شیکبایی نمی‌کند، مگر این‌که من روز قیامت برای او شفیع و یا گواه خواهم بود.»[۱]

جابر بن عبدالله از رسول خدا روایت کرده که فرموده است: «هر که در یکی از حرمین، مکه یا مدینه، وفات کند، روز قیامت با حالتی ایمن برانگیخته می‌شود.»[۲]

همچنین سلمان فارسی از پیامبر خدا روایت کرده که فرموده است: «کسی که در یکی از حرمین وفات کند، شفاعت من در حق وی واجب گردیده، و روز قیامت در امنیت خواهد بود.»[۳]

مدینه پلیدی را از خود دور می‌کند.

ابو هریره گفته است: رسول خدا فرمودند: «خداوند به من امر نموده به قریه و سرزمینی هجرت کنم و سکونت نمایم که بر سایر شهرها غلبه می‌کند؛ منافقین آن را "یثرب" می‌نامند، در حالی که آن "مدینه" است. مردمان بد را از خود دور می‌سازد، چنانکه دم آهنگر، ریم و ناخالصی آهن را دور می‌کند.»[۴]

جابر بن عبد الله انصاری روایت نموده است که: اعرابی (بادیه نشینی) آمد و با رسول خدا بر اسلام بیعت نمود، آن‌گاه بیمار گردید، سپس آمد و گفت: بیعتم را فسخ کن و به من برگردان. پیامبر خودداری نمودند. سپس آمد و گفت: بیعتم را فسخ کن و به من بر گردان. باز هم پیامبر خودداری نمودند. پس از آن از مدینه بیرون رفت. آن‌گاه پیامبر فرمودند: «مدینه همانند دم آهنگر، پلیدی‌ها را دور می‌کند، و پاکی‌ها را خالص می‌گرداند.»[۵]

---

۱. صحیح مسلم (۱۳۷۴) و همچنین از عبد الله بن عمر (۱۳۷۸) نیز روایت کرده است.

۲. امام طبرانی در معجم اوسط (۵۸۸۳) و صغیر (۸۲۸) روایت کرده، و اسنادش حسن است.

۳. امام طبرانی در معجم کبیر (۶۱۰۴) روایت کرده، و اسنادش ضعیف است. زیرا در این اسناد عبدالغفور بن سعید است که وی "متروک" است، ولی روایت دارای شواهد صحیح و حسن است.

۴. صحیح بخاری (۱۸۷۱) و صحیح مسلم (۱۳۸۲).

۵. صحیح بخاری (۱۸۸۳) و صحیح مسلم (۱۳۸۳).

همچنین زید بن ثابت از رسول خدا روایت کرده است: «به‌راستی کـه ایـن "طیبه" است، و همانا پلیـدی (و در روایتـی مردمـان پلیـد) را دور مـی‌کنـد، چنان‌که آتش ناخالصی (ریم) نقره را دور می‌سازد.»[۱]

مدینه مهد و جایگاه ایمان است.

ابوهریره از رسول خدا روایت کرده که فرموده اسـت: (**إنَّ الإيْمانَ لَيأْرَزَ إلَى الْمدينةِ كَمَا تَأرُزُ الْحيَّةُ إلَى جُحْرِهـا**): «ایمـان در مدینـه جمـع مـی‌شـود، همان‌گونه که مار در لانه و سوراخش جمع می‌شود.»[۲]

دجال به مدینه وارد نمی‌شود.

خداوند این شهر مبارک را از دجال محفوظ نگه داشته، و هرگز نمی‌تواند به آن وارد شود.

انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا فرمود: «هیچ شهر و سـرزمینی نیسـت که دجال به آن‌جا نرود، جز مکه و مدینه، که فرشتگان بـر سـر هـر راه صـف کشیده، و از دروازه‌ی آن نگهبانی می‌کنند. پس دجال در زمین شوره‌زار (جرف) منزل می‌گیرد؛ آن‌گاه مدینه سه بار می‌لرزد، و هر شخص کافر و منـافقی (کـه در مدینه باشد) از مدینه خارج شده، و به سوی دجال روانه می‌شود.»[۳]

ابوبکر صدیق از پیامبر اسلام روایت می‌کند که فرمـود: «رعـب و وحشـت مسیح دجال به مدینه وارد نمی‌شود، در آن زمان مدینـه هفـت دروازه خواهـد داشت، که بر هر دروازه دو فرشته نگهبانی می‌دهند.»[۴]

همان‌گونه که خداوند از ورود دجال به این شهر ممانعت نموده، این شهر را از رعب و وحشت او نیز، محفوظ داشته است:

---

۱. صحیح بخاری (۱۸۸۴، ۴۰۵۰) و صحیح مسلم (۱۳۸۴).

۲. صحیح بخاری (۱۸۷۶) و صحیح مسلم (۱۴۷).

۳. صحیح بخاری (۱۸۸۱و ۷۱۲۴) و صحیح مسلم (۲۹۴۳).

۴. صحیح بخاری (۱۸۷۹، ۷۱۲۵).

ابوهریره روایت نموده که رسول خدا فرموده است: «بر سر هر راهی از راه‌های مدینه فرشتگانی هستند، که دجال و بیماری طاعون وارد آن نمی‌شود.»[۱]

بیماری طاعون وارد مدینه نمی‌گردد.

خداوند بزرگ شهر پیامبرش ﷺ را از بیماری طاعون پاک و محفوظ داشته است؛ و با وجود این‌که در شهرهای اطراف مدینه و حجاز طاعون واقع گردیده بود، در این شهر مبارک هرگز دیده نشده است.[۲]

احادیث بسیاری در زمینه‌ی محفوظ ماندن مدینه از طاعون وارد شده است، که ما در این‌جا به یک حدیث بسنده می‌کنیم:

انس بن مالک گفته است: رسول خدا فرمود: «دجال به سوی مدینه می‌آید، آن‌گاه می‌بیند که فرشتگان از آن نگهبانی می‌کنند، پس نمی‌تواند نزدیک شود. همچنین بیماری طاعون ان‌شاء الله وارد مدینه نمی‌شود.»[۳]

ویژگی خرمای مدینه

خداوند تبارک و تعالی ویژگی خاصی در خرمای مدینه و به‌ویژه در عجوه‌ی آن قرار داده است، که خرمای آن شفای بیماری و پادزهر است.

سعد بن ابی وقاص گفته است: رسول خدا فرمود: «کسی که در هنگام صبح، هفت عدد خرمای مدینه را تناول کند، تا شب زهر به او آسیبی نمی‌رساند.»[۴]

در روایت دیگر آمده است: «کسی که صبحانه هفت عدد خرمای عجوه را تناول کند، در آن روز زهر و سحر به او آسیب نمی‌رساند.»[۵]

---

۱. صحیح بخاری (۱۸۸۰و ۷۱۳۱) و صحیح مسلم (۱۳۷۹).

۲. ن.ک: کتاب وفاء الوفاء (۶۷/۱) و فضایل المدینه، ص ۷۶.

۳. صحیح بخاری (۷۴۷۳) و همچنین حدیث ابوهریره که در صفحه‌ی قبلی گذشت.

۴. صحیح مسلم (۲۰۴۷).

۵. صحیح بخاری (۵۷۶۹) و صحیح مسلم (۲۰۴۷/۱۵۵).

ام المؤمنین عایشه از رسول خدا روایت نموده که فرموده است: «به‌راستی که در خرمای عجوه شفاء هست... .»[1]

همچنین ابوسعید خدری از پیامبر روایت نموده که فرموده است: «عجوه از بهشت است و پادزهر است.»[2]

خاک مدینه

خاک مدینه پاکیزه‌ترین و پربرکت‌ترین خاک بر روی زمین است.[3] درباره‌ی خاک مدینه روایات بسیاری آمده است که: «خاک مدینه شفاست، و گرد و غبار آن امان از جذام است.»[4] خود رسول خدا خاک مدینه را برای علاج برخی بیماری‌ها استفاده کرده‌اند.

ام المؤمنین عایشه می‌فرماید: هرگاه کسی بیمار می‌شد، یا جراحت یا زخمی در بدن داشت، رسول خدا با انگشتان خود چنین می‌کردند: (سفیان، راوی حدیث، انگشت سبابه‌ی خود را بر زمین گذاشت، آن‌گاه بلند کرد) و می‌فرمود: (**بِاسْمِ اللهِ، تُربةُ أَرْضِنَا، بِرِيْقَةِ بَعْضِنَا، لَيَشْفَى بِهِ سَقِيمُنا، بِإِذْنِ رَبِّنَا**): «به نام خدا، خاک سرزمینمان، همراه با آب دهان برخی از ما، به وسیله‌ی آن بیمارمان به اذن خدا شفا می‌یابد.»[5]

در برخی روایات ذکر شده است که از وادی بطحان[6] برای استشفاء خاک برداشتند. ثابت بن قیس بن شماس روایت کرده است: هنگامی که او بیمار بود، رسول خدا برای عیادتش تشریف آوردند و فرمودند: (**اِکْشِفِ البَأسَ، رَبَّ النَّاس، عَن ثَابت بن قيس بن شماس**): «پروردگار مردم، درد و ناراحتی را از ثابت

---

۱. صحیح مسلم (۲۰۴۸).

۲. امام احمد (۴۸/۳) و ابن ماجه (۳۴۵۳)، نیز امام ترمذی (۲۰۶۷) از ابوهریره روایت کرده است.

۳. طب نبوی، ابن قیم، ص ۱۸۷.

۴. ن.ک: وفاء الوفاء (۶۷/۱ ـ ۶۸) و فضایل المدینه (۲۳۰/۳).

۵. صحیح بخاری (۵۷۴۵ و۵۷۴۶) و صحیح مسلم (۲۱۹۴).

۶. وادی بطحان، در منطقه‌ی ماجشونیه، سمت راست خیابان قربان واقع است.

بن قیس برطرف نما.» سپس از بطحان خاک برداشتند و آن را در ظرف آبی ریختند، آن‌گاه بر آن (دمیدند) و بر ایشان ریختند.»[۱]

حرمت مدینه

رسول خدا این شهر مبارک را همچون مکه، حرم قرار داده، و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و . . . را در آن حرام نموده‌اند.

احادیث و روایات در این زمینه متواتر است.[۲] ما در این‌جا به ذکر برخی از آن‌ها بسنده می‌کنیم:[۳]

۱. امیر المؤمنین علی بن أبی طالب از رسول خدا روایت کرده که فرموده است: «مدینه حرم است، ما بین عائر تا ثور . . . پس اگر کسی در آن گناه (یا ستمی) انجام دهد، یا ظالم و مجرمی را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد، و هیچ عملی از او پذیرفته نیست ... .»[۴]

۲. ابوهریره از پیامبر خدا روایت کرده که فرموده است: «مدینه حرم است، پس کسی که در آن گناه و جرمی مرتکب شود، یا گنهکار و مجرمی را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و همه‌ی مردم بر او باد، و روز قیامت هیچ عملی از او پذیرفته نمی‌شود.»[۵]

۳. انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا فرمود: «مدینه حرم است ... .»[۶]

۴. نافع بن جبیر نقل کرده است: «مروان بن حکم، خطبه‌ای ایراد کرد، و درباره‌ی فضیلت مکه و حرمت آن بسیار سخن گفت. رافع بن خدیج -که در کنار

---

۱. امام ابوداوود (۳۸۸۵) و امام نسائی در کتاب سنن کبری (۱۰۸۵۶) و ابن حبان (۶۰۶۹). ن.ک: کتاب طب نبوی، امام ابن قیم، ص ۱۷۸، و فتح الباری (۲۱۹/۱۰).

۲. فضایل المدینة (۶۰/۱).

۳. ن.ک: الأحادیث الواردة فی فضایل المدینة، ص ۴۷ ـ ۱۱۶، و فضایل المدینة (۶۰/۱ ـ ۷۰)

۴. صحیح بخاری (۱۸۷۰) و صحیح مسلم (۱۳۷۰).

۵. صحیح بخاری (۱۸۶۹ و۱۸۷۳) و صحیح مسلم (۱۳۷۱).

۶. صحیح بخاری (۱۸۶۷ و۷۳۰۶) و صحیح مسلم (۱۳۶۵ و۱۳۶۶).

منبر نشسته بود- او را صدا زد و گفت، چرا فضیلت و برتری و حرمت مکه و اهل آن را بیان کردی، اما درباره‌ی فضیلت مدینه و اهل آن و حرمتش، چیزی ذکر نکردی، در حالی‌که رسول الله ما بین دو ناحیه‌ی آن را حرم قرار داده است ... .»[۱]

حدود حرم مدینه

چنانچه گذشت درباره‌ی حرمت مدینه احادیث متواتر هست. همچنین احادیث بسیاری درباره‌ی تعیین جهات چهارگانه‌ی حرم مدینه روایت شده که ما در این‌جا برخی از آن‌ها را ذکر می‌نماییم:

۱. جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول خدا فرمود است: (**إنَّ إبراهيمَ حَـرَّمَ مَكَّةَ وإِنِّي حَرَّمْتُ الْمَدِينَةَ ما بَينَ لابَتَيْهَا، لايَقْطَعْ عِضَاها وَلايَصَاد صِيدَها...**): « ابراهیم، مکه را حرم قرار داد، و من نیز مدینه، میان دو حرّه (ناحیه‌ی شرقی و غربی) آن را حرم گردانیدم، که درخت آن بریده نشود، و شکار آن صید نگردد.»[۲]

۲. انس بن مالک گفته: رسول خدا فرموده است: (**اللَّهُمَّ إِنِّي أُحَرِّمُ مَا بَين لابِتَيْها بِمثل مَا حرَّمَ ابراهيمُ مَكَّةَ ...**): «پروردگارا، من بین دو ناحیه‌ی مدینه را حرم گردانیدم، چنان‌که ابراهیم مکه را حرم گردانید ... .»[۳]

۳. سعد بن ابی وقاص روایت نموده که رسول خدا فرموده است: (**إنِّي أُحرِّمُ ما بينَ لابِتَي الْمَدينة، أن يُقْطَعَ عِضَاهَا أو يُقْتَلَ صَيدُها**): «من میان دو ناحیه مدینه را حرم قرار دادم که درخت آن قطع نگردد، و شکار آن کشته نشود.»[۴]

---

۱. صحیح امام مسلم (۱۳۶۱/۴۵۷).

۲. صحیح مسلم (۱۳۶۲). "لابتين" تثنيه: "لابة" است، یعنی دو حرّه، و حرّه به زمین سنگلاخ و سیاه می‌گویند. مدینه دارای دو حرّه‌ی شرقی و حرّه‌ی غربی است، و حرّه‌ی شرقی به نام حرّه‌ی واقم، و غربی به نام حرّه‌ی وبره معروف است. ن.ک: وفاء الوفاء (۹۱/۱)، المغانم المطابة، ص ۳۶۱، و مختصر فضایل المدینة، ص ۴۷، و شرح صحیح مسلم (۱۵۲/۵) و الدر الثمین، ص ۱۶.

۳. صحیح بخاری (۲۸۸۹) و صحیح مسلم (۱۳۶۵).

۴. صحیح مسلم (۱۳۶۳).

در این احادیث، حرم بودن ما بین دو حرّه‌ی مدینه ذکر شد، که حدود شرق به غرب را تعیین می‌کند، و دو حرّه‌ی مدینه تا کنون واضح و پیداست، هر چند که ازدیاد جمعیت، ساخت و ساز و همچنین احداث بزرگراه‌ها و پارک‌ها، سبب شده که برخی از آن را بپوشاند.[۱]

اما تعیین حدود حرم مدینه از سمت شمال به جنوب در روایات دیگر آمده است که ما برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱. امیر المؤمنین علی بن ابی طالب گفته: رسول خدا فرمود: (**الْمَدِينَةُ حَرَمٌ مَا بَين عَيْرٍ إلَي ثَورٍ** ...): «مدینه، از کوه عیر تا کوه ثور حرم است.»[۲]

۲. ابوهریره روایت کرده است که رسول خدا فرمود: (**الْمَدينةُ حَرَمٌ ما بَينَ عَيْرٍ إلَي ثَور** ... .)[۳]

از احادیث چنین نتیجه می‌گیریم که رسول خدا چهار جهت حدود مدینه‌ی منوره را مشخص و تعیین نموده‌اند. از شرق به غرب «ما بین لابتیها» و از شمال به جنوب «ما بین عیر إلی ثور» می‌باشد.

---

۱. ن.ک: الدر الثمین فی معالم دارالرسول الأمین، ص ۱۷، و فضایل المدینة (۶۷/۱).

۲. صحیح بخاری (۱۸۷۰) و صحیح مسلم (۱۳۷۰).

۳. امام بیهقی (۱۹۶/۵) با سند صحیح روایت کرده است. در برخی روایات بخاری، لفظ: "عائر" به جای "عیر" آمده است، همچنین (مِن عَیرِ إلَی کَذَا) و (مِن عائر إلَی کذا) یعنی «از عیر تا فلان نقطه.» در برخی روایات: «ما بین جبلیها» (میان دو کوه آن) و «ما بین مأزمیها» : (میان دو کوه یا دو تنگه‌ی آن) آمده است.

فصل چهارم: مسجد النبی

مسجد النبی یکی از سه مسجدی است که مسلمانان به‌سوی آن بار سفر می‌بندند؛ و مسجدی است که با دست مبارک رسول خدا پایه‌گذاری شده است.

رسول خدا بعد از این‌که به مدینه رسیدند، در زمینی کنار خانه‌ی ابوایوب انصاری، در مکانی که شترشان زانو زد، و "مربد" (محل خشکانیدن) خرما بود، و به دو یتیم از بنی‌نجار تعلق داشت، پس از خرید آن، مسجدش را در آن بنا کرد.

تاریخ تأسیس آن

چنان‌که ذکر نمودیم رسول خدا از روز دوشنبه ۱۲ ربیع الأول تا پنج‌شنبه در قبا ماندند. سپس به‌سوی مدینه حرکت کردند، و روز جمعه ۱۶ ربیع الأول در قبیله‌ی سالم بن عوف نماز جمعه را اقامه نمودند، و پس از عبور از میان قبیله‌های مختلف به مدینه رسیدند. بنابراین مسجد النبی در ماه ربیع الأول سال ۶۲۲ میلادی با دست مبارک رسول گرامی تأسیس شد.

چنان‌که یاد شد، آن قطعه زمین متعلق به دو یتیم از قبیله‌ی بنی نجار، به نام‌های سهل و سهیل، فرزندان عمرو بودند، که در کفالت و سرپرستی معاذ بن عفراء[1] قرار داشتند. به‌رغم اصرار صاحبان زمین که حاضر بودند با دل و جان آن را ببخشند، رسول خدا آن زمین را به ده دینار خریدند،[2] و در آن مسجد را بنا کردند.

چگونگی بنای مسجد

رسول خدا با دست مبارک و با کمک و همکاری یارانش از مهاجرین و انصار، این مسجد عظیم را با نهایت سادگی و با خشت‌های گلین ساختند.

مساحت اولیه مسجد ۷۰ × ۶۰ ذراع = ۴۲۰۰ ذراع (تقریباً برابر با ۳۵م × ۳۰م = ۱۰۵۰ متر) بود، و ارتفاع سقف آن ۵ ذراع.

---

۱. برخی اسعد بن زراره ذکر نموده‌اند.

۲. وفاء الوفاء (۳۲۲/۱ ـ ۳۲۵) و سیرة ابن هشام (۱۰۹/۲).

اساس و زیربنای آن سنگ قرار دادند و دیوارهای آن را با خشت خام ساختند. ستون‌های آن از نخل خرما قرار دادند و سقف آن را با شاخه‌های نخل پوشانیدند. برای آن سه دروازه قرار دادند: یک دروازه در آخر مسجد، و دو دروازه در سمت جلو و در راست و چپ مصلی (محراب) قرار دادند.

کنار مسجد برای همسرانش، ام‌المؤمنین عایشه و ام‌المؤمنین سوده، خانه‌ای ساختند. آن‌گاه از منزل ابو ایوب به منزل خود نقل مکان کردند.

این مسجد شریف که بنای آن تقریباً هفت‌ماه طول کشید در نهایت سادگی و پیراستگی بود.[1]

اضافات و توسعه‌های مسجد:

مسجد از آغاز تا کنون شاهد توسعه‌های بسیاری بوده، که از زمان پیامبر خدا آغاز شده است. بزرگ‌ترین توسعه‌ی آن در زمان «ملک فهد» پادشاه عربستان صورت گرفته است. ما در این‌جا سعی می‌کنیم سیر تاریخی توسعه‌ی مسجد النبی را از آغاز تا کنون به طور مختصر ذکر نماییم:

۱. زمان پیامبر خدا ﷺ (۷ هـ. ق)

رسول خدا پس از بازگشت از غزوه‌ی خیبر در سال هفتم هجری، به توسعه‌ی مسجد پرداخت، و ۴۰ ذراع (۲۰متر) به طول، و۳۰ ذراع (۱۵متر) به عرض اضافه نمودند، که به صورت مربع در آوردند، یعنی ۱۰۰ ذراع در ۱۰۰ ذراع (۵۰ × ۵۰ متر) رساندند.

حدود مسجد از سمت شمال تا بناء مسقف مجیدی منتهی می‌شد، و از سمت غرب، ستون پنجم از منبر، که امروزه بر بالای آن ستون‌ها با خط زیبای سبز نوشته شده است: «حد مسجد النبی»، اما از سمت قبله تغییری ندادند.[2]

---

۱. وفاء الوفاء (۳۲۷/۱ ـ ۳۳۸) زاد المعاد (۵۲/۳ ـ ۵۳).

۲. وفاء الوفاء (۳۳۸/۱ ـ ۳۵۴) و المساجد الأثرية، ص ۱۸.

۲. زمان خلیفه‌ی دوم عمر بن خطاب رضی الله عنه (۱۷ هـ . ق)

عمر بن خطاب، خلیفه‌ی دوم مسلمین، در سال ۱۷ هـ . ق دو ستون از سمت غرب، و چندین ستون از سمت شمال، بر مسجد افزود.[۱] همچنین صحنی بدون سقف برای مسجد قرار داد، و وسط آن را چاهی حفر کرد، که در میان مردم به نام "چاه زمزم" مشهور شد.[۲] عمر بن خطاب برای توسعه‌ی مسجد، خانه‌های اطراف آن را خرید، و همه را خراب نمود، و به مسجد اضافه کرد. بعضی‌ها مانند عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، و فرزندان ابوبکر صدیق خانه‌های خود را به عنوان صدقه به مسجد بخشیدند.

اما عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر خدا نه حاضر بود خانه‌اش را بفروشد و نه برای تخریب آن رضایت می‌داد، لیکن پس از مشاجره‌های فراوان بین خلیفه و او، خلیفه از مطالبه دست‌بردار شد. آن‌گاه خود عباس بن عبدالمطلب با رضایت خاطر خانه‌اش را به عنوان صدقه بخشید، و خلیفه از کار ایشان تشکر نمود، که بعد از تخریب به مسجد افزوده شد.[۳] بنابراین کل توسعه‌ی عمر بن خطاب ۱۱۰۰ متر تخمین زده شده است.[۴]

عمر بن خطاب به دروازه‌های مسجد افزود: دو دروازه سمت راست قبله، و دو تا سمت چپ قبله، که اکنون یکی از آن‌ها در دیوارهای حجره‌ی شریف قرار دارد، و سه تای دیگر آن، ترک‌های عثمانی به صورت سه پنجره‌ی فلزی باز قرار داده‌اند. همچنین عمر بن خطاب یک دروازه در رکن جنوب غربی مسجد قرار داد، که امروزه به نام "باب السلام" معروف است. دروازه‌ای هم در سمت شمال دروازه جبریل، به نام "باب النساء" قرار داد.[۵]

---

۱. المساجد الأثریة، ص ۱۸.

۲. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۱.

۳. الدر الثمین، ص ۸۵ ـ ۸۶، وفاء الوفاء (۲/۴۸۸ ـ ۲۸۹.

۴. الحرمان الشریفان بین الماضی والحاضر، ص ۶۷.

۵. الدر الثمین، ص ۸۶ ـ ۸۷.

۳. زمان خلیفه‌ی سوم عثمان بن عفان رضی الله عنه

در سال ۲۹ هـ . ق هنگامی که تعداد مسلمانان زیاد شد و مسجد گنجایش همه را نداشت از خلیفه تقاضا کردند که مسجد را توسعه دهد. همچنین برخی از ستون‌های آن پوسیده شده بود، و نیاز به تجدید بنا داشت. عثمان توسعه‌ی مسجد را آغاز کرد و خود شخصاً بر تمام کارهای آن نظارت و اشراف داشت.

یک ستون (ده ذراع) از سمت غرب، و چندین ستون در سمت قبله افزود، که نهایت آن نزد محراب کنونی مسجد می‌باشد.

بنابراین اضافات و توسعه‌ی ایشان از آخر روضه‌ی شریف و از سمت قبر شریف، تا دیوار جنوبی کنونی بود. یعنی از سمت حجره در شرق تا جایگاه "باب السلام" در غرب. در سمت شمال نیز مقداری بر صحن مسجد افزود،[۱] که مجموع افزوده‌های عثمان ۴۹۶ متر مربع بود.[۲]

عثمان مسجد را با سنگ‌های منقوش و گچ بنا کرد، و ستون‌های آن را برخی از آهن، و برخی از سنگ منقوش قرار داد، و با مس گداخته پر کرد؛ و سقف مسجد را با چوب ساج پوشاند.[۳]

۴. زمان ولید بن عبدالملک اموی (۸۸ هـ . ق)

در سال ۸۸ هجری، عمر بن عبدالعزیز حاکم مدینه بود. ایشان به‌دستور ولید بن عبدالملک خلیفه‌ی اموی، توسعه و تعمیرات عمده‌ای را در مسجد انجام داد. خانه‌های همسران پیامبر و خانه‌های نزدیک و متصل به مسجد را خرید، و به مسجد افزود. همچنین حجره‌ی شریف (قبر رسول خدا و ابوبکر و عمر) را محصور ساخته، و دیواری پنج ضلعی را اطراف آن بنا کرد.[۴] در شرق مسجد شش ستون، و در شمال آن چهارده ستون افزود.[۵]

---

۱. الدر الثمین (۹۰ ـ ۹۱) وفاء الوفاء (۵۰۲/۲).

۲. الحرمان بین الماضی والحاضر، ص ۶۸.

۳. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۱، وفاء الوفاء (۵۰۷/۲)، المساجد الأثریة، ص ۱۹، والدر الثمین، ص ۹۱.

۴. الدر الثمین، ص ۹۴، تاریخ معالم المدینة، ص ۸۲.

۵. وفاء الوفاء (۵۲۰/۲ ـ ۵۲۱).

بیش‌تر افزوده‌های ولید بن عبدالملک در سمت غرب بـود، ولـی در سـمت شرق و شمال مسجد نیز مقداری افزود، که مجموع افزوده‌هـای او ۲۳۶۹ متـر مربع بود.[۱] ولید دیوارهای مسجد را با سنگ‌های منقوش بنا کرد، و ستون‌های آن را با آهن و مس گداخته ساخت، و دیوارها و ستون‌های مسـجد را مـزین و کاشی‌کاری نمود.[۲] برای مسجد چهار مناره (گل‌دسته) ساخت، و محراب را بنـا کرد؛ همچنین بیست دروازه برای مسجد قرار داد.[۳]

۵. زمان مهدی عباسی (۱۶۰ هـ . ق)

بعد از دوران ولید بن عبدالملک اموی کسی دیگر جز مهدی عباسی، به مسجد نیفزود. او در سال ۱۶۰ هـ . ق به حج رفت، و جعفر بن سلیمان را بر مدینـه حـاکم گردانید، و دستور داد تا مسجد النبی را توسعه دهند، و افرادی را هم برای نظارت و اشراف تعیین نمود. او نیز ۱۰۰ ذراع به شمال مسجد،[۴] و مقدار کمی نیـز بـه غـرب مسجد افزود، اما به جهت‌های دیگـر مسـجد چیـزی افـزوده نشـد.[۵] ده سـتون در صحن مسجد و پنج ستون مسقف، برای زنان قرار داد.[۶]

خانه‌های "عبدالرحمن بن عوف" و "عبدالله بن مسعود" و "شرحبیل بـن حسنه" و "مسور بن مخرمه" را که در شمال قـرار داشـت، پـس از خریـد یـا رضایت صاحبانش تخریب و به مسجد افزود.[۷]

مهدی عباسی مسجد را مزین و کاشی‌کاری نمـود، و کـل افـزوده‌هـای او ۲۴۵۰ متر مربع بود.[۸]

---

۱. الحرمان بین الماضی و الحاضر، ص ۶۹.

۲. الدر الثمین، ص ۹۵.

۳. وفاء الوفاء (۵۲۶/۲– ۵۲۷) و مساجد الأثریة، ص ۱۹، و الحرمان بین الماضی والحاضر، ص ۶۹.

۴. وفاء الوفاء (۵۳۶/۲).

۵. الدر الثمین، ص ۹۹.

۶. وفاء الوفاء (۵۳۷/۲).

۷. الدر الثمین، ص ۹۹.

۸. الحرمان بین الماضی والحاضر، ص ۶۹.

بعد از توسعه در زمان مهدی عباسی توسعه و تعمیر دیگری صورت نگرفت، مگر این‌که در سال ۶۵۴ مسجد النبی دچار آتش‌سوزی گردید. مستعصم خلیفه‌ی عباسی در بغداد باخبر شد، و دستور بازسازی مسجد النبی را در سال ۶۵۵ صادر نمود. اما متأسفانه تاتار به بغداد یورش بردند و خلیفه را کشتند، و بازسازی مسجد صورت نگرفت. اما با همکاری و تعاون پادشاهان مصر و یمن، مسجد النبی بدون توسعه، بازسازی و تعمیر گردید که در زمان حکومت ظاهر بیبرس تکمیل شد. وی در سال ۷۲۹ هـ. ق دستور داد که دو ایوان مسقف دیگر در سمت جلو بیافزایند.[۱]

"ناصر محمد بن قلاوون" سقف مسجد را از سمت شرق و غرب مرمّت نمود، و دو ایوان را در سمت جنوب افزود.[۲]

در سال ۸۵۴ هجری "ظاهر جقمق" سقف بعضی از قسمت‌های مسجد و حجره‌ی شریف را ترمیم و تجدید بنا کرد.[۳]

۶. زمان سلطان اشرف قایتبای (۸۸۶ هـ. ق)

در ۱۳ رمضان سال ۸۸۶ هـ. ق بر اثر وقوع صاعقه بر مناره، مسجد دچار آتش‌سوزی شد، و مردم با تلاش فراوان آتش را خاموش کردند. آن‌گاه اشرف قایتبای دستور پاک‌سازی مسجد را داد، و حدود صد استاد بنّا، همراه با وسایل لازم، جهت بازسازی مسجد فرستاد. او مسجد را بازسازی نمود و مقدار کمی به عرض مسجد افزود، و محراب عثمان بن عفان را توسعه داد،[۴] و نیز مقدار کمی به حجره‌ی شریف افزود، و اطراف آن را با نرده محصور کرد.[۵] در داخل حجره‌ی شریف پایه‌هایی قرار داد و گنبد زرقاء (آبی) را بر آن بنا کرد، که بعدها در سال ۱۲۳۳، سلطان محمود خان عثمانی "گنبد خضراء" را بر آن قرار داد.[۶]

---

۱. الدر الثمین، ص ۱۰۰، و الحرمان بین الماضی و الحاضر، ص ۶۹.

۲. الحرمان بین الماضی والحاضر، ص ۷۰.

۳. الدر الثمین، ص ۱۰۱، و الحرمان بین الماضی والحاضر، ص ۷۰.

۴. الدر الثمین، ص ۱۰۱، و الحرمان بین الماضی و الحاضر، ص ۷۰.

۵. تاریخ المدینة – المصوّر–، ص ۲۶.

۶. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۲، و آثار المدینة، ص ۱۰۱.

سلطان اشرف قایتبای حدود ۱۲۰ متر مربع به مسجد افزود، که عدد ستون‌های مسجد بعد از توسعه‌ی قایتبای به ۲۹۶ ستون رسید، و عرض مسجد ۱۶۷ ذراع و طول آن از جهت قبله تا شمال ۲۵۳ ذراع و عرض آن در ناحیه‌ی آخر مسجد ۱۳۵ ذراع گردید.[۱]

توسعه‌ی قایتبای در سال ۸۸۸ هـ . ق به اتمام رسید. بعد از آن تا زمان سلطان عبدالمجید عثمانی، توسعه‌ای صورت نگرفت، جز برخی تعمیرات مختصر از جمله: ترمیم گنبدها، و مناره‌ها، ستون‌ها و . . . که در زمان سلطان سلیمان و سلیم خان عثمانی انجام گرفت.[۲]

سلطان سلیمان عثمانی در سال ۹۳۸ هـ . ق محراب سلیمانی را بنا کرد و محراب النبی را تجدید بنا نمود، و در سال ۹۷۴ هـ . ق دیوار غربی را از کنار "باب الرحمه" تا مناره‌ی سلیمانی کاملاً تجدید کرد.[۳]

۷. زمان سلطان عبدالمجید عثمانی (۱۲۶۵ هجری)

سلطان عبدالمجید خان عثمانی در سال ۱۲۶۵ هـ . ق توسعه و تعمیرات عمده‌ای را آغاز کرد؛ وی از سمت شمال، محدوده‌ای مسقف را بر مسجد افزود که از حدود "مناره‌ی مجیدیه" تا "مناره‌ی سلیمانیه" بود. همچنین در آن محدوده، مدارس قرآن کریم (مکتب‌خانه) ایجاد نمود و برای روشن ساختن فانوس‌های مسجد، مخزن‌های روغن را قرار داد.[۴] در سمت شرق مسجد توسعه‌ی عمده‌ای انجام داد، و ایوان (و رواق) بزرگ و وسیعی ساخت. جایگاهی به‌نام جایگاه شیخ حرم نبوی احداث کرد، و "باب جبرئیل" را مقداری پایین‌تر از جای اولش باز نمود.

---

۱. الحرمان بین الماضی و الحاضر، ص ۷۰.

۲. الحرمان بین الماضی و الحاضر، صص ۷۰ ـ ۷۱.

۳. آثار المدینة المنورة، ص ۱۰۱. شیخ احمد یاسین اخیاری در کتاب "تاریخ معالم المدینه" ، ص ۸۷، تاریخ بنای محراب سلیمانی را ۹۰۸ هـ . ق ذکر نموده است.

۴. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۳، این ساختمان و اضافاتی که برای مکتب‌خانه و مخزن روغن بود، در ضمن توسعه‌ی نخست سعودی در زمان "ملک عبدالعزیز" برداشته شد.

این توسعه که در سال ۱۲۶۵ هـ. ق آغاز شده بود، در سال ۱۲۷۷ هـ. ق به اتمام رسید؛ آن‌گاه برای نوشتن خطوط و کاشی‌کاری‌ها و نماسازی‌های دیگر، ۳ سال دیگر طول کشید، که در نهایت در سال ۱۲۸۰ هـ. ق تمام شد.[1]

ترکان عثمانی از سنگ‌هایی که از کوهی، غرب وادی عقیق تراشیده بودند، استفاده کردند. همچنین قبه‌های زیبا، مزین به آیات قرآنی به جای سقف‌های چوبی قرار دادند و ستون‌های مسجد را با سنگ‌های زینتی و زیبا بنا کردند، و چهار مناره برای مسجد بنا نمودند، که تا به‌حال دو مناره‌ی آن پا بر جاست. یکی از آن‌ها نزدیک باب السلام می‌باشد.

عثمانی‌ها مسجد را با عنایت و اتقان کامل، و فنون معماری ساختند. دیوار، سقف و ستون‌ها را با آیات و احادیث نبوی مزین کردند؛ همچنین مسجد را با رنگ قرمز رنگ زدند.[2]

دروازه‌های مسجد در توسعه‌ی عثمانی‌ها به پنج دروازه‌ی قشنگ و زیبا به نام‌های: باب جبریل، باب الرحمه، باب السلام، باب النبی و باب مجیدی تبدیل شد که تا کنون باقی است.

تمام آنچه که در زمان عثمانی‌ها به مسجد افزوده شد ۱۲۹۴ متر مربع بود،[3] که اکنون بیش از ۱۴۸ سال از بنای عثمانی‌ها می‌گذرد.

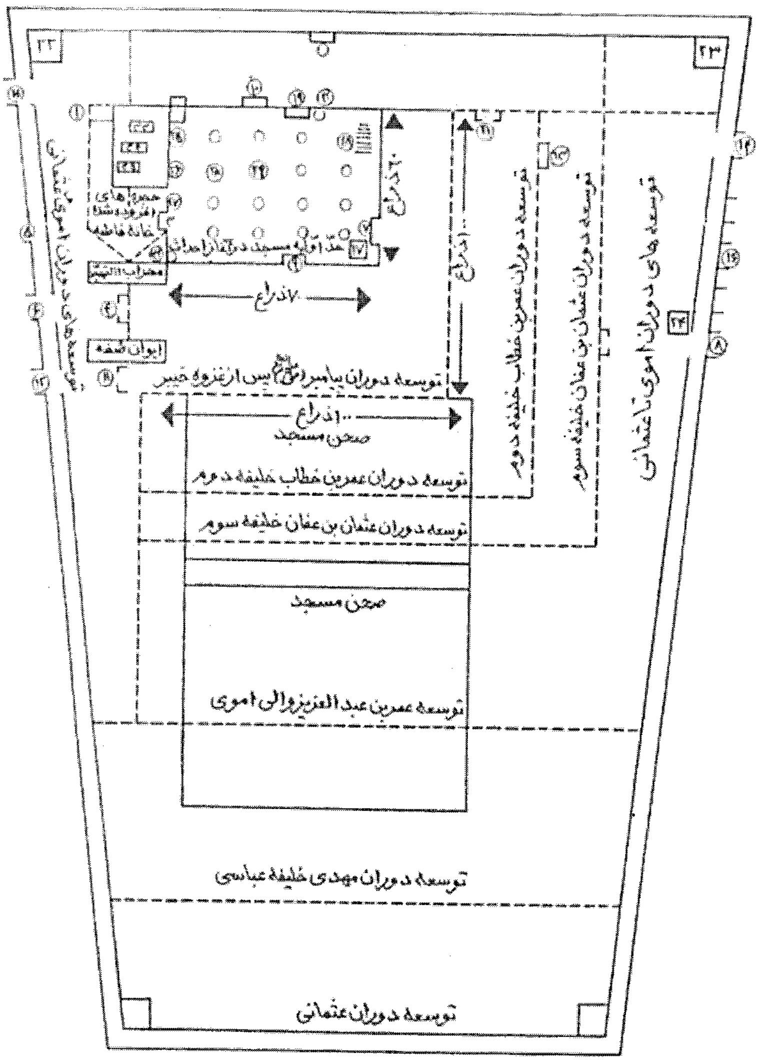
نقشه‌ی توسعه‌ی ابواب و ستون‌های مسجد النبی از آغاز تا دوره‌ی عثمانی در صفحه‌ی بعد آمده است

---

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۳.

۲. تقریباً تا سال ۱۴۱۱ هـ. ق به حال خود باقی بود، اما بعد از اتمام توسعه‌ی "ملک فهد" برای یک‌نواخت شدن با بقیه‌ی مسجد با رنگ سفید رنگ‌آمیزی نمودند، جز سرستون‌ها که با رنگ اولی خود باقی است.

۳. الحرمان بین الماضی والحاضر، ص ۷۳، آثار المدینة، ص ۱۰۳، و الدر الثمین، ص ۱۰۳- ۱۰۴.



نقشه‌ی توسعه‌ی ابواب و ستون‌های مسجد النبی از آغاز تا دوره‌ی عثمانی

۸. زمان پادشاهان آل سعود (۱۳۷۲ تا ۱۴۱۶ هجری)

عمده‌ترین توسعه‌های مسجد النبی در زمان پادشاهان آل سعود صورت گرفته است، که مساحت مسجد را به ده‌ها برابر افزایش دادند. این توسعه‌ها از سال ۱۳۷۰ هـ.ق از زمان "ملک عبدالعزیز" که به نام توسعه‌ی اول معروف است، آغاز شد.

نخستین اقدام، تخریب خانه‌های اطراف مسجد النبی در سمت شرق، مغرب و شمال بود، که متأسفانه بسیاری از خانه‌ها و اماکن تاریخی نیز تخریب گردید؛ همچنین توسعه‌های عثمانی‌ها در شمال مسجد نیز تخریب شد. در این توسعه ۶۰۲۴ متر مربع به مساحت مسجد النبی افزوده گردید.[1]

بقیه‌ی توسعه‌ها در زمان "ملک سعود" اوایل سال ۱۳۷۵ هـ. ق به اتمام رسید.[2] در این توسعه شش‌دروازه به دروازه‌های مسجد اضافه گردید که عبارتند از:

۱. باب "ملک عبدالعزیز" در دیوار سمت شرق، که خود سه دروازه، در کنار هم هستند.

۲. باب "عثمان بن عفان " در رکن شمال شرقی مسجد.

۳. "باب صدیق" نزد خوخه (پنجره‌ی) ابی‌بکر صدیق در غرب مسجد که شامل سه دروازه است.

۴. باب "عمر بن الخطاب " در رکن شمال غربی مسجد.

۵. باب "ملک سعود" در دیوار غربی، که شامل سه دروازه‌ی بزرگ است.[3]

۶. "باب البقیع" مقابل پای مبارک پیامبر ﷺ.

---

۱. المساجد الأثرية، ص ۲۰، والحرمان بين الماضى و الحاضر، ص ۷۳ ـ ۷۴، و الدر الثمين، ص ۱۰۵، و تاريخ معالم المدينه، ص ۱۰۸.

۲. تاريخ معالم المدينة، ص ۱۰۹، و الدر الثمين، ص ۱۰۶.

۳. الحرمان بين الماضى والحاضر، ص ۸۰، و تاريخ معالم المدينة، ص ۱۰۴، و فصول من تاريخ المدينة، صص ۱۰۱ ـ ۱۰۵.

این باب چون مقابل بیت رسول خدا بود، قبلاً به‌نام "باب النبی" نامیده می‌شد، و هنگام تجدید و ترمیم در زمان عمر بن عبدالعزیز این باب را مسدود نمودند و پنجره‌ای چوبی در جای آن قرار دادند. اکنون این باب در توسعه‌ی سعودی دوباره باز شده و نام باب "البقیع" بر آن گذارده شده است.[۱]

هنوز یک سال از توسعه‌ی اول نگذشته بود که به‌خاطر ازدیاد زایران، لازم بود که به مسجد النبی افزوده شود. بنابراین "ملک فیصل" دستور توسعه را صادر کرد. این توسعه که به‌نام توسعه‌ی دوم معروف است، بیش‌تر خانه‌های اطراف و محله‌هایی چون محله‌ی بنی‌نجار، بنی‌ساعده و بنی‌زریق تخریب گردید، و به مسجد و میدان اطراف آن، افزوده شد.[۲]

بزرگ‌ترین و عمده‌ترین توسعه در زمان "ملک فهد بن عبدالعزیز" انجام گرفت؛ در این توسعه که از سال ۱۴۰۵ هـ . ق آغاز شد، کلیه‌ی محله‌ها، بازارها و خانه‌های اطراف مسجد تا شعاع یک تا دو کیلومتری به‌کلی تخریب گردید، و به مسجد و فضای اطراف آن افزوده شد.[۳]

متأسفانه در این توسعه بسیاری از آثار و خانه‌های تاریخی مانند، منزل ابوایوب انصاری و محله‌هایی مانند: محله‌ی ناصح و محله‌ی بیرحا تخریب شد، که می‌توانستند بعد از تخریب آن‌ها نام یا نشانی بر آن‌ها قرار دهند.

در این توسعه (توسعه‌ی ملک فهد) هفت دروازه‌ی اصلی در سمت‌های شمال، شرق و غرب اضافه گردید، به‌اضافه دو باب اصلی در سمت جنوب که هر کدام شامل دو دروازه می‌باشند. همچنین شش دروازه‌ی جانبی دیگر اضافه شد، که مجموع آن‌ها به ۶۵ دروازه می‌رسد. علاوه بر این، حدود ۱۸ پله برقی و بالابر (آسانسور) در اطراف مسجد برای رسیدن به سطح مسجد وجود دارد.

---

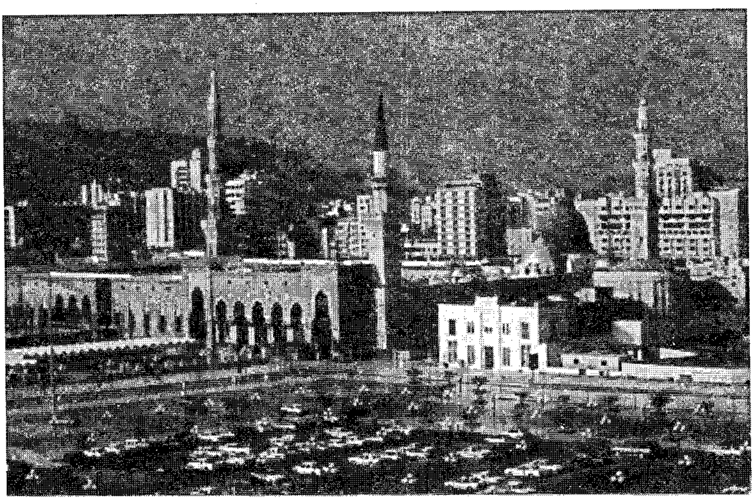
۱. فضایل المدینة (۱۷۹/۲).

۲. الدر الثمین، صص ۱۰۶ ـ ۱۰۷.

۳. الدر الثمین، ص ۱۰۷.

دروازه‌ی اصلی این توسعه به‌نام "باب ملک فهد" است که در وسط ناحیه‌ی شمال قرار دارد، که هفت قبه‌ی زیبا بر بالای آن می‌باشد. همچنین در هر سمت آن مناره‌ای است که مجموع آن‌ها به ده مناره می‌رسد، که شش مناره‌ی آن جدید است. ارتفاع هر کدام ۱۰۵ متر است که ۳۳ متر از مناره‌های سابق بلندتر می‌باشد.[۱]

در این توسعه حدود ۸۲۰۰۰ متر مربع به مساحت مسجد النبی افزوده گردیده است. تقریباً ۲۳۵۰۰ متر مربع آن در اطراف مسجد به‌صورت میدان مسطح شده است؛ همچنین ۱۳۵۰۰۰ متر مربع به عنوان نمازگاه بر فضای بیرونی مسجد اضافه شد. ۲۷ قبه‌ی متحرک برقی بالای سقف و ۱۲ سایه‌بان متحرک که به‌صورت اتوماتیکی باز و بسته می‌شود در منطقه‌ی صحن باز مسجد قرار داده شد.[۲] علاوه بر این خدماتی چون تهویه‌ی هوا، هوای سرد، پارکینگ اتومبیل، اماکن وضو و ... نیز جهت رفاه و آسایش زائرین مسجد النبی بنا گردید.[۳]

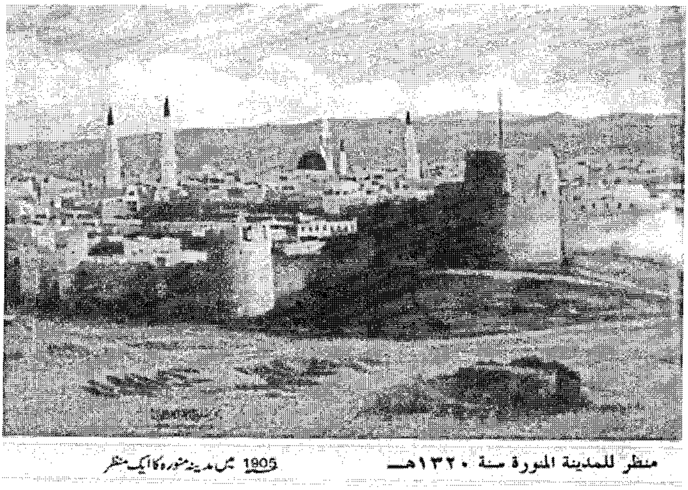


نمای مسجد نبوی

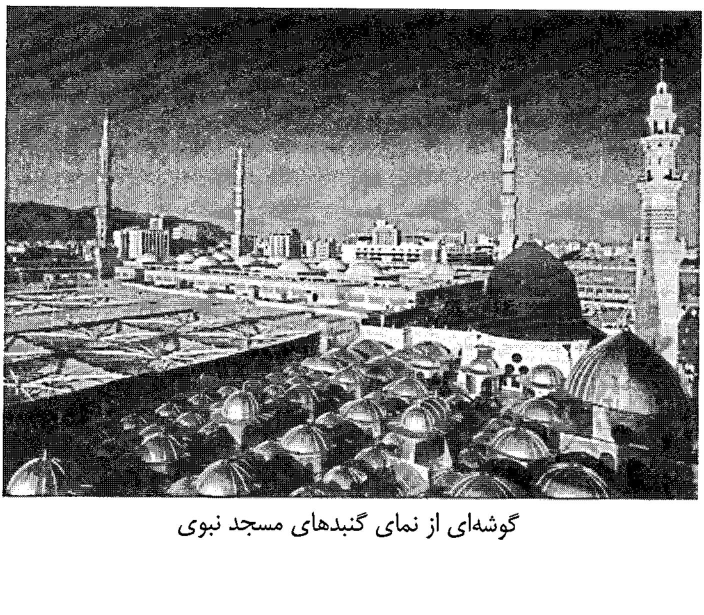
۱. الحرمان بین الماضی و الحاضر، ص ۸۶.

۲. الحرمان بین الماضی والحاضر، ص ۸۴، و تاریخ المدینة - المصوّر -، ص ۳۰.

۳. تاریخ معالم مدینة، ص ۳۹۰، و المساجد الأثریة، ص ۲۲.



منظره‌ای از مدینه‌ی منوره در سال ۱۳۲۰ هـ. ق ۱۹۰۵ میلادی



گوشه‌ای از نمای گنبدهای مسجد نبوی

فصل پنجم: فضایل و خصوصیات مسجد النبی

مسجد النبی دارای فضایل[1] و خصوصیات بسیاری است که در این‌جا برخی از آن‌ها را به‌طور مختصر بیان می‌کنیم.

پاداش نماز در مسجد نبوی

رسول خدا ﷺ فرموده است: (**صَلاةٌ فِي مَسْجِدي هَذا خَيْرٌ - أَو أَفْضَلَ - مِن أَلْفِ صَلاةٍ فِيمَا سِوَاهُ، إلاّ الْمَسجِدُ الْحَرَام**): «نماز (خواندن) در مسجد من بهتر از هزار (بار) نماز (خواندن) در سایر مساجد است، به جز مسجد الحرام.»[2]

نماز در مسجد الحرام برابر با صد نماز است.[3]

آیا این اجر و پاداش شامل تمام مسجد می‌باشد، یا بخشی که در زمان رسول خدا بوده است؟ علما در این مسأله دو رأی دارند:

الف) امام نووی فرموده است: «این پاداش و فضیلت، ویژه‌ی آن بخش از مسجد است که در زمان پیامبر بوده است، و شامل افزوده‌های بعدی نیست. شایسته است که نمازگزار کوشش نماید در آن بخش از مسجد نماز بخواند ... .»[4]

ب) اکثر علما بر این قول هستند که پاداش یادشده شامل تمام مسجد می‌شود، خواه آنچه بعد از پیامبر، اصحاب افزوده‌اند و خواه آنچه اکنون افزوده شده است.[5]

مسأله‌ی دیگر: آیا چند برابر شدن اجر نماز مخصوص نمازهای فرض است، یا این‌که شامل نمازهای، سنت و مستحب نیز می‌شود؟

---

۱. ن.ک: الأحادیث الواردة فی فضایل المدینة، ص ۳۷۴ به بعد.

۲. صحیح بخاری (۱۱۹۰) و صحیح مسلم (۱۳۹۴).

۳. فتح الباری (۳/۸۰ ـ ۸۱) و شرح صحیح مسلم (۵/۱۷۸ ـ ۱۷۹) و مختصر فضایل المدینة، ص ۲۶۵.

۴. شرح صحیح مسلم (۵/۱۷۹).

۵. مختصر فضایل المدینة، ص ۲۶۷، و فضائل المدینة (۲/۲۱۵ ـ ۲۱۸).

جمهور علما می‌گویند: لفظ «صلاة» مطلق است؛ بنابراین شامل نمازهـای فرض و سنت می‌شود.

برخی، امثال امام طحاوی و دیگران گفته‌اند: مخصـوص نمازهـای فـرض است، و نمازهای سنت شامل نمی‌شود.[۱]

روضه‌ی شریفه

از ویژگی‌های دیگر مسجد النبی این است که خداوند بخشـی از آن را بهشـت قرار داده است. رسول خدا حدود آن را از بیت گرامی تا منبر شریف تعیین نموده‌اند.

رسول خدا فرموده است: (**مَا بَيْنَ بَيتِي وَمِنبَرِي رَوضَةٌ مِن رِياضِ الْجَنَّة**): «ما بین خانه‌ی من و منبرم باغی از باغ‌های بهشت است.»[۲]

در حدیث دیگر آمده است: (**ما بَينَ بَيتِي وَمِنبَرِي رَوضَةٌ مِن رِيَاضِ الْجَنَّـــة، ومِنبَرِي عَلَى حَوضِي**): «ما بین خانه‌ی من و منبرم باغی از بـاغ‌هـای بهشـت است، و منبر من بر (کنار) حوض من قرار دارد.»[۳]

در مورد عبارت "روضة من رياض الجنّة" اقوال مختلفی وجود دارد، که مـا بـه برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ـ آن قطعه زمین، بقعه‌ای از بهشت است.

ـ یا آن قطعه زمین، روز قیامت به بهشت منتقل می‌شود.

این دو قول راجح‌ترین اقوال است.

برخی نیز گفته‌اند: عبادت در آن محـل سـبب سـعادت و ورود بـه بهشـت می‌گردد. نیز گفته‌اند: آن بقعه‌ی مطهر از لحاظ نـزول رحمـت ماننـد بـاغی از باغ‌های بهشت است.[۴]

---

۱. ن.ک: کتاب فضایل المدینة (۲/۲۱۴ ـ ۲۱۵) و فضل المدینة، ص ۱۶.

۲. صحیح بخاری (۱۱۹۵) وصحیح مسلم (۱۳۹۰).

۳. صحیح بخاری (۱۱۹۶) وصحیح مسلم (۱۳۹۱).

۴. ن.ک: فتح الباری (۴/۱۲۰) ووفاء الوفاء (۲/۲۲۹) و مختصر فضایل المدینة، ص ۲۸۷.

دربارەی تحدید روضەی شریف، علامه ملاخاطر نوشته است: از سمت شرق و غرب ما بین حجرەی شریف تا منبر شریف می‌باشد، اما از سمت شمال و جنوب، پس از "حجرەی شریف" تا "ستون وفود" است، و برخی آن را تا "ستون علی" قرار داده‌اند. اما از سمت غرب، از منبر شریف آغاز می‌شود و تا مقابل ستون وفود که نیمی از مکبریه (جایگاه مؤذن) امروزی در برمی‌گیرد و با سنگ مرمر سفید پوشانیده شده است.[۱]

منبر شریف

پیش از آن‌که برای پیامبر، منبر ساخته شود، ایشان ایستاده خطبه می‌خواندند، و گاهی نیز بر تنەی درخت خرمایی که در مسجد بود تکیه می‌زدند. بعد از این‌که برایشان منبری از چوب درخت گز که سه پله داشت ساخته شد، بالای آن رفتند و آن تنەی درخت خرما از فراق پیامبر ناله کرد، و اصحاب نیز شنیدند. در آن هنگام رسول خدا از منبر فرود آمدند و آن را در آغوش گرفتند و آرام شد.[۲]

منبر رسول خدا دارای فضایل[۳] بسیاری است که برخی از آن را به‌طور مختصر ذکر می‌کنیم.

رسول خدا فرموده است: (... **مِنبَري عَلَى حَوضِي**): «منبرم بر (کنار) حوض من قرار دارد.»[۴] در حدیثی دیگر آمده است: (...**قَوائمُ مِنبَري رَواتِبٌ فِي الْجَنَّةِ**): «پایه‌های منبرم در بهشت ثابت و استوار است.»[۵] همچنین می‌فرماید: (... **مِنبَرِي عَلَى تَرعةٍ مِن تَرعِ الْجَنة**): «منبرم بر دری از در های بهشت قرار دارد.»[۶]

---

۱. مختصر فضایل المدینة، ص ۲۸۳.

۲. وفاء الوفاء (۳۸۸/۲ ـ ۳۸۹).

۳. ن.ک: کتاب الأحادیث الواردة فی فضایل المدینه، ص ۴۹۳ به بعد.

۴. صحیح بخاری (۱۱۹۶) و صحیح مسلم (۱۳۹۱).

۵. امام حمیدی در مسند (۲۹۰) و نسائی (۳۵/۲ شماره ۶۹۶) و طحاوی در مشکل الآثار (۶۸/۴).

۶. امام احمد (۳۶۰/۲) و نسائی در سنن کبری (۴۲۸۸).

چنان‌که ذکر شد منبر رسول خدا دارای سه پله بود، و بعدها مروان بن حکم[1] در زمان حکومت معاویه شش پله به پایین منبر افزود.[2] به این شکل باقی بود، تا این‌که در جریان آتش‌سوزی که به سال ۶۵۴ هـ . ق در مسجد النبی رخ داد، این منبر سوخته شد. سپس "ملک مظفر" پادشاه یمن منبری ساخت و در جای آن قرار داد. بعد از آن چندین بار منبر تغییر داده شد[3] تا این‌که در سال ۹۹۸ هـ . ق "سلطان مراد سوم" از پادشاهان عثمانی منبری نفیس و زیبا ساخت و به جای منبر قبلی گذاشته شد. این منبر تاکنون باقی است.[4]

حجره‌ی شریف

همان‌گونه که ذکر نمودیم، پیامبر خدا هنگام بنای مسجدشان، خانه‌ای از خشت و تنه‌ی درخت خرما، برای ام المؤمنین عایشه، و خانه‌ی دیگری برای همسرش سوده ساختند. این خانه‌ها در شرق مسجد النبی قرار داشت. جایی که اکنون مرقد مطهر رسول خدا قرار دارد، خانه‌ی ام‌المؤمنین عایشه بوده است، که عایشه در سمت شمالی همان خانه ساکن بودند. سپس ابوبکر صدیق در همان جا کنار رسول خدا مدفون گردید، و حاجز و پرده‌ای وجود نداشت، تا این‌که بعد از شهادت عمر فاروق و مدفون شدن ایشان در کنار پیامبر خدا و ابوبکر صدیق، ام‌المؤمنین بین خود و قبرهای شریف حاجزی (پرده‌ای) قرار دادند.[5]

در زمان ولید بن عبدالملک پس از خرید خانه‌های همسران پیامبر و افزوده نمودن آن به مسجد نبوی، حجره‌ی شریف را محصور نمود، و در اطراف مرقد مطهر پیامبر و دو یارش ابوبکر و عمر یک دیوار پنج ضلعی بنا کرد.[6]

---

۱. وفاء الوفاء (۲۹۹/۲) و مختصر فضایل المدینة، ص ۲۹۰.

۲. وفاء الوفاء (۳۹۸/۲).

۳. وفاء الوفاء (۴۰۷/۲) و تاریخ المسجد النبوی، ص ۱۱۹.

۴. تاریخ المسجد النبوی، ص ۱۲۰.

۵. الدر الثمین، ص ۶۸ ــ ۶۹.

۶. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۲، و وفاء الوفاء (۵۶۳/۲).

در برخی از آثار روایت شده که شبانه‌روز بیش از هفتاد هزار فرشته در اطراف قبر شریف قرار دارند و بر پیامبر درود می‌فرستند.[۱]

شیخ محمد علی خالدی (سلطان العلماء) می‌نویسد:

حجره‌ها، اتاق‌هایی بوده که رسول الله برای هر یک از همسران خود در کنار مسجد ساخته بوده است. تعداد آن‌ها نه حجره، به تعداد همسران آن پیامبر بوده است. حجره‌ها از چوب نخل بوده و با بافته‌ی مو از بیرون پوشانده شده بودند تا درون آن پوشیده باشد. هر حجره شش گز مربع بوده است، که در حجره تا در خانه شش ذرع دست، و خانه ده ذرع دست بوده است. به گفته‌ی حسن بصری ـ که او و مادرش در منزل ام سلمه همسر رسول الله بوده‌اند، و در خردسالی آن‌جا پرورش یافته ـ می‌گوید: دست من به سقف آن می‌رسید.

شخصی که خاتم الانبیاء است، و شکوه او دل پادشاهان جهان را می‌لرزاند، در خانه‌ای زندگی می‌کرد که مجموع حجره‌ها و خانه سی و چهار وجب یا هفده گز بوده است، که از چوب نخل و بیرون آن با بافت مویی برای ستر، پوشیده شده بود. نه سنگی بر سنگ گذاشت، نه گچ کاری کرد، و گاهی هم در فکر خانه‌ی مجلل یا زندگی لذت‌بخش نبود.

این حجره‌ها در ایام خلفای راشدین و بعد از آن به همین وضع باقی بودند تا این‌که عبدالملک بن مروان دستور داد، آن‌ها را خراب کردند و به مسجد اضافه نمودند. مردم مدینه نیز از خراب شدن آن گریستند.

سعید بن مسیب گفته است: کاش خراب نمی‌کردند، تا جوانانی که در مدینه بزرگ می‌شوند، و مردمی که از بیرون می‌آیند، ببینند که پیغمبرشان در زندگی به حد ضرورت اکتفا می‌نموده است؛ و این موضوع برایشان سرمشق باشد و هیچ‌گاه به تفاخر و زیاده‌خواهی نپردازند و آخرت را وجهه‌ی همت خود قرار دهند و دنیا را کشت‌زار آخرت بدانند و به راهی که رسول الله بر آن بوده بروند و سعادت مردم جهان را وجهه‌ی همت خود سازند.[۲]

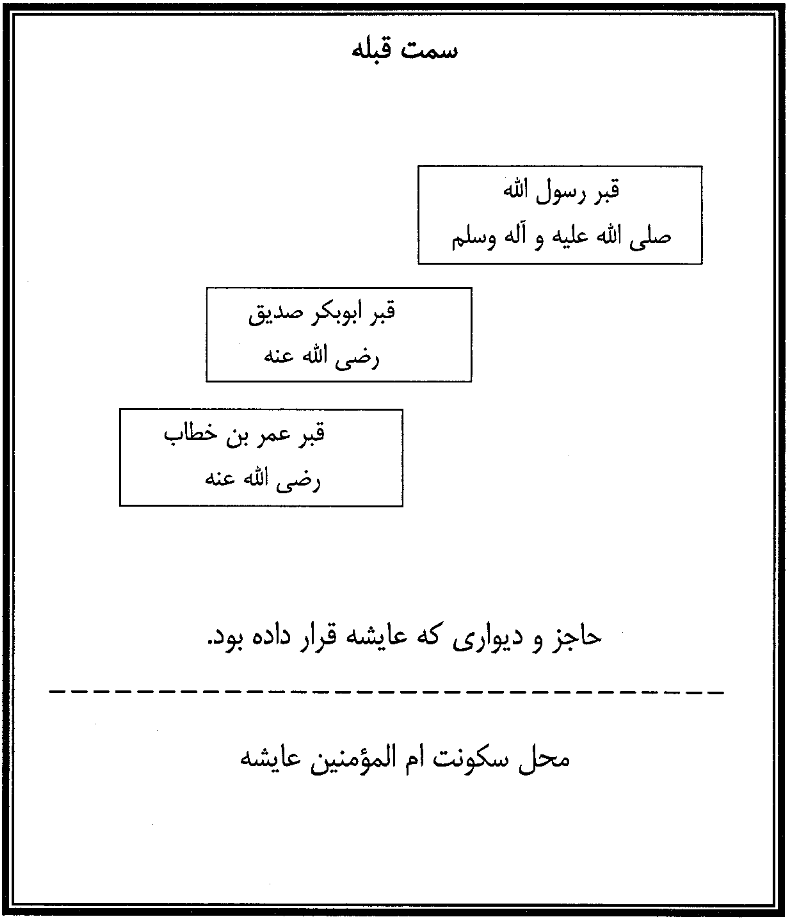
---

۱. ن.ک: کتاب "فضل صلاة علی النبی"، إسماعیل قاضی، شماره‌ی ۱۰۲، و تفسیر ابن کثیر، احزاب: ۵۶.

۲. صفوة العرفان فی تفسیر القرآن (۱۳۲/۶ ـ ۱۳۳).

در حجره‌ی شریف به اندازه‌ی یک قبر جای خالی وجود دارد، که برخی از علما معتقدند که آن‌جا مکان دفن پیامبر عیسی عليه السلام خواهد بود.[۱]

شکل حجره‌ی شریف



---

۱. وفاء الوفاء (۵۵۸/۲) و الدر الثمین، ص ۷۱.

ستون‌های مسجد:

مسجد نبوی، ستون‌های متعددی دارد، که برخی از آن‌ها در روضه‌ی شریف واقع است و نام‌های مخصوصی دارد، که تا به امروز با همان نام‌ها باقی مانده‌اند، و در کتاب‌های حدیث و سیرت علت نام‌گذاری آن‌ها نیز بیان شده است. این ستون‌ها عبارتند از:

۱. ستون مخلّقه (أسطوانة المخلّقة)[۱]

این ستون بین منبر و محراب واقع است، و نزدیک‌ترین ستون به جایگاه نماز پیامبر بوده است. هم اکنون این ستون کمی جلوتر از محل اصلی آن قرار دارد[۲] و محراب النبی به آن متصل است، و بالای آن "اسطوانة المُخَلَّقة" نوشته شده است. در سبب نام‌گذاری آن می‌گویند: رسول خدا اثر آب دهان را بر روی آن ستون مشاهده کردند و ناراحت شدند، یکی از اصحاب برخاست و آن را تمیز نمود، سپس آن‌جا را با عطر خلوق خوشبو ساخت.[۳]

یزید بن عبید گفته است: همراه سلمه بن اکوع به مسجد می‌آمدم، و سلمه همشیه نزد ستونی که نزدیک جایگاه مصحف بود نماز می‌گزارد. من عرض کردم: ای ابومسلم، می‌بینم همیشه سعی می‌کنی نزد این ستون نماز بخوانی؟
ایشان فرمودند: من رسول خدا را دیدم که نزد آن نماز می‌خواندند.[۴]

---

۱. علامه ملاخاطر در کتاب فضایل مدینه (۳۲۶/۲) به‌نام "ستون مصحف شریف" ذکر کرده، و می‌نویسد که: سه ستون در روضه‌ی شریف به نام "مخلقه" معروف است: ۱- ستون مصحف۲- ستون توبه ۳- ستون عایشه یا مهاجرین.

۲. وفاء الوفاء (۴۳۹/۲) و الدر الثمین، ص ۵۳.

۳. الدر الثمین، ص ۵۴.

۴. صحیح بخاری (۵۰۲) و صحیح مسلم (۵۰۹).

۲. ستون عایشه رضی الله عنها (أُسطوانة السيدة عائشة)

این ستون به‌نام "ستون مهاجرین" و "ستون مخلقه" نیـز معـروف اسـت. همچنین آن را "ستون قرعه" نیز می‌نامند.

این ستون در وسط روضه‌ی شریف، در طرف راست ستون توبه قرار دارد، و بر بالای آن "اسطوانة السيدة عايشة" نوشته شده است. ایـن سـتون جایگـاهی است که رسول خدا بعد از تغییر قبله از بیت المقدس به‌سوی کعبـه، نمازهـای فرض را در آن‌جا می‌خواندند.

وجه تسمیه‌ی آن به "مهاجرین" این است که بزرگـان اصـحاب و مهـاجرین، نزد آن می‌نشستند و نماز می‌خواندند. و سبب نام‌گذاری آن به "ستون عایشه" این است که ام المؤمنین عایشه درباره‌ی فضـیلت آن حـدیثی از پیـامبر روایـت کـرده است؛[1] همچنین خودشان در آن‌جا بسیار نماز می‌گزاردند.[2]

در برخی از الفاظ حدیث آمده است: «اگر می‌توانستند برای به‌دسـت آوردن آن قرعه می‌انداختند ... .»[3]

علامه ملاخاطر می‌نویسد: «گفته شده دعا در نزد آن مستجاب است.»[4]

۳. ستون توبه یا ابولبابه (أسطوانة التوبة)

یکی از ستون‌های مسجد النبی است که سابقه‌ای درخشان و روشـن در تـاریخ صدر اسلام دارد، و وجه نام‌گذاری این ستون به ستون "ابولبابه" بدین سـبب بـود که "ابولبابه" که یکـی از بزرگـان قبیلـه‌ی اوس و هـم‌پیمانـان بنـی‌قریظـه بـود، یهودیان بنی‌قریظه او را فراخواندند، و با او مشورت کردند که آیا تسلیم حکم پیامبر بشوند یا خیر؟ ابولبابه، با دیدن گریه و زاری زنان و کودکانشان دلش برای آنان بـه

---

۱. معجم اوسط طبرانی (۴۷۵/۱) و وفاء الوفاء (۴۴۰/۲).

۲. الدر الثمین، ص ۴۴ ، و مختصر فضایل المدینة، ص ۳۱۳ .

۳. مجمع الزوائد (۹/۴ ـ ۱۰)، ن.ک: وفاء الوفاء (۴۴۰/۲) الدر الثمین، ص ۴۵.

۴. فضایل المدینة (۳۳۰/۲).

رقّت آمد، و با دست به گلوی خود اشاره نمود و بـه آنـان فهمانـد کـه اگـر تسـلیم شوید، همه‌ی شما را خواهند کشت. آن‌گاه وی بی‌درنگ از این اقدام خـود سـخت پشیمان شد، و یک‌سره به مسجد النبی رفت و خود را به سـتون مسـجد بسـت، و قسم خورد هرگز خود را باز نخواهد کرد، تا این‌که رسـول خـدا او را بـاز نمایـد، یـا این‌که خداوند از او در گذرد؛ و توبه‌اش پذیرفته شود.

چون خبرش به پیامبر رسید، فرمود: «اگر قبل از این پیش من می‌آمد، من برای او طلب آمرزش می‌کردم؛ اما اکنون که چنین کرده مـن هرگـز او را بـاز نخواهم کرد تا این‌که از جانب خدا مورد عفو و بخشش قرار گیرد.»

در مدت شش روز همسرش می‌آمد و برای اقامه‌ی نماز دستان او را باز می‌کرد و بعد از نماز دوباره او را به ستون می‌بست. پس از گذشت این شش روز، در وقت سحر، هنگامی که پیامبر خدا در منزل همسرش ام سلمه بودند، پیک وحی آمد و آیـــه‌ی: وَءَاخَرُونَ ٱعۡتَرَفُواْ بِذُنُوبِهِمۡ خَلَطُواْ عَمَلٗا صَٰلِحٗا وَءَاخَرَ سَيِّئًا عَسَى ٱللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾ [توبـــه: ۱۰۲] نـــازل گردید، و با نزول این آیات توبه‌ی ابولبابه پذیرفته شد و رسـول خـدا ﷺ آن شب خندان و شادمان بودند. ام سلمه همسر ایشان می‌گوید: عرض کـردم: ای رسول خدا، علت خنده و شادمانی شما چیست؟ فرمودند: «توبه‌ی ابولبابه قبول شده است.» عرض کردم: ای رسول خدا، آیا او را مژده بـدهم؟ فرمـود: «آری، اگر بخواهی.» آن‌گاه ام‌سلمه نزد دروازه‌ی خانه‌اش ایستاد (این حادثـه قبـل از فرض شدن حجاب بود) و گفت: ای ابولبابه، مژده! خداوند توبه‌ات را پـذیرفت. مردم شتافتند که بندهای او را باز کنند، ولی او اجازه نداد، و گفت: نه، به خـدا، رسول خدا با دست‌های خود مرا باز کنند. هنگامی‌که رسـول خـدا بـرای نمـاز صبح وارد مسجد شدند، او را باز کردند.[1]

---

۱. سیرة ابن هشام (۲۶۱/۳ ـ ۲۶۲) وفاء الوفاء (۴۴۲/۲ ـ ۴۴۴).

ستون "توبه" دومین ستون از سمت حجره‌ی شریف، و به موازات "ستون سریر"، و در شرق "ستون عایشه" واقع است.[۱]

رسول خدا بیش‌تر نمازهای نافله را کنار این ستون به‌جای مـی‌آورد،[۲] و در آن‌جا اعتکاف می‌کردند.

عبدالله بن عمر می‌گوید: «رسول خدا هنگامی که در مسـجد بـه اعتکـاف می‌نشستند، بستر یا تخت ایشان را کنار ستون "توبه" (ابولبابه) می‌گذاشتند.»[۳]

۴. ستون سریر (أسطوانة السریر)

رسول خدا تختی داشتند که از چوب و لیف خرما ساخته شده بود، و بـر آن دراز می‌کشیدند،[۴] بدین خاطر این ستون به‌نام "ستون سریر" مشهور شـده اسـت، ایـن ستون در سمت شرق "ستون توبه" قرار دارد، و به ضریح شریف متصل است.[۵]

۵. ستون مَحْرَس یا حرس (أسطوانة الحرس)

امیرالمؤمنین علی کنار آن مـی‌ایسـتاد و از جـان پیـامبر خـدا محافظـت و نگهبانی می‌کرد.[۶]

بدین خاطر به‌نام "ستون علی بن ابی طالب نیز شهرت دارد.[۷]

---

۱. فضایل المدینة (۳۳۱/۲) و الدر الثمین، ص ۵۲.

۲. وفاء الوفاء (۴۴۴/۲) الدر الثمین، ص ۵۳.

۳. ابن ماجه (۱۷۷۴) و ابن خزیمه (۳۵۰/۳) و بیهقی در سنن کبری (۲۴۷/۵).

۴. وفاء الوفاء (۴۴۷/۲).

۵. وفاء الوفاء (۴۴۸/۲) و الدر الثمین، ص ۵۵.

۶. قبل از این‌که آیه‌ی: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ [مائده: ۶۷] نازل شود، اصحاب از پیامبر محافظت می‌کردند. مشهورترین نگهبانان ایشان: سعد بن معاذ در روز بدر، و محمد بن مسلمه در روز احد، و بلال بن رباح در وادی قری، می‌توان نام برد.

۷. وفاء الوفاء (۴۴۸/۲) و الدر الثمین، ص ۵۵، و فضایل المدینة (۳۲۴/۲).

"مَحْرَس" یعنی جایگاه نگهبانی، و این ستون در سمت شمال "ستون سریر"، طرف راست باب حجره‌ی ام المؤمنین عایشه است، که امروزه به ضریح شریف چسبیده و جلوی آن باب، قفسه‌ی قرآن قرار دارد.[۱]

۶. ستون وفود (أسطوانة الوفود)

این ستون پشت "ستون حرس" از سمت شمال قرار دارد، و به دیوار ضریح متصل است، بالای آن نام "أسطوانة الوفود" نوشته شده است. رسول خدا کنار آن می‌نشستند و هیأت‌های وفودی (ورودی) که برای دیدارشان می‌آمدند در این محل با ایشان ملاقات می‌کردند. محل این ستون به‌نام "مجلس قلاده" نیز شهرت دارد، به‌خاطر این‌که بزرگان و افاضل اصحاب پیامبر کنار آن می‌نشستند.[۲]

۷. ستون مقام جبرئیل (أسطوانة مقام جبریل ـــ مربعة القبر)

به این ستون "مربعة القبر" نیز می‌گویند. درب خانه‌ی فاطمه، دختر گرامی پیامبر خدا در آن‌جا قرار داشت، که به داخل مسجد باز می‌شد، و رسول خدا کنار آن می‌ایستادند و علی و فاطمه را برای نماز ندا می‌زدند.[۳]
این ستون در سمت شمال "ستون وفود" قرار دارد[۴] که اکنون در داخل ضریح و منتهی إلیه حجره‌ی شریف واقع است.[۵]

۸. ستون تهجد (أسطوانة التهجد)

این ستون در اصل کنار "باب جبریل" قرار داشته است، که اکنون کمی عقب‌تر از مکان اصلی‌اش می‌باشد. وجه نام‌گذاری این ستون به "ستون تهجد" بدین خاطر بوده است که پیامبر شب‌ها پس از خارج شدن مردم از مسجد حصیری

---

۱. مختصر فضایل المدینة (۳۲۴/۲).

۲. وفاء الوفاء (۴۴۹/۲) و فضایل المدینة (۳۲۴/۲) و الدر الثمین، ص ۴۶ ـ ۵۰.

۳. فضایل المدینة (۳۲۴/۲).

۴. مختصر فضایل المدینة، ص ۳۱۶.

۵. وفاء الوفاء (۴۵۰/۲).

با خود می‌آوردند و پشت خانه‌ی علی و فاطمه کنار این ستون می‌گستراند و تا صبح به تهجّد و شب زنده‌داری می‌پرداختند. بعدها در آن‌جا محرابی به نام "محراب تهجد" ساخته شد، که اکنون این محراب و ستون داخل ضریح مطهر قرار گرفته است.[۱]

۹. ستون حنّانه (أسطوانة الحنّانة = الجذع)

پیش از آن‌که برای رسول خدا منبر ساخته شود، ایشان کنار تنه‌ی درخت خرمایی که در مسجد قرار داشت، می‌ایستادند و خطبه می‌خواندند، که گاهی هم به آن تکیه می‌دادند، اما وقتی که برای ایشان منبری ساخته شد و برای خطبه بر منبر بالا رفتند، تنه‌ی درخت، مانند کودک گریه و ناله و زاری نمود و نزدیک بود تکه تکه شود.[۲] در برخی الفاظ روایت آمده است: «مانند شتر»[۳] و در برخی «مانند صدای گاو نر، ناله کرد.»[۴] رسول خدا از منبر فرود آمدند و آن را در آغوش گرفت. در روایتی آمده است: «فَسارَرَهُ» و در لفظی دیگر «فَخَیَّرَهُ»[۵] آمده است. یعنی پیامبر چیزی به طور راز و سر به او گفت و او را مخیّر ساخت که اگر می‌خواهد او را به حالت اول سبز و میوه‌دار باز گرداند، یا این‌که در بهشت کاشته شود و مؤمنین از میوه‌اش بخورند؛ پس دومی را انتخاب نمود.[۶]

---

۱. وفاء الوفاء (۲/۴۵۰ ـ ۴۵۲) علامه خیاری می‌گوید: این محراب در داخل حجره‌ی شریف واقع است؛ جایی که فاطمه زهرا شب‌ها نماز تهجد می‌خواند؛ در مقابل آن محراب، از ناحیه‌ی بیرون، محراب دیگری وجود دارد که به همان نام نامیده شده است. تاریخ معالم المدینة، ص ۹۸.

۲. صحیح بخاری (۲۰۹۵ و ۳۵۸۴).

۳. صحیح بخاری (۳۵۸۵).

۴. مسند احمد (۲/۱۰۹ و۳/۲۲۶) و سنن ترمذی (۵۰۵).

۵. ن.ک: وفاء الوفاء (۲/۳۹۱) و فضایل المدینة (۲/۳۱۷).

۶. فتح الباری (۶/۶۹۷ ـ ۶۹۸) وفاء الوفاء (۲/۳۸۸) و فضایل المدینة (۲/۳۱۲ ـ ۳۱۳).

در مکان آن تنه‌ی درخت ستونی قرار دارد که به‌نـام "اسـطوانة الحنانـة" یـا "الجذع" معروف است و بین محراب و مدخل ورودی غربـی آن کـه دری فلـزی است، قرار دارد. آن تنه‌ی درخت مبارک به دستور پیامبر در آن‌جا دفن شد.[۱]

مولانا حکایت ستون حنانه را این گونه به نظم در آورده است:

اسـتن حنّانـه از هجـر رسـول — ناله می‌زد همچو ارباب عقـول
گفت پیغامبر چه خواهی ای ستون — گفت جانم از فراقت گشت خـون
مسندت من بـودم از مـن تـاختی — بر سـر منبـر تـو مسـند سـاختی
گفت خواهی که تـرا نخلـی کننـد — شرقی و غربی ز تـو میـوه چننـد
یا در آن عالم حقـت سـروی کنـد — تـا تـر و تـازه بمـانی تـا ابـد
گفت آن خواهم که دایم شد بقاش — بشنو ای غافل کم از چوبی مباش
آن ستون را دفن کرد انـدر زمـین — تا چو مردم حشر گردد یوم دیـن

مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول

محراب مسجد نبوی

همان گونه که ذکر نمودیم، در زمان پیامبر گرامی و خلفای راشدین محراب به شکل کنونی وجود نداشت و محراب فعلی، در "مصلی النبـی" محـل نمـاز پیـامبر ساخته شده است. اولین کسی که این محراب را بنا کرد عمر بـن عبـدالعزیز والـی مدینه در سال ۹۱ هـ. ق در زمان ولید بن عبدالملک بود.[۲]

"محراب النبی" یا "مصلّی النبی" (جایگاه نماز پیامبر) اکنـون بـه سـتون مخلّقه متصل است.

---

۱. وفاء الوفاء (۳۹۵/۲).

۲. وفاء الوفاء (۳۷۰/۱) و تاریخ المسجد النبوی، ص ۱۰۴.

ابن أبی الزناد می‌گوید: تنه‌ی درختی که پیامبر کنارش نماز می‌خواند، در مکان "ستون مخلّقه"، سمت راست محراب بود.[۱]

محراب کنونی در زمان سلطان قایتبای سال ۸۸۸ هـ. ق ساخته شده و در زمان "ملک فهد" پادشاه سعودی سال ۱۴۰۴ هـ. ق ترمیم شده است.[۲]

محراب‌های دیگر:

محراب تهجد

این محراب در جایگاه نماز تهجد پیامبر، پشت منزل علی و فاطمه کنار "ستون تهجد" قرار دارد. اکنون این محراب در داخل ضریح مطهر قرار گرفته است، و گفته شده محل این محراب جایگاه نماز تهجد فاطمه زهرا بوده است. در ناحیه‌ی بیرون به موازات آن محراب دیگری وجود دارد که به "محراب التهجد" نامیده شده است.[۳]

محراب عثمان بن عفان رضی الله عنه

این محراب در پشت "محراب النبی" قرار دارد، که در زمان عثمان بن عفان ساخته شده است.[۴] اکنون نیز امام جماعت در این محراب نماز می‌گزارد.[۵]

محراب سلیمانی

این محراب در سال ۹۰۸ هـ. ق توسط سلطان سلیمان بن سلیم عثمانی ساخته شده است.[۶]

---

۱. أخبار مدینة الرسول، ص ۷۹.

۲. تاریخ المسجد النبوی، ص ۱۰۵.

۳. وفاء الوفاء (۴۵۲/۲) و تاریخ معالم المدینة، ص ۹۸.

۴. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۱.

۵. الدر الثمین، ص ۹۱.

۶. تاریخ معالم المدینة، ص ۸۷. شیخ عبدالقدوس انصاری تاریخ بنای محراب را سال ۹۳۸ هـ. ق ذکر کرده است، آثار المدینة ص ۱۰۱.

محراب شیخ حرم

در پشت "ایوان صفّه" جایگاهی بود که توسط شیخ حرم نمازهای تراویح اقامه می‌شد و امام در آن محراب می‌ایستاد. بعدها محراب برای خانم‌ها مخصوص گردید تا نماز تراویح را در آن‌جا بخوانند، و تا به امروز آثار این محراب باقی است. در سمت جنوب غربی در جایگاه زنان، روبه‌روی "دکة اغوات" قرار دارد.[۱]

ایوان صفّه

هنگامی که تعداد مهاجران در مدینه افزایش یافت، برای آن دسته از مهاجران مسلمان که تهی‌دست بودند و در مدینه منزل و جایگاهی نداشتند، به دستور پیامبر در آخر مسجد، ایوان مسقفی ساختند که آن‌ها در آن‌جا سکونت گزینند. آن‌ها به‌نام "اهل الصفه" معروف بوده‌اند؛ افرادی بودند که در نمازهای جماعت در صف اول و در میدان جنگ نیز از پیشگامان بودند.

درباره‌ی آنان خداوند این آیات را نازل فرموده است:

وَٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ رَبَّهُم بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجۡهَهُۥۖ وَلَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَلَا تُطِعۡ مَنۡ أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ عَن ذِكۡرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمۡرُهُۥ فُرُطٗا ﴿٢٨﴾ [کهف: ۲۸]

«و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن، و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی، و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن.»

---

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۹۹.

رسول خدا ﷺ بعد از نزول این آیات فرمود: «خدا را سپاس می‌گویم که در امتم کسانی را قرار داد که امر شده‌ام که همراه با آنان صبر کنم.»[۱]

این ایوان اکنون در شمال شرقی محدوده‌ی اصلی و مدخل "باب جبرئیل" قرار دارد. این ایوان امروزه به‌نام "دكة الأغوات" شناخته می‌شود.[۲]

آداب مسجد نبوی

مسجد النبی یکی از آن سه مسجدی است که بار سفر به‌سوی آن بسته می‌شود. در حدیث آمده است: (**لاتَشُدُّوا الرِّحالَ إلاّ إلَى ثَلاثَةِ مَساجِد: مَسجِدي هذا وَالْمَسجد الْحَرام وَالْمَسجِد الأقصَى**): «[به قصد عبادت] بار سفر نبندید مگر به‌سوی سه مسجد: مسجد من و مسجد الحرام و مسجد أقصی.»[۳]

کسی که برای آموختن علم و دانش، یا آموزش دادن به مسجد النبی برود همانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.[۴] همچنین کسی که برای یاد گرفتن یا یاد دادن علم به مسجد النبی برود، اجر حج کامل را دارد.[۵]

باید دانست که نماز خواندن در مسجد النبی ثواب هزار نماز دارد. بنابراین باید از فرصت استفاده کرد. بر زائر این مسجد شریف لازم است که آداب مسجد النبی را رعایت کند، و عظمت این مسجد و صاحب آن را در درون قلب خویش جای دهد. بهترین و تمیزترین لباس‌هایش را بپوشد، و خود را معطر و خوش‌بو گرداند.

خداوند می‌فرماید: يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ﴿٣١﴾ [اعراف: ۳۱]

---

۱. امام احمد (۶۳/۳) و ابو داود (۳۶۶۶).

۲. وفاء الوفاء (۴۵۳/۲ ـ ۴۵۴) و تاریخ معالم المدینة، ص ۹۷، و فضایل المدینة (۱۸۱/۲).

۳. صحیح بخاری (۱۱۸۸و ۱۱۹۷ و۱۱۸۹) و صحیح مسلم (۸۲۷ و۱۳۹۷) در روایت ابوهریره: «لا تُشَدُّ» آمده، و در روایت ابوسعید خدری «لا تَشُدُّوا» آمده است.

۴. مسند أحمد (۳۵۰/۲) و سنن ابن ماجه (۲۲۷).

۵. مستدرک حاکم (۹۱/۱) و معجم طبرانی (۱۱۱/۸ـ ۱۱۲) مجمع الزوائد (۱۲۳/۱).

لازم است زائر لباس، بدن و دهان خود را از هر نوع بوی بد و ناپسند پاک نماید. رسول خدا ﷺ فرموده است: «کسی که سیر یا پیاز خورده است، در منزل خودش بنشیند و به مسجد ما نزدیک نشود.»[1]

شخصی که به قصد زیارت مسجد النبی از منزل خارج می‌شود و حرکت می‌کند، تا زمانی که برنگشته است، هر قدمی که برمیدارد گناهی از او برداشته می‌شود، و حسنه‌ای برایش نوشته می‌گردد.[2]

هنگام ورود به مسجد با پای راست وارد شود، و بگوید: (**بِسْمِ الله، وَالسَّلامُ عَلَى رَسُولِ الله، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَح لِي أَبوَابَ رَحْمَتِکَ**) با آرامش و وقار حرکت کند، و در راه‌های ورودی مسجد ننشیند و در جلوی شخص نمازگزار عبور نکند، و دو رکعت نماز تحیت مسجد در "روضه شریف"، و اگر میسر نبود، در هر جای دیگر از مسجد بخواند. سپس بدون این‌که مردم را لگدکوب نماید، آهسته و با وقار حرکت کند، و برای سلام بر پیامبر و دو یارش حاضر شود، و با احترام مقابل ضریح ایشان بایستد و با صدای آهسته بر پیامبر خدا سلام کند و بگوید: (**السَّلامُ عَلَيکَ يَا رَسُولَ الله وَرَحْمَةُ الله وَبَرکَاتُه، صَلَّى اللهُ وَسَلَّم وَبَارِک عَلَيکَ وَجَزَاکَ أَفضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَن أُمَّتِهِ**).

یا چنین بگوید: (**السَّلامُ عَلَيکَ يَا نَبِيَّ الله، السَّلامُ عَلَيکَ يَا خَيرَةَ الله مِن خَلقِهِ، السَّلامُ عَلَيکَ يَا سَيِّدَ الْمُرسَلِين وَإِمَامَ الْمُتَّقِين، أَشهَدُ أَنَّکَ قَد بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَ أَدَّيْتَ الأَمَانَةَ وَنَصَحتَ الأُمَّةَ وَجَاهَدتَ فِي الله حَقَّ جِهَادِهِ**)

پس از آن بر ابوبکر و عمر رضی الله عنهما سلام کند، سپس رو به قبله نماید، و برای خود، پدر و مادر، خویشاوندان، و تمام مسلمانان دعا نماید. از بلندکردن صدا در مسجد النبی نهی شده است، و سبب ضایع شدن اعمال می‌گردد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

---

۱. صحیح بخاری (۸۵۵) و صحیح مسلم (۵۶۴). کشیدن سیگار و غیره نیز همین حکم را دارد.

۲. مسند أحمد (۴۳۱/۲) و صحیح ابن حبان (۱۶۲۲) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَرۡفَعُوٓاْ أَصۡوَٰتَكُمۡ فَوۡقَ صَوۡتِ ٱلنَّبِيِّ وَلَا تَجۡهَرُواْ
لَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ كَجَهۡرِ بَعۡضِكُمۡ لِبَعۡضٍ أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ وَأَنتُمۡ لَا
تَشۡعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ
ٱلَّذِينَ ٱمۡتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ لِلتَّقۡوَىٰۚ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ
ٱلَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَآءِ ٱلۡحُجُرَٰتِ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤﴾ وَلَوۡ
أَنَّهُمۡ صَبَرُواْ حَتَّىٰ تَخۡرُجَ إِلَيۡهِمۡ لَكَانَ خَيۡرٗا لَّهُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿٥﴾

[حجرات: ۲ ـ ۵]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدایتان را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و با او با آواز بلند سخن نگویید، همان‌گونه که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید. مبادا در حالی که نمی‌دانید اعمال شما نابود گردد. بی‌گمان کسانی که صدای خود را نزد رسول خدا پایین می‌آورند، آن‌ها کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای تقوا آزموده (و خالص گردانیده) است، برای آن‌ها آمرزش و پاداش عظیمی است. بی‌گمان کسانی که از پشت حجره‌ها صدایت می‌زنند، بیش‌ترشان بی‌خردانند، و اگر آن‌ها صبر می‌کردند تا که (خود) به سوی آنان بیرون آیی برای آن‌ها بهتر بود، و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است.»

دروازه‌های مسجد نبوی

از هنگام بنای مسجد تا کنون تعداد درهای آن تغییر و افزایش یافته است.

- در زمان پیامبر خدا دارای سه باب بود که یک دروازه در آخر مسجد، و دو دروازه در قسمت جلو، در سمت راست و چپ محراب (مصلّی) قرار داشت.

– در دوران عمر بن خطاب هنگامی که مسجد النبی را توسعه داد، شش دروازه به دروازه‌های مسجد افزود، دو دروازه در سمت راست قبله، و دو تا در سمت چپ قبله قرار داد. اکنون یکی از آن‌ها در دیوارهای حجره‌ی شریف واقع است، و سه تای دیگر آن عثمانی‌ها آن‌ها را به صورت سه پنجره فلزی باز قرار داده‌اند. پنجمین دروازه‌ای که عمر بن خطاب افزود در رکن جنوب غربی مسجد بود که امروزه به‌نام "باب السلام" شهرت دارد، و دروازه‌ی دیگری را به‌نام "باب النساء" در سمت شمال دروازه‌ی جبریل قرار داد.

– عمر بن عبدالعزیز والی مدینه، در زمان حکومت ولید بن عبدالملک اموی پس از توسعه‌ی مسجد نبوی، به تعداد درهای مسجد افزود، و آن‌ها را به بیست باب رساند.

– در دوران ترک‌های عثمانی سایر درها را جز پنج باب اصلی بستند، که تا کنون نیز باقی است، آن پنج دروازه عبارت‌اند از: باب السلام، باب الرحمه، باب جبریل، باب النساء و باب مجیدی.

– در توسعه‌ی اول سعودی شش دروازه به ابواب مسجد افزودند:

۱. باب بقیع

۲. باب عمر بن الخطاب رضی الله عنه

۳. باب عثمان بن عفان رضی الله عنه

۴. باب صدیق، که شامل سه دروازه می‌باشد.

۵. باب ملک عبدالعزیز.

۶. باب ملک سعود که شامل سه دروازه‌ی بزرگ می‌باشد.[1]

---

۱. علامه ملاخاطر می‌فرماید: در توسعه‌ی سعودی دو دروازه‌ی جدید وجود دارد "باب ملک عبدالعزیز" و باب "ملک سعود"، اما چهار باب دیگر از ابواب قدیمی است که در زمان خلفای راشدین و در زمان عثمانی‌ها وجود داشته است.

- در توسعه‌ی دوران "ملک فهد" هفت دروازه در سمت‌های شمال شرق و غرب افزوده گردید. همچنین دو دروازه‌ی اصلی در سمت جنوب افزودند؛ که هر کدام شامل دو دروازه است. و نیز شش دروازه جانبی برای مسجد ایجاد نمودند که مجموع ابواب مسجد ۶۵ باب می‌باشد. علاوه بر این حدود ۱۸ پله و بالابر نیز در اطراف مسجد برای رفتن به سطح مسجد وجود دارد.

بنابراین دروازه‌های اصلی کنونی عبارتند از:

باب السلام ـ باب الصدیق ـ باب الرحمه ـ باب البقیع ـ باب جبریل ـ باب النساء ـ باب عمر بن الخطاب ـ باب مجیدی ـ باب عثمان ـ باب ملک عبدالعزیز ـ باب ملک سعود ـ باب ملک فهد.

فصل ششم: مساجد مدینه

مدینه شهر مساجد است. بسیاری از این مساجد قبل از هجرت پیامبر به مدینه‌ی منوره، توسط مسلمانانی که در بیعت عقبه‌ی اول و دوم مسلمان شده بودند ساخته شد. همچنین بر اثر تلاش و کوشش مبلغانی که رسول خدا به شهر مدینه فرستاده بود، بسیاری از مردم مدینه که به دین مبین اسلام مشرف شده بودند، هر کدام در منطقه و قبیله‌ی خود مسجدی بنا کرده بودند. بعد از هجرت رسول خدا به مدینه اولین اقدام ایشان بنای مسجد قبا بود، سپس مسجد نبوی، پس از این دو، مساجد مدینه افزایش یافت. در زمان عمر بن عبدالعزیز با جست‌وجو و سؤال از اصحاب کرام در اماکن و جاه‌هایی که رسول خدا نماز خوانده بودند، مسجد بنا کردند.

مسجد قبا

منطقه‌ی قبا محل سکونت "قبیله‌ی بنی عمرو بن عوف" بود. پیامبر خدا روز دوشنبه ۱۲ ربیع اول به منطقه‌ی قبا رسیدند، و آن‌ها از پیامبر گرامی استقبال نمودند. رسول خدا در منزل "کلثوم بن هدم" اقامت گزیدند. در آن ایام بنای "مسجد قبا" را آغاز نمودند. مسجد قبا اولین مسجدی است که پیامبر اسلام در مدینه بنا کردند، و خود ایشان شخصاً دوش به دوش اصحاب به بنای آن مشغول شدند. این مسجد در سمت شمال منزل "کلثوم بن هدم" و در سمت غرب منزل "سعد بن خیثمه" قرار داشت. رسول گرامی دیوارهای این مسجد را با سنگ و خشت برافراشت و سقف آن نیز بر روی سه ستون قرار داد. طول و عرض آن مساوی با ۶۶ ذراع و ارتفاع دیوار آن ۱۷ ذراع بود.[۱]

---

۱. تاریخ المدینة، ابن شبة (۵۷/۱).

فضیلت مسجد قبا:

خداوند در قرآن کریم درباره‌ی مسجد قبا فرموده است:

﴿لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨﴾ [توبه: ۱۰۸]

روایات زیادی درباره‌ی فضیلت مسجد قبا آمده است. ما در این‌جا به چند روایت اکتفا می‌نماییم:[۱]

رسول خدا می‌فرماید: (**من تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسجِدَ قُباء فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً كان لَهُ أَجرُ عُمْرَةٍ**): «کسی که در منزل (و محل اقامت) خود وضو بگیرد، آن‌گاه به مسجد قبا آید، و دو رکعت نماز بخواند، اجر یک عمره را دارد.»[۲]

در حدیث دیگر آمده است: (**صَلَاةٌ فِي مَسجِدِ قُبَاء كَعُمْرَةٍ**): «نماز در مسجد قبا، مانند به‌جای آوردن عمره است.»[۳]

عبدالله بن عمر روایت نموده است که: رسول الله همیشه روز شنبه، سواره و یا پیاده به مسجد قبا می‌آمدند، و در آن دو رکعت نماز می‌خواندند.[۴]

مسجد قبا در طول تاریخ مورد توجه و عنایت مسلمانان و حکام آن‌ها بوده است. عمر فاروق آن را ترمیم و تجدید نمود؛ عثمان بن عفان در زمان خلافتش مسجد را تعمیر کرد و به آن افزود؛ عمر بن عبدالعزیز در زمان ولایتش بر مدینه مسجد را تعمیر و بازسازی نمود، و برای آن مناره‌ای قرار داد. پیوسته در زمان عثمانی‌ها تعمیر و تجدید بنا گردید. اما در دوران پادشاهان آل سعود به‌خصوص در زمان "ملک فهد" تعمیر و توسعه‌ی اساسی برای مسجد

---

۱. ن.ک: به کتاب الأحاديث الواردة فی فضايل المدينة، دکتر رفاعی، ص ۵۲۵، و فضايل المدينة، علامه ملاخاطر (۳۶۳/۲).

۲. مسند احمد (۴۸۷/۳)، سنن کبری نسائی (۷۷۸)، ابن ماجه (۱۴۱۲) و طبرانی (۵۵۵۸).

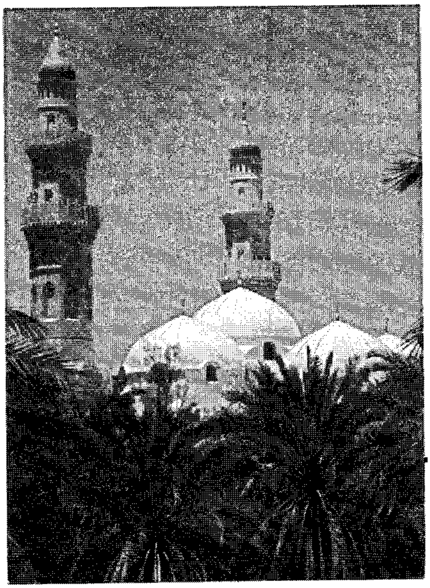
۳. سنن ترمذی (۳۲۴)، سنن ابن ماجه (۱۴۱۱) و طبرانی (۵۷۰).

۴. صحیح بخاری (۱۱۹۳ و۱۱۹۴) و صحیح مسلم (۱۳۹۹).

قبا صورت گرفت، که این تعمیر و توسعه در ماه صفر سال ۱۴۰۵ هـ . ق آغاز شد، و در سال ۱۴۰۶ هـ . ق پایان پذیرفت.

در این توسعه مساحت مسجد به ۷۴۶۵ متر رسید و برای آن ۵۶ گنبد کوچک به قطر ۶ متر و ۶ گنبد بزرگ به قطر ۱۲ متر ساخته شد.

همچنین چهار مناره به ارتفاع ۴۷ متر در چهار گوشه‌های آن ساختند.[۱] متأسفانه در این توسعه، برخی از خانه‌های تاریخی مانند خانه‌ی کلثوم بن هدم و سعد بن خیثمه، که در مجاورت مسجد بود، تخریب و به مسجد افزوده گردید. مسجد قبا تا مسجد النبی حدود ۳/۵ کیلومتر فاصله دارد، و ۲۰ هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. قسمت شمال آن برای بانوان اختصاص داده شده است.[۲]

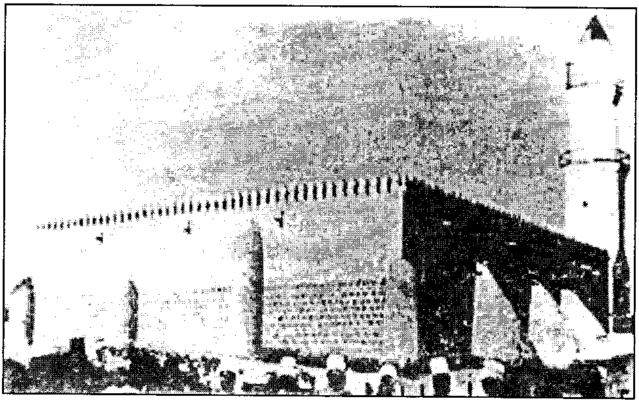


نمایی از مسجد قبا

---

۱. الدر الثمین، ص ۱۲۱ ـ ۱۲۲، المساجد الأثریة، ص ۲۸ و تاریخ معالم المدینه، ص ۱۶۳ و آثار المدینه، ص ۸۰.

۲. المساجد الأثریة، ص ۲۹.



تصویری قدیمی از مسجد قبا

مسجد قبلتین:

رسول خدا بعد از بعثت، مدت سیزده سال در مکه و بعد از هجرت، به مدینه تا شانزدهمین ماه هجرت یا تا هفدهمین ماه هجرت؛ به سوی بیت المقدس نماز می‌خواندند. رسول خدا همیشه منتظر بودند، که خداوند کعبه و مسجد الحرام را قبله‌ی آنان بگرداند. بنابراین با نازل شدن این آیات:

قَدۡ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجۡهِكَ فِي ٱلسَّمَآءِۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبۡلَةٗ تَرۡضَىٰهَاۚ فَوَلِّ وَجۡهَكَ شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۚ وَحَيۡثُ مَا كُنتُمۡ فَوَلُّواْ وُجُوهَكُمۡ شَطۡرَهُۥۗ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡكِتَٰبَ لَيَعۡلَمُونَ أَنَّهُ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّهِمۡۗ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعۡمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ [بقره: ۱۴۴] قبله‌ی مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر یافت.[1]

مسجد "قبلتین" در "حرّة الوبرة"، شمال غربی شهر مدینه و غرب کوه سلع، نزدیک وادی عقیق، واقع شده است. این مسجد به سبب نزول آیات تغییر قبله

---

۱. صحیح بخاری (۳۹۹)، صحیح مسلم (۵۲۵)، الفصول فی سیرة الرسول، ص ۱۲۷، و وفاء الوفاء (۳۵۹/۱).

و خوانده شدن یک نماز در یک وقت به سوی دو قبله، به مسجد "قبلتین" مشهور گردید.[۱]

اما در مورد این‌که آیا هنگام نزول این آیات، پیامبر خدا خود شخصاً در مسجد قبلتین امام بودند، یا این‌که کسی دیگر امام بود و رسول خدا در مسجد النبی نماز می‌خواندند و این آیات در آن‌جا نازل شده است؟ علما و دانشمندان اسلامی دو نظریه دارند:

نظریه‌ی اول

مسجد قبلتین، اولین مسجدی است که قبله‌ی آن تغییر یافته، و رسول خدا در آن روز امام بودند. چون برای دیدن مادر بشر بن براء بن معرور به قبیله‌ی بنی سلمه[۲] تشریف برده بودند، و وقت نماز ظهر فرا رسیده بود که رسول خدا نماز ظهر را برای اصحاب امامت نمودند؛ بعد از این‌که دو رکعت نماز را خوانده بودند، فرمان یافتند که به‌سوی کعبه نماز بخوانند. بنابراین رسول خدا و یاران به صورت نیم دایره‌ای برگشته و رو به سمت جنوب نمودند، با این چرخش ۱۶۰ درجه‌ای، مردان در جای زنان ایستادند، و زنان در جای مردان قرار گرفتند، و این حادثه در روز دوشنبه نیمه‌ی ماه رجب واقع گردید. بدین سبب آن را مسجد "قبلتین" نامیدند.[۳]

عده‌ای از محدثین و مفسرین از جمله ابن‌سعد[۴] و حافظ ابن‌حجر عسقلانی[۵] به این رای قائل هستند.[۶]

---

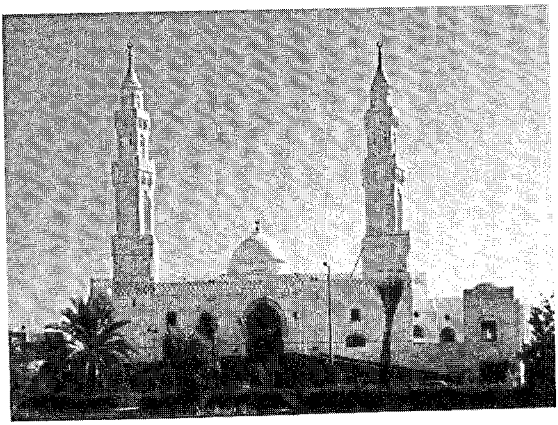
۱. تاریخ المدینة، ابن‌شبة (۶۸/۱) و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۸۸.
۲. یکی دیگر از نام‌های مسجد قبلتین، مسجد بنی‌سلمه است.
۳. وفاء الوفاء (۳۶۲/۱)، تاریخ معالم المدینة و الدر الثمین، ص ۲۳۵.
۴. طبقات ابن سعد (۲۴۲/۱).
۵. فتح الباری (۶۰۱/۱ ـ ۶۰۲).
۶. مختصر فضایل المدینة، ص ۲۳۵ ـ ۲۳۶، و المساجد الأثریة، صص ۱۸۵ ـ ۱۹۰.

نظریه‌ی دوم

اولین مسجدی که قبله‌ی آن در حال نماز تغییر کرد مسجد النبی بود، و رسول خدا امام بودند. نماز ظهر بود و اولین نمازی که به طور کامل در مسجد النبی به‌سوی کعبه خوانده شد، نماز عصر بود.[۱]

علامه ملاخاطر نظریه‌ی دوم را ترجیح داده است.[۲]

مسجد قبلتین بارها ترمیم و تعمیر شده است؛ که آخرین توسعه و تعمیر اساسی سال ۱۴۰۸ هـ. ق در زمان ملک فهد پادشاه سعودی انجام گرفته است. مساحت کنونی آن ۳۹۲۰ متر مربع است، و دارای یک گنبد بزرگ و زیبا به قطر ۷/۸ متر و ارتفاع ۱۸/۸ متر می‌باشد.



مسجد قبلتین

مساجد سبعه (فتح)

در ماه شوال سال پنجم هـ. ق عده‌ای از سران یهود به مکه رفتند، و با تلاش گسترده‌ی خود توانستند قریش و بقیه‌ی طوایف و قبایل مشرک در شبه جزیره را علیه اسلام و مسلمانان بسیج کنند. آن‌گاه تمامی گروه‌ها و احزاب برای محاصره‌ی

---

۱. وفاء الوفاء (۲۶۳/۱) و فضایل المدینة (۳۹۹/۲) و الدر الثمین، ص ۲۳۵.

۲. مختصر فضائل، ص ۳۳۷) و فضایل المدینة (۴۰۰/۲).

شهر مدینه به حرکت در آمدند، و از آن‌جایی که در این جنگ احزاب و گروه‌های مختلفی شرکت داشتند، این جنگ به‌نام "جنگ احزاب" نامیده شد. همچنین چون مسلمانان با پیشنهاد سلمان فارسی اطراف مدینه را خندق حفر کردند، به‌نام "جنگ خندق" نیز معروف است. منطقه‌ی این جنگ مقابل کوه "سلع" در شمال غربی مدینه قرار داشت.[۱] فرماندهان و بزرگان صحابه در چند نقطه در دامنه‌ی این کوه سنگرهایی داشتند، که در هنگام نماز در آن‌جا نیز نماز می‌گزاردند.[۲] همچنین پیامبر گرامی اسلام در آن ایام در آن‌جا نماز گزارده‌اند و بر احزاب نفرین فرموده‌اند.[۳] بعدها عمر بن عبدالعزیز در آن‌جا مساجدی بنا کردند، که به نام آن صحابه معروف شد. هر چند که این مساجد به‌نام "سبعه" (هفت) مساجد معروف است، ولی در شمارش تنها شش مسجد می‌باشد.[۴] اخیراً نیز یکی از آن‌ها تخریب شده است. در سال ۱۴۲۴ هـ.ق حکومت سعودی مسجد بزرگی به‌نام "مسجد خندق" در دامنه‌ی این کوه بنا کرده است.

مساجد سبعه عبارتند از:

۱. مسجد فتح

این مسجد در مرتفع‌ترین نقطه در شمال غربی "کوه سلع" واقع است. جابر بن عبدالله گفته است: «رسول خدا سه روز در مسجد فتح دعا کردند (دوشنبه، سه‌شنبه و چهارشنبه) روز چهارشنبه بین نماز ظهر و عصر دعایشان مستجاب شد. جابر می‌گوید: هرگاه امر مهمی برایم پیش می‌آمد در همان وقت، در همان‌جا و در روز چهارشنبه دعا می‌کردم، و دعایم مستجاب می‌شد.»[۵]

---

۱. ن.ک: مختصر سیرة ابن هشام، ص ۱۶۵.

۲. مساجد الفتح بالمدینة، ص ۴۵.

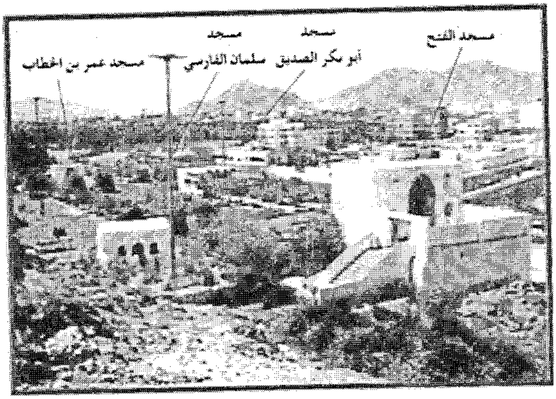
۳. وفاء الوفاء (۸۳۲/۲، ۸۳۶) و مختصر فضایل المدینة، ص ۳۳۲.

۴. برخی "مسجد ذباب" را هفتمین آن‌ها می‌دانند، المساجد الأثریة، ص ۱۳۸.

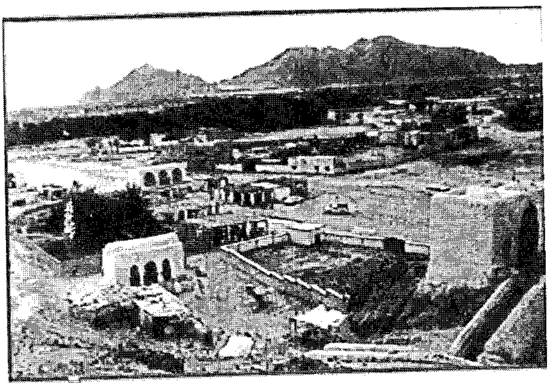
۵. مسند احمد (۳۳۲/۳) و بخاری در ادب مفرد (۷۰۴) و اسنادش حسن است.

از آن‌جایی که دعای رسول خدا در آن مکان مستجاب شد و خبر فتح و پیروزی سپاه اسلام در آن‌جا به پیامبر رسید، به‌نام "مسجد فتح" معروف گردید.

مسجد فتح (یا احزاب)، در جایگاه نماز و دعای پیامبر توسط عمر بن عبدالعزیز بنا شده است.[۱] بعدها در زمان عثمانی‌ها تجدید بنا گردیده، و سپس در زمان "ملک فهد" ترمیم شده است.



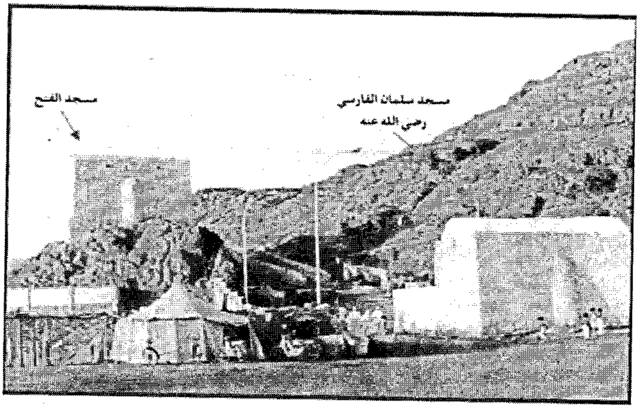
مسجد فتح واقع بر کوه، و مسجد سلمان فارسی در دامنه‌ی کوه و در پشت مسجد ابوبکر صدیق و عمر بن خطاب دیده می‌شود.



مسجد فتح در اوایل دوران حکومت سعودی

---

۱. وفاء الوفاء (۸۳۱/۳) و المدینة المنورة معالم وحضارة، ص ۵۵.



مسجد فتح در بالای کوه و مسجد سلمان در پایین آن واقع است. در این تصویر پایه‌های برق دیده می‌شود که بعد از ترمیم دوم آن اضافه شده است.

۲. مسجد سلمان فارسی رضي الله عنه

بعد از مسجد فتح، و در سمت جنوب آن قرار دارد، که طول آن از شمال به جنوب چهارده ذرع، و عرض آن از شرق به غرب هفده ذرع است.[۱]

۳. مسجد علی بن ابی طالب رضي الله عنه

این مسجد کمی بالاتر از مسجد فاطمه الزهراء (سعد بن معاذ) و در غرب مسجد عمر بن الخطاب واقع است.[۲] اما سمهودی در وفاء الوفاء[۳] می‌نویسد: «در جنوب مسجد سلمان فارسی بعد از مسجد فتح قرار دارد، و بنای آن رو به تخریب بود که زین‌الدین ضیغم امیر مدینه، در سال ۸۷۶ هـ . ق آن را تجدید بنا کرد و سقف آن را از چوب قرار داد. طول این مسجد از شمال به جنوب ۱۳ ذرع و عرض آن از شرق به غرب ۱۶ ذرع می‌باشد.»

---

۱. وفاء الوفاء (۸۳۶/۲ ـ ۸۳۷) و مساجد الفتح، ص ۳۰، المساجد الأثرية، ص ۱۴۳.

۲. مساجد الفتح، ص ۴۱، و المساجد الأثرية، ص ۱۴۵.

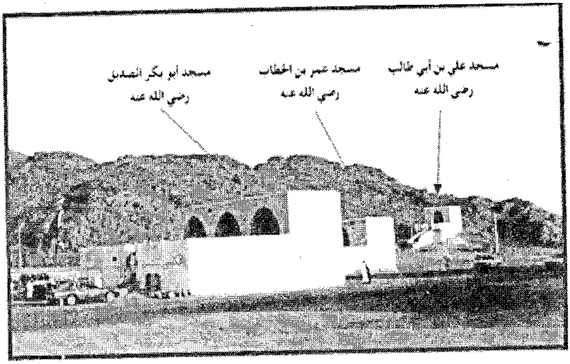
۳. وفاء الوفاء (۸۳۷/۲).

۴. مسجد ابوبکر الصدیق رضی الله عنه

این مسجد بعد از مسجد سلمان، در دامنه‌ی کوه سلع و بر جای بلندی قرار دارد.[۱] متأسفانه این مسجد بعد از این‌که در زمان ملک فهد تعمیر شده بـود، و نمازهای پنج‌گانه در آن اقامه می‌شد، اخیراً تخریب شده، و در جای آن "عـابر بانک" نصب شده است.[۲]

۵. مسجد عمر بن الخطاب رضی الله عنه

این مسجد کمی پایین‌تر از مسجد ابوبکر، در جنوب غربی مسـجد سـلمان واقع شده است.[۳]



مسجد ابوبکر صدیق، مسجد عمر بن الخطاب و مسجد علی بن ابی طالب در دوران حکومت سعودی (مساجد فتح)

۶. مسجد فاطمه الزهراء رضی الله عنها (مسجد سعد بن معاذ رضی الله عنه)

در جنوب غربی مسجد عمر بن الخطاب، و پایین‌تر از همه‌ی مساجد سـبعه، در کنار خیابان اصلی واقع شده است. مسجدی است کوچک و بدون سقف، که طـول آن از شرق به غرب ۶/۲۵ متر، و عرض آن از جنوب به شمال ۳/۳۵ متر است.[۴]

---

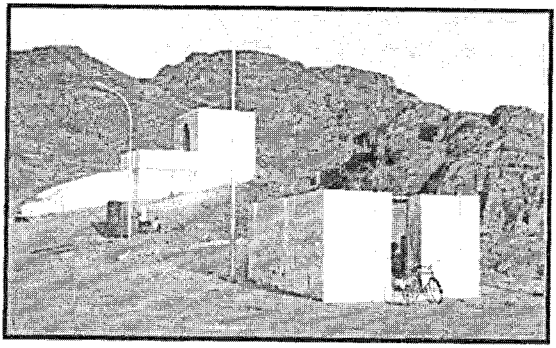
۱. مساجد الفتح، ص ۳۱، تاریخ المدینة المنورة (۵۹/۱) و المساجد الأثریة، ص ۱۴۶.

۲. مساجد الفتح، ص ۳۵.

۳. المساجد الأثریة، ص ۱۴۸ و مساجد الفتح، ص ۳۴.

۴. المساجد الأثریة، ص ۱۵۰ و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۹۷.

قابل ذکر است که در نام‌گذاری این مسجد اختلاف وجود دارد، برخی آن را به‌نام مسجد سعد بن معاذ ذکر کرده‌اند.[۱]



تصویر قدیمی از مسجد فاطمه زهرا (یا مسجد سعد بن معاذ)

مسجد الاجابه (مسجد بنی‌معاویه)

این مسجد به‌سبب اجابت دعای پیامبر، به "مسجد الاجابه" معروف است. و چون در منطقه‌ی "بنی‌معاویه" واقع است به"مسجد بنی‌معاویه" نیز شهرت دارد.[۲]

امام مسلم از سعد بن ابی وقاص روایت کرده است: روزی رسول خدا از جهت مرتفع مدینه می‌آمدند، و به مسجد "بنی معاویه" رسیدند؛ وارد مسجد شدند و دو رکعت نماز گزاردند؛ ما نیز همراه ایشان نماز خواندیم؛ سپس بسیار طولانی دعا کردند؛ آن‌گاه رو به ما کردند و فرمودند: «از پروردگارم سه چیز خواستم، که دو خواسته را به من عطا فرمود، و یکی را منع کرد. از پروردگارم خواستم که امت مرا به قحطسالی هلاک ننماید، پس به من عطا فرمود؛ و از خداوند خواستم که امتم را به‌وسیله‌ی غرق شدن هلاک نکند، پس به من عطا نمود؛ و از خدا خواستم که اختلاف امتم را در میان خودشان قرار ندهد؛ به من نداد و مرا از آن منع نمود.»[۳]

---

۱. مساجد الفتح، ص ۳۷ ـ ۳۸ و المساجد الأثرية، ص ۱۴۹.

۲. وفاء الوفاء (۸۲۸/۲) و المساجد الأثرية، ص ۳۳ و آثار المدينة المنورة ، ص ۱۳۳.

۳. صحیح مسلم (۲۸۹۰).

سمهودی می‌نویسد: شایسته است که مسلمان در آن‌جا نماز نافله خواند، و بعد از نماز ایستاده، دعا کند.[۱]

این مسجد از جمله مساجدی است که در زمان رسول خدا وجود داشته، و بارها در طول تاریخ ترمیم و بازسازی شده است.[۲] در سال ۱۴۱۸ هـ. ق (۱۹۹۷م) در زمان حکومت ملک فهد، پادشاه سعودی، تجدید بنا شده و به آن افزوده شده است.[۳] موقعیت کنونی آن در سمت راست شارع (خیابان) "ملک فیصل" (شارع ستین)، شمال شرقی بقیع قرار دارد.

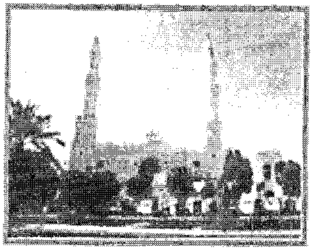


مسجد اجابه

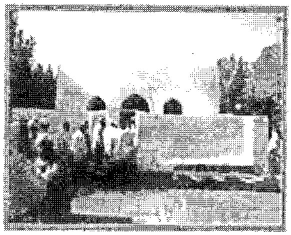
۱. وفاء الوفاء (۸۲۹/۳).

۲. المساجد الأثریة، ص ۳۸، و الدر الثمین، ص ۱۵۳.

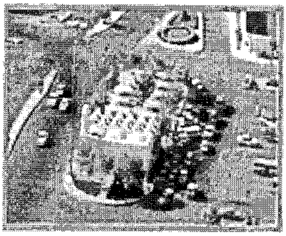
۳. تاریخ المدینه، ص ۶۸.



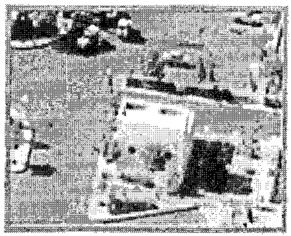
مسجد القبلتين



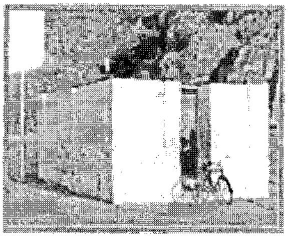
مسجد سلمان الفارسي رضي الله عنه



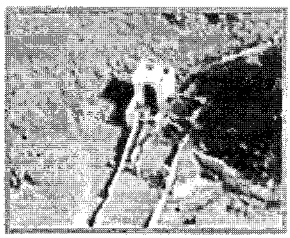
مسجد أبو بكر الصديق رضي الله عنه



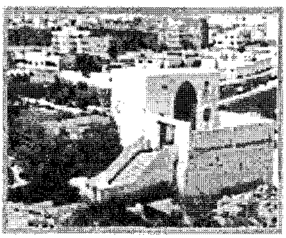
مسجد عمر بن الخطاب رضي الله عنه



مسجد فاطمة الزهراء (رضي الله عنها)



مسجد علي بن ابي طالب رضي الله عنه



مسجد الفتح

مساجد سبعه (فتح)

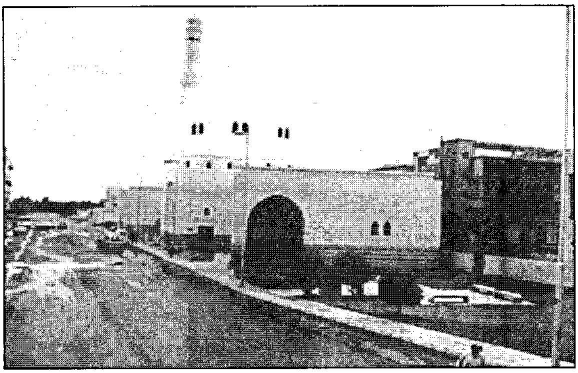
مسجد جمعه

رسول خدا هنگامی که از قبا به سوی مدینه حرکت نمودند، در میان قبیله‌ی "بنی سالم بن عوف" نماز جمعه را خواندند.

این مسجد در میان "وادی رانونا" واقع است، و به‌نام مسجد "وادی" و مسجد "بنی سالم" معروف می‌باشد.[۱]

علامه سمهودی می‌نویسد: «این مسجد سقفی داشته که به‌وسیله‌ی دو ستون نگه‌داری می‌شده است. طول مسجد از جنوب به شمال، بیست ذراع و عرض آن از شرق به غرب، شانزده ذراع بوده است.»[۲]

در زمان سلطان بایزید عثمانی تجدید بنا شده است. بعد از گذشت بیش از چهارصد سال از بنای عثمانی‌ها مسجد رو به تخریب و سقوط بود که در سال ۱۳۹۵ هـ. ق در دوران سعودی بازسازی و مرمت گردید.[۳] سپس در زمان ملک فهد سال ۱۴۱۲ هـ. ق به‌طور کامل بازسازی و به‌شکل بسیار زیبا و عالی ساخته شد.[۴] این مسجد حدود یک کیلومتری مسجد قبا، در جهت شمال قرار دارد.



تصویری از مسجد جمعه

---

۱. وفاء الوفاء (۸۱۹/۲ ـ ۸۲۰) و المساجد الأثرية، ص ۶۴ و فضائل المدینه (۵/۳).

۲. وفاء الوفاء (۸۲۱/۲).

۳. آثار المدينة، ص ۸۵ ـ ۸۷) و المساجد الأثرية، ص ۶۸.

۴. تاريخ المدينة، ص ۵۰، و المساجد الأثرية (ص ۶۸).

مسجد بنی عبدالأشهل (یا مسجد واقم)

این مسجد از جمله مساجد تاریخی است که در کتب حدیث و سیرت ذکر شده، اما مکان آن شناخته نشده است.[۱] این مسجد در قبیله‌ی بنی عبدالأشهل در حرّه‌ی واقم واقع بوده است، و رسول خدا یک روز نماز مغرب را در آن‌جا خواندند، و آن‌ها را بر خواندن نماز سنت بعدیه مغرب در خانه‌ها تشویق نمودند.[۲]

محمود بن لبید می‌گوید: رسول خدا به مسجد ما تشریف آوردند و نماز مغرب را برای ما امامت کردند، هنگامی که از نماز فارغ شدند فرمودند: «این دو رکعت سنت مغرب را در خانه‌هایتان بخوانید.»[۳]

سمهودی می‌گوید: «روایات درباره‌ی نماز پیامبر در این مسجد بسیار است، اما امروزه جای آن دانسته نمی‌شود.»[۴]

داستان نماز پیامبر در این مسجد، در روایت کعب بن عجره، ثابت بن صامت، عبدالله بن عبدالرحمن و أم عامر بنت یزید بن سکن و ... آمده است.[۵]

مسجد الغمامه (المصلّی)

منطقه‌ی "مصلّی" جایگاهی است، نزدیک به مسجد النبی که رسول خدا نمازهای عید فطر، عید قربان و نماز استسقاء را در جاهای مختلف آن می‌خواندند.[۶]

اما مکانی که پیامبر تا قبل از وفات بر نماز خواندن در آن مواظبت می‌کردند، اکنون به‌نام "مسجد غمامه" معروف می‌باشد.[۷] این مسجد تا کنون پا برجاست و دارای شش گنبد زیبای کوچک و بزرگ می‌باشد.

---

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۱۲.

۲. فضائل المدینة (۸/۳) و وفاء الوفاء (۸۶۲/۲ ـ ۸۶۳).

۳. مسند أحمد (۴۲۷/۵) و صحیح ابن خزیمة (۱۲۰۰).

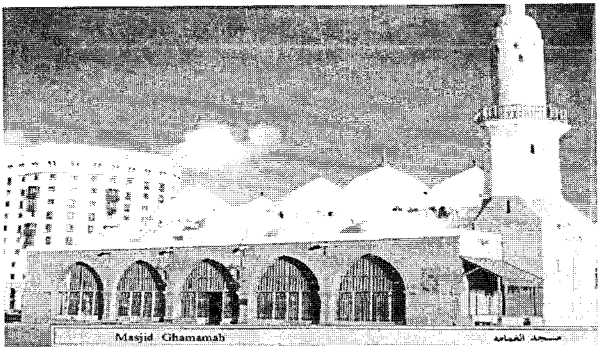
۴. وفاء الوفاء (۸۶۳/۲) و ن.ک: کتاب المدینة بین الماضی والحاضر، ص ۳۰۶.

۵. مختصر فضایل المدینة، ص ۳۴۲.

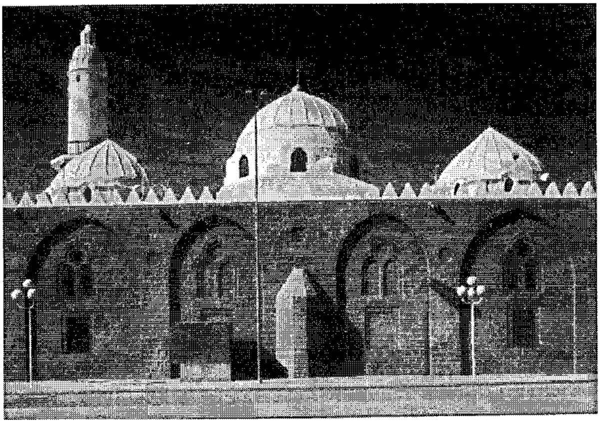
۶. مختصر فضایل المدینة، ص ۳۴۲، وفاء الوفاء (۷۸۰/۲ ـ ۷۸۱).

۷. مختصر فضایل المدینة، ص ۳۴۲، وفاء الوفاء (۷۸۰/۲ ـ ۷۸۱).

عمر بن عبدالعزیز برای حفاظت و نگه‌داری از جاهایی که رسول خدا و خلفای راشدین نماز عید قربان و عید فطر گزارده بودند، مسجد بنا کردند.[۱] در قرن نهم توسط سلطان محمد بن قلاوون تعمیر شد. سپس در زمان عثمانی‌ها تعمیر و اصلاح گردید. بنای کنونی از زمان سلطان عبدالمجید عثمانی است که در سال ۱۴۱۱ هـ. ق در دوران حکومت ملک فهد آل سعود مرمت گردید.[۲]



مسجد غمامه



نمایی دیگر از مسجد غمامه

۱. وفاء الوفاء (۷۸۶/۲) و تاریخ معالم المدینه، ص ۱۴۲.

۲. تاریخ المدینة، ص ۵۸، و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۴۲، و آثار المدینة، ص ۱۱۹.

مسجد ابوذر (مسجد سجده)

این مسجد با ۹۰۰ متر فاصله، در سمت شمالی مسجد نبوی، نزدیک تقاطع خیابان ابوذر با خیابان فرودگاه واقع است.[۱]

نام‌گذاری آن به "مسجد سجده" بدین خاطر است که رسول خدا در آن‌جا سجده‌ی طولانی نمودند. همچنین در قدیم با نام‌های دیگر مثل: "مسجد اسواف"، "مسجد سافله" و "مسجد بحیری" نیز معروف بوده است.[۲]

اما امروزه به نام "مسجد ابوذر" معروف است، که سمهودی می‌گوید: «در این زمینه روایت معتمدی نقل نشده است.»[۳]

عبدالرحمن بن عوف می‌گوید: رسول خدا (از مسجد نبوی) خارج شدند، من نیز دنبال ایشان رفتم، آن‌گاه رسول خدا در باغی از باغ‌های منطقه‌ی "الأسواف" وارد شدند و وضو گرفتند، سپس دو رکعت نماز خواندند، آن‌گاه سجده‌ای بسیار طولانی نمودند... .

عبدالرحمن می‌گوید: رسول خدا فرمود: «همانا جبریل علیه السلام به من بشارت داد، که هر کس بر من درود بفرستد، خداوند بر او درود می‌فرستد، و هر کس که بر من سلام نماید، خداوند بر او سلام می‌نماید.»[۴]

در روایت دیگر[۵] دو رکعت نماز ذکر نشده، و در آخر حدیث آمده است: «من به این خاطر برای خداوند سجده‌ی شکر نمودم.»

امام احمد از عبدالرحمن بن عوف چنین روایت کرده است که: رسول خدا (از مسجد) بیرون رفتند، آن‌گاه به‌سوی نخلستان صدقه‌اش رفتند و در آن‌جا رو

---

۱. المساجد الأثریة، ص ۹۳، تاریخ المدینة، ص ۶۶، و مختصر فضایل المدینة، ص ۳۴۸.

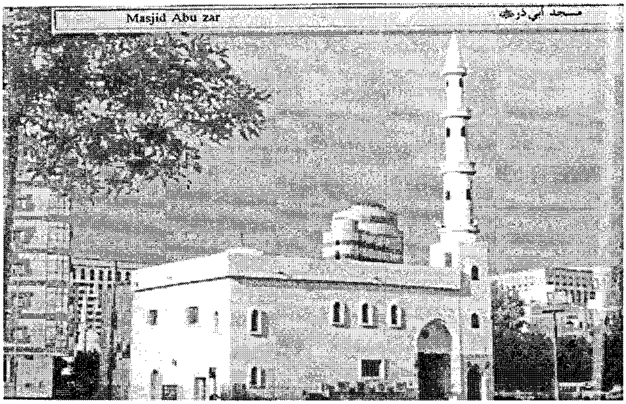
۲. وفاء الوفاء (۸۵۱/۲) و المساجد الأثریة، ص ۹۲ ـ ۹۳.

۳. وفاء الوفاء (۸۵۱/۲).

۴. بیهقی در شعب الایمان (۲۱۰/۲ شماره ۱۵۵۵) روایت کرده است.

۵. شعب الایمان (۱۵۵۶).

به قبله نمودند، و سجده‌ای بسیار طولانی نمود. عبدالرحمن می‌گوید: آن‌قدر سجده را طولانی کرد که من گمان کردم خداوند روح ایشان را قبض نموده است. آن‌گاه نزدیک ایشان رفتم و نشستم، سرش را بلند نمود، و فرمود: «کیست؟» عرض کردم: عبدالرحمن. فرمود: «چه کار داری؟» عرض کردم: ای رسول خدا، شما سجده‌ای بسیار طولانی کردید، من ترسیدم بر آن‌که مبادا خداوند روح شما را در آن سجده قبض نموده باشد، ایشان فرمودند: «جبریل علیه السلام نزد من آمد، مرا بشارت داد و فرمود: «خداوند می‌فرماید: کسی که بر تو درود بفرستد، بر او درود می‌فرستم، و کسی که بر تو سلام بفرستد، بر او سلام می‌فرستم. بنابراین من برای خدا سجده‌ی شکر نمودم.»[۱]



مسجد ابوذر غفاری

مسجد بنی‌قریظه

این مسجد در حرّه‌ی شرقی، در سمت شرق "مسجد فضیخ" بین مستشفی الزهراء (بیمارستان زهراء) و مستشفی وطنی (بیمارستان ملی) قرار دارد.[۲]

---

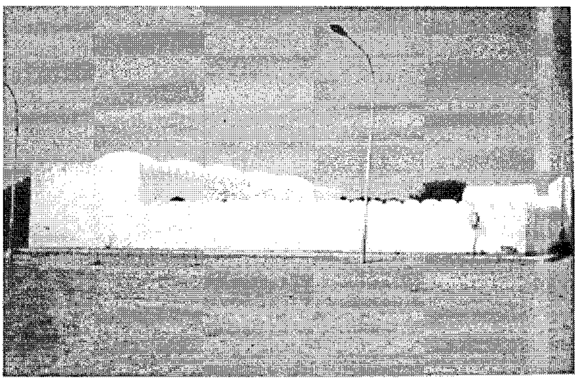
۱. مسند احمد (۱۹۱/۱) و احمد شاکر در شرح مسند (۱۶۶۴) اسنادش را صحیح دانسته است.

۲. المساجد الأثریة، ص ۱۷۳ ـ ۱۷۴.

"بنی‌قریظه" قبیله‌ای از یهود مدینه بود، که در این منطقه ساکن بودند. رسول خدا هنگام محاصره‌ی "بنی‌قریظه" در جایگاه این مسجد نماز می‌خواندند.[۱] این مسجد، همان مسجدی است که هنگام محاصره‌ی بنی‌قریظه و پذیرفتن حکم سعد بن معاذ، رسول خطاب به انصار فرمود: (قُومُوا إلَى سَيِّدِكُم): «به‌سوی مهترتان بلند شوید.» و بعد فرمود: «این‌ها داوری تو را پذیرفته‌اند.» آن‌گاه سعد بن معاذ درباره‌ی آنان چنین قضاوت کرد که: «جنگجویانشان کشته شوند، و زن و فرزندان‌شان اسیر گردند.» پیامبر فرمود: «طبق حکم خدا قضاوت نمودی.»[۲]

گفته شده است: رسول الله در خانه‌ی زنی در این مکان نماز خواندند، که بعدها در زمان عمر بن عبدالعزیز در آن‌جا مسجد ساخته شد.[۳]

این مسجد در زمان حکومت ملک فهد ترمیم و بازسازی شده بود و نمازهای پنج‌گانه در آن برپا می‌شد، اما متأسفانه در اواخر ربیع الثانی سال ۱۴۲۳ هـ. ق تخریب گردید.[۴]



مسجد بنی‌قریظه پس از بازسازی (۱۴۱۸ هـ. ق)

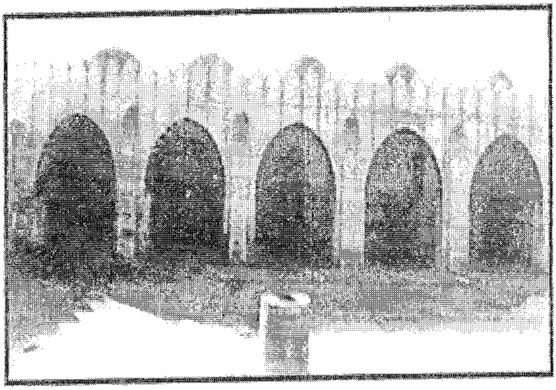
---

۱. فتح الباری (۴۱۲/۷) و تاریخ ابن شبة (۷۰/۱) و فضایل المدینة (۴۲/۳).

۲. صحیح بخاری (۴۱۲۱) و مسلم (۱۷۶۸).

۳. وفاء الوفاء (۸۲۳/۳ ـ ۸۲۴) و تاریخ معالم المدینة.

۴. تاریخ المدینة، محمد الیاس، ص ۱۰۴، و مساجد الفتح، ص ۴۵۱.



مسجد بنی‌قریظه، (جایگاه نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اثنای غزوه‌ی بنی‌قریظه) این مسجد در دوران حکومت عمر بن عبدالعزیز بنا شده بود که اخیراً (۱۴۲۳ هـ . ق) تخریب شده است.

مسجد فضیخ (یا مسجد بنی نضیر)

مسجد کوچکی است که در سمت شرق مسجد قبا واقع شده است، و تقریباً ۳/۵ کیلومتر تا مسجد النبی فاصله دارد،[۱] که در منطقه قبیله‌ی "بنی نضیر" واقع بود. پیامبر هنگامی که "بنی‌نضیر" را محاصره نمودند، در مدت شش شبانه‌روز در این مکان نماز می‌خواندند.[۲]

"فضیخ" به شرابی گویند که از عصاره‌ی غوره‌ی خرما می‌سازند. به دوشاب نیز گفته می‌شود.

گفته شده است آیه‌ی تحریم خمر در این‌جا نازل گردیده است.[۳] این مسجد در دوران عثمانی‌ها تعمیر و بازسازی شده است.

برخی از مورخین این مسجد را "مسجد شمس" نیز نامیده‌اند.[۴]

---

۱. وفاء الوفاء (۸۲۱/۳) و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۶۸ و تاریخ المدینة (۷۲).

۲. المساجد الأثریة، ص ۱۶۰.

۳. الدر الثمین، ص ۱۴۱، و وفاء الوفاء (۸۲۱/۳ ـ ۸۲۲) و آثار المدینه، ص ۱۳۷.

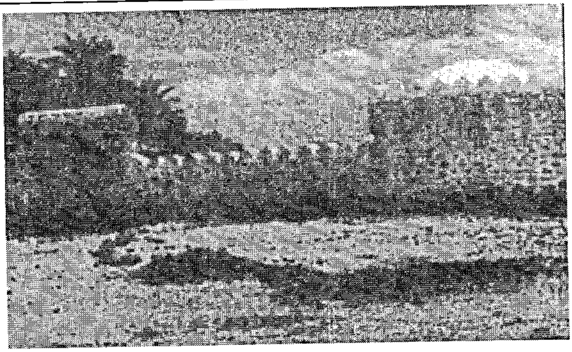
۴. وفاء الوفاء (۸۲۱/۳)، المساجد الأثریة، ص ۱۶۵، المدینه المنورة معالم و حضارة، ص ۴۱.

علامه خیاری می‌نویسد: «مسجد شمس، غیر از "مسجد فضیخ" می‌باشد. مسجد شمس در شرق مسجد قباء بر تپه‌ی بلندی بـر لبـه‌ی دره قـرار دارد. از آن‌جایی که نور آفتاب هنگام طلوع به آن مسـجد مـی‌تابیـده، آن را "مسـجد شمس" نامیده‌اند. مسجدی کوچک و مستطیل شکل است که امروزه جز یـک دیوار ویرانه‌ی یک متری چیزی از آن باقی نمانده است. برخی تـاریخ‌نویسـان نام مسجد فضیخ را بر آن نهاده‌اند، لیکن از جانـب سـاکنان آن منطقـه بـرایم ثابت گردیده که "مسجد شمس" غیر از "مسـجد فضـیخ" اسـت و از آن دور می‌باشد. زیرا مسجد شمس در منطقه‌ی قربان واقع است، اما مسجد فضیخ در حرّه‌ی شرقی در منطقه‌ی عوالی می‌باشد. متأسـفانه آثـار ایـن مسـجد اکنـون برداشته شده، و جایگاه آن با یک چهار دیواری محصور گردیده است.[۱]

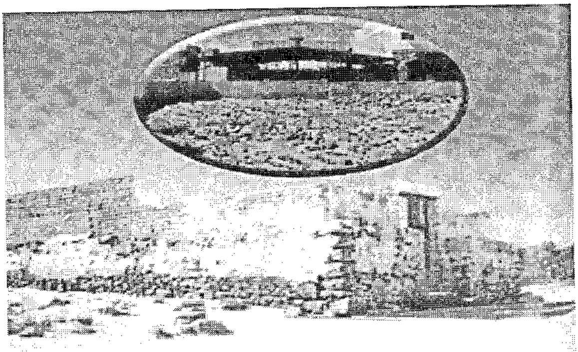


تصویر قدیمی از مسجد فضیخ

۱. تاریخ معالم المدینه، ص ۱۷۰ ـ ۱۷۱.



تصویر قدیمی از مسجد فضیخ



مسجد فضیخ، و در عکس جایگاه کنونی مسجد نیز دیده می‌شود.



جایگاه مسجد فضیخ در کنار رودخانه‌ی مذینب

مسجد سقیا

مسجد کوچکی است که در محوطه‌ی داخل "ایستگاه قطار" روبه‌روی "میدان عنبریه" در شمال مدینه واقع است، و در اصل آن‌جا باغ و چاهی به‌نام "سقیا" بود که به سعد بن ابی وقاص تعلق داشت. رسول خدا از آب آن چاه وضوء گرفتند و نماز خواندند و برای اهل مدینه دعا فرمودند.[۱]

علی بن ابی طالب روایت می‌کند که: ما همراه رسول خدا (برای غزوه‌ای) بیرون رفتیم، تا به "حرّه‌ی سقیا" که متعلق به سعد بن ابی وقاص بود، رسیدیم. رسول خدا فرمود: «آب وضو برایم بیاورید.» آن‌گاه وضو گرفتند و رو به قبله ایستادند، و فرمودند: (**اللَّهُمَّ إنَّ إبراهِيمَ كَانَ عَبدَكَ ورَسُولَكَ ودعا لِأهلِ مَكَّةَ بالبَرَكَةِ وَأنَا عَبدُكَ وَرَسُولُكَ أدعُوكَ لِأهلِ الْمَدِينَةِ أن تبَارِكَ لَهُمْ فِي مُدِّهِمْ وصَاعِهِمْ مِثلُ مَا بَارَكْتَ لِأهلِ مَكَّةَ مَع البَرَكَةِ بَرَكَتَينِ**): «پروردگارا! ابراهیم بنده و فرستاده‌ی تو بود، و برای اهل مکه طلب برکت نمود، و من بنده و فرستاده‌ی تو هستم، و برای اهل مدینه از تو درخواست می‌کنم که در وزن و کیل آن‌ها برکت دهی، همانند برکتی که به اهل مکه عطا فرمودی، همراه با هر برکتی دو برکت قرار بده.»[۲]

در روایت دیگر از ابوقتاده آمده است که: «رسول خدا وضو گرفتند، سپس در آن‌جا نماز گزاردند و آن‌گاه دعا فرمودند.... .»[۳]

همچنین رسول خدا هنگام رفتن برای جنگ بدر در این مکان از سپاهیان خود سان دیدند.[۴]

این مسجد در داخل ایستگاه قدیمی راه آهن دوران عثمانی قرار دارد.

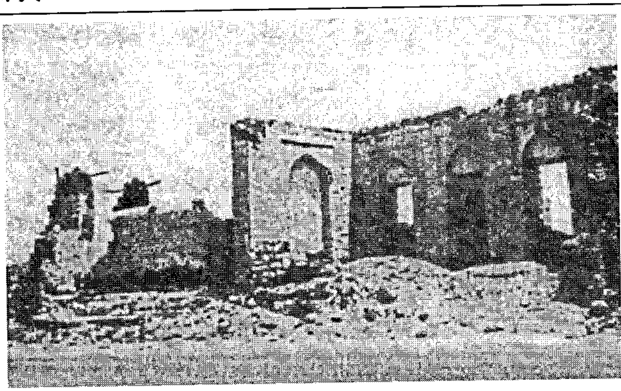
---

۱. وفاء الوفاء (۸۴۳/۳)، فضایل المدینة (۴۴/۳)، المساجد الأثریة، ص ۱۰۲، فصول من تاریخ المدینة، ص ۱۴۵، و الدر الثمین، ص ۲۳۷.

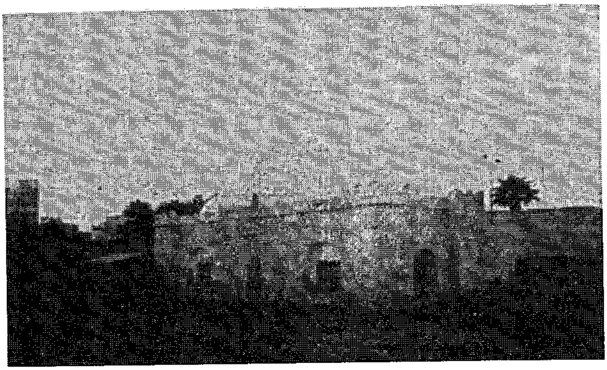
۲. سنن ترمذی (۳۹۱۴)، سنن کبری نسائی (۴۲۷۰)، صحیح ابن خزیمه (۲۰۹) و ابن حبان (۳۷۴۶).

۳. مسند احمد (۳۰۹/۵).

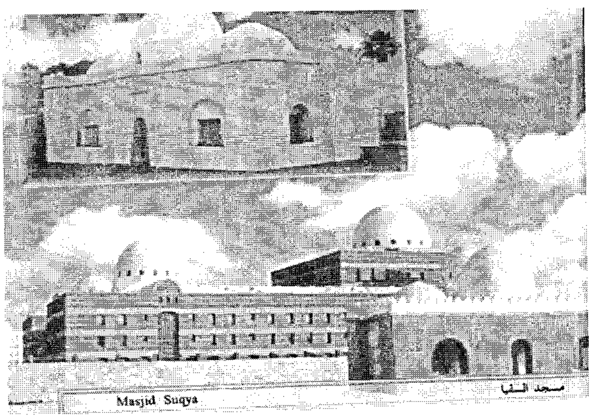
۴. وفاء الوفاء (۸۴۳/۳)، فضایل المدینه (۴۴/۳) و المدینه المنوره معالم و حضاره، ص ۵۲.



تصویر قدیمی از مسجد سقیا پیش از بازسازی



مسجد سقیا



نماهایی از مسجد سقیا

مسجد منارتین

از آن‌جایی که این مسجد نزدیک دو کوه معروف به "منارتین" واقع گردیده، به‌نام "مسجد منارتین" نامیده شده است.

سمهودی از ابن زبالهٔ نقل کرده است که پیامبر خدا در این مسجد نماز خوانده‌اند.[۱] و می‌گوید: در سمت راست کسی است که از جهت عقیق می‌آید، و خودم اساس و بنیان آن را مشاهده کرده‌ام.[۲]

علامه خیاری می‌گوید: این مسجد معروف و برای همگان آشکار است، و در سمت راست جاده‌ای که به‌طرف جده می‌رود، حدوداً ده متر قبل از ایستگاه پمپ بنزین واقع است. شامل سنگ‌های بزرگی است که روی هم چیده شده‌اند، ولی آثار ساختمان (و مسجد) بر آن آشکار است.[۳]

علامه غالی شنقیطی نوشته است: «این مسجد اکنون آباد، زیبا و بزرگ است، که تجدید بنا شده و نمازهای پنج‌گانه در آن بر پا می‌شود.»[۴]

همچنین دکتر محمد الیاس عبدالغنی در کتاب "تاریخ مدینه" نوشته است: «...مسجد سمت راست جاده‌ی قدیم مکه، بین مسجد عنبریه و جاده‌ی کمربندی دوم، بعد از پمپ بنزین واقع است. متشکل از سنگ‌های بزرگی است که روی هم ریخته شده است، و به‌خاطر اهمیت تاریخی آن در زمان خادم الحرمین "ملک فهد" در سال ۱۴۲۴ هـ . ق (۲۰۰۳م) تجدید بنا شده، و به آن افزوده گردید و دو مناره‌ی زیبا نیز برایش ساخته شده است.»[۵]

---

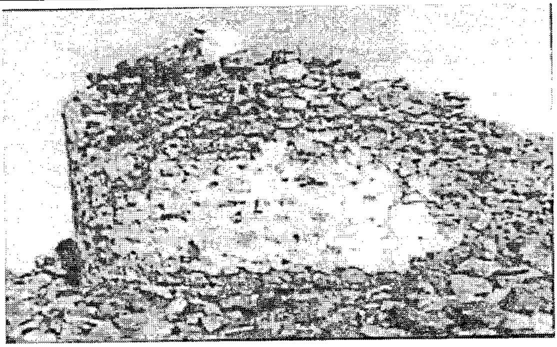
۱. وفاء الوفاء (۸۷۸/۳).

۲. مصدر سابق (۸۷۹/۳) و تاریخ معالم المدینه، ص ۱۵۰.

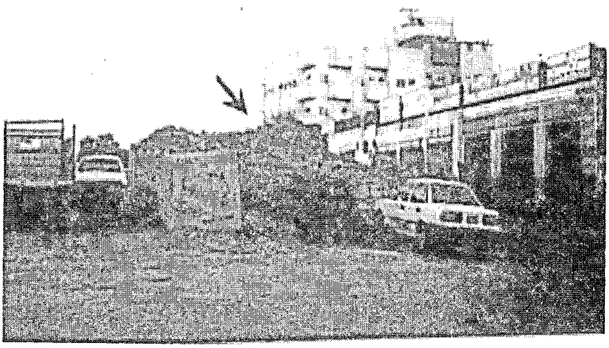
۳. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۵۰ ـ ۱۵۱ . قابل یاد آوری است که برخی در تعیین این مسجد دچار اشتباه شده‌اند. ن.ک: کتاب المساجد الأثریة، ص ۲۵۱ ـ ۲۵۴.

۴. الدر الثمین، ص ۲۳۸.

۵. تاریخ المدینة، ص ۱۰۶.



آثار مسجد منارتین



تصویر قدیمی از مسجد منارتین



مسجد منارتین، اخیراً این مسجد بازسازی و تعمیر شده است.

مسجد بنی‌زریق (مسجد السبق)

بنی زریق قبیله‌ای از انصار مدینه بودند، که در سمت قبله‌ی مسجد غمامه سکونت داشتند. این مسجد اولین مسجد در مدینه است که در آن قرآن خوانده شده است، زیرا هنگامی که رافع بن مالک زرقی در نزد عقبه با رسول خدا دیدار کرد، رسول خدا آن بخش از قرآن را که در مکه نازل شده بود به وی داد، و ایشان در آن مسجد خواندند.[۱]

به این مسجد، "مسجد السبق" نیز گویند، زیرا از ثنیة‌الوداع تا مسجد بنی‌زریق، حد فاصل مسابقه‌ی اسب‌دوانی به‌خاطر آمادگی برای جهاد در راه خدا بود.[۲]

عبدالله بن عمر گفته است: «رسول خدا میان اسب‌های مضمر (لاغرشده و چابک)، مسابقه گذاشت؛ از ثنیة الوداع تا حفیاء[۳]، و برای اسب‌های غیرمضمر (لاغرنشده و غیرآماده) از ثنیة الوداع تا مسجد بنی زریق قرار داد. در ضمن عبدالله بن عمر از کسانی بود که در این مسابقه شرکت داشت.[۴]

امروزه مسجدی به‌نام "مسجد السبق" در فاصله‌ی ۵۲۰ متری، در سمت شمال غربی مسجد النبی و غرب تونل مناخه واقع است، که تا ثنیة‌الوداع تقریباً (۳۰۰) متر فاصله دارد.[۵]

---

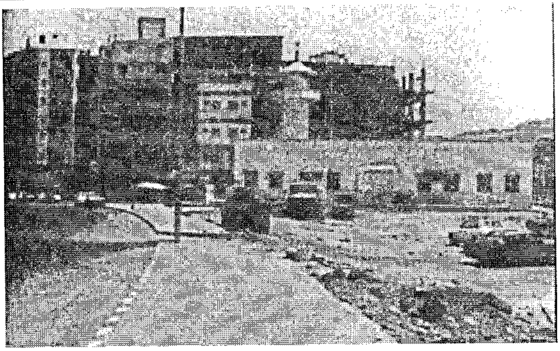
۱. وفاء الوفاء (۸۵۷/۳) و تاریخ المدینة، ص ۷۸ و فضایل المدینة (۴۸/۳ ـ ۴۹).

۲. وفاء الوفاء (۸۵۸/۳) و المساجد الأثریة، ص ۸۹ و فضایل المدینة (۴۸/۳).

۳. حفیاء، نام جایی است بیرون از مدینه، غرب کوه احد، که از آن‌جا تا مسجد النبی ۱۰ کیلومتر و تا ثنیة الوداع تقریباً ۱۳ کیلومتر است، برخی ۹ کیلومتر گفته‌اند. المغانم الطابة، ص ۱۱۷، و فصول من تاریخ المدینة، ص ۲۹۲ و تاریخ المدینة، ص ۷۸.

۴. صحیح بخاری (۴۲۰) و صحیح مسلم (۱۸۷۰).

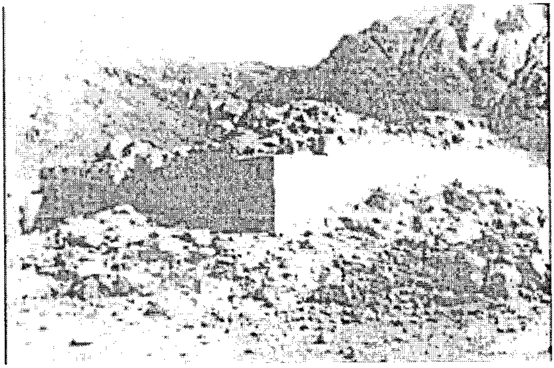
۵. فضایل المدینة (۴۹/۳). علامه غالی شنقیطی می‌گوید: این مسجد از مساجد تاریخی نیست، بلکه یکی از قضات مدینه (در قرن نهم هجری) برای اهل محله بنا کرده است، و از آن‌جایی که در میدان سباق خیل قرار دارد، به‌نام مسجد السبق شهرت یافته است. الدر الثمین، ص ۲۳۲. ن.ک: به کتاب المساجد الأثریة، ص ۹۱.



مسجد بنی‌زریق (مسجد السبق)

مسجد ثنایا (یا قبه‌ی ثنایا)

مسجد کوچکی است نزدیک کوه احد. در روز جنگ احد دندان مبارک رسول خدا شهید شد، و چهره انور ایشان زخمی گردید، و در گودال افتادند، پس در آن مکان این مسجد بنا شده است.[1] قابل ذکر است که مسجد دارای گنبدی بوده است. علامه خیاری می‌گوید: (قبه) گنبد آن منهدم شده ولی آثار مسجد تا کنون باقی است.[2] امروزه دیواره‌های مخروبه‌ی آن همانند تپه‌ای از سنگ و گل در دامنه‌ی کوه احد باقی مانده است.



تصویر قدیمی از مسجد ثنایا

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۸۷، و المدینة بین الماضی و الحاضر، ص ۴۸۶.

۲. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۸۷.

مسجد مشربه أُم إبراهیم

مشربه، جایگاه مرتفعی بود در منطقه‌ی مرتفع مدینه، که "ماریه قبطیه" مادر ابراهیم، فرزند رسول خدا، در آن‌جا سکونت داشت، و ابراهیم فرزند رسول خدا نیز در آن مکان متولد شده است.[۱]

ابن شبه روایت کرده که رسول خدا در "مشربه ام ابراهیم" نماز گزاردند.[۲]

در جایگاه "منزل ماریه" این مسجد ساخته شد، و به‌نام مسجد مشربه امابراهیم شهرت یافت.[۳]

این "مسجد" تا اواخر دوران عثمانی‌ها مورد عنایت و توجه بوده، اما بعدها به علت بی‌توجهی به مرور زمان به‌صورت مخروبه‌ای در آمده است.[۴] اکنون چهار طرف آن با یک دیوار بلند سیمانی احاطه شده و یک درب قفل شده دارد، که در خیابان "العوالی" سمت راست کسی که از مستشفی الزهراء (بیمارستان زهراء) به سوی مستشفی الوطنی (بیمارستان ملی) می‌رود، قرار دارد.[۵]

---

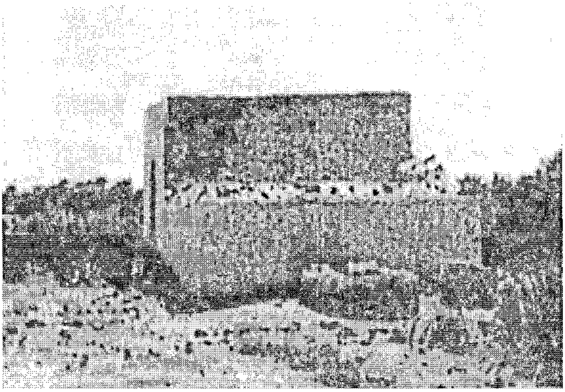
۱. وفاء الوفاء (۸۲۵/۳ ـ ۸۲۶) و المساجد الأثریة، ص ۲۰۹، ۲۱۷، و فضایل المدینة (۴۵/۳ ـ ۴۶) و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۶۵.

۲. تاریخ المدینة، ابن شبه (۶۹/۱) و مختصر فضایل المدینة، ص ۳۵۶.

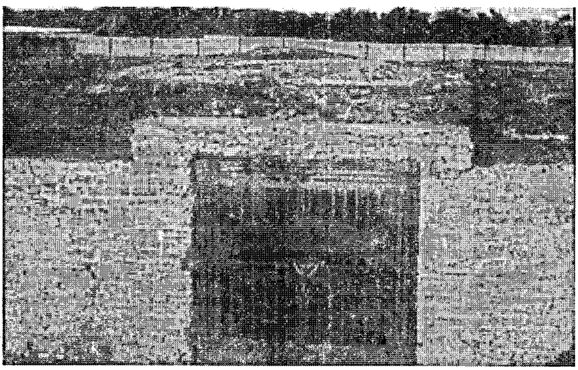
۳. المساجد الأثریة، ص ۲۱۹ ـ ۲۲۰.

۴. علامه خیاری می‌گوید، "این مشربه و مسجد با یک چهار دیواری احاطه شده، و اطراف آن مقبره محله (العوالی) قرار دارد، و اکنون آثار آن برداشته شده است. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۶۶.

۵. الدر الثمین، ص ۱۵۰ ـ ۱۵۱، و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۶۶.



تصویر قدیمی از مسجد مشربه أُم إبراهیم

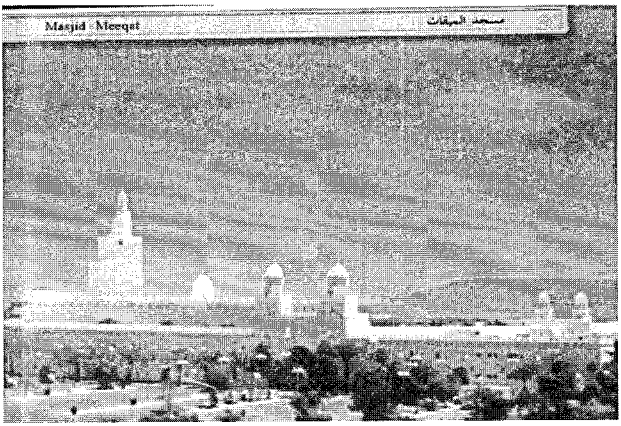


تصویر قدیمی از مسجد مشربه أُم إبراهیم

مسجد شجره (مسجد ذوالحلیفه یا مسجد میقات)

این مسجد که به‌نام‌های مختلفی مشهور است، در ۱۲ کیلـومتری مسـجد نبوی، در ذوالحلیفه واقع است، و امروزه به‌نام "آبیـار علـی" بـیش‌تـر شـهرت دارد،[۱] و میقات‌گاه اهل مدینه می‌باشد. وجه تسـمیه‌ی آن بـه مسـجد شـجره، بدین سبب است که رسول خدا در آن‌جا زیر درختی به نام "سمره" فرود آمد و استراحت نمود، و این مسجد در جایگاه آن بنا شده است.[۲] چنان‌که در روایـات آمده است رسول خدا هنگام رفتن و بازگشت از مکه در آن‌جا نماز می‌خواندند.[۳]

این مسجد به‌خاطر اهمیت و مکانت تاریخی‌اش در زمان "ملک فهد" بـه طرز زیبایی بازسازی شده، و به مساحت آن افزوده شده است.[۴]



مسجد میقات

۱. وفاء الوفاء (۱۰۰۲/۳) و المساجد الأثرية، ص ۲۵۵.

۲. صحیح بخاری (۱۵۳۳) و صحیح مسلم (۱۲۵۷).

۳. وفاء الوفاء (۱۰۰۲/۳).

۴. تاریخ المدینة، ص ۱۰۶.

مسجد شیخین (یا مسجد البدائع یا مسجد الدرع)

"شیخین" نام جایی میان مدینه و کوه احد[۱] است. رسول خدا هنگام عزیمت به سوی احد، شب را در آن مکان خوابیدند، و بعد از اقامه‌ی نماز صبح، از آن‌جا حرکت کردند.[۲]

در روایت دیگر آمده است: «رسول خدا نماز عصر، (مغرب)، عشاء و صبح را در آن‌جا خواندند، سپس روز شنبه به‌طرف احد حرکت نمودند.»[۳]

همچنین رسول خدا از سپاهیان سان دیدند، و به تعدادی از اصحاب که هنوز خردسال بودند، دستور داد که به مدینه برگردند.[۴]

این مسجد چون در محله‌ی "البدائع" واقع است، به‌نام "مسجد البدائع" نیز ذکر می‌شود.[۵] همچنین به نام "مسجد الدرع" نیز نامیده می‌شود، چون‌که رسول خدا زره‌ی خود را از تن در آورده، و در آن‌جا نهاد، سپس دوباره پوشیدند.[۶]

دکتر محمد الیاس عبدالغنی می‌گوید: در سال ۱۴۱۸ هـ . ق تابلویی بر درب مسجد مشاهده کردم که بر آن نوشته شده بود "مسجد الخیر"، من برای این نام هیچ‌گونه اساسی در کتاب‌های تاریخ که درباره‌ی این مسجد سخن گفته باشد نیافتم، بنابراین نام جدیدی است.[۷]

این مسجد در سمت راست خیابان سید الشهداء و در فاصله‌ی ۳۰۰ متری جنوب "مسجد المستراح" واقع است. بنای کنونی آن قدیمی است و مربوط به

---

۱. وفاء الوفاء (۱۲۴۹/۴) و المساجد الأثرية، ص ۱۱۱.

۲. وفاء الوفاء (۸۶۵/۳) و تاریخ المدینه ابن شبة (۷۲/۱) و طبقات ابن سعد (۹۱/۳).

۳. وفاء الوفاء (۸۶۵/۳ ـ ۸۶۶) .

۴. وفاء الوفاء (۱۲۴۹/۴) و تاریخ المدينة – المصوّر –، ص ۸۲.

۵. تاریخ المدینه، ابن شبه (۷۲/۱) و المساجد الأثرية، ص ۱۱۱.

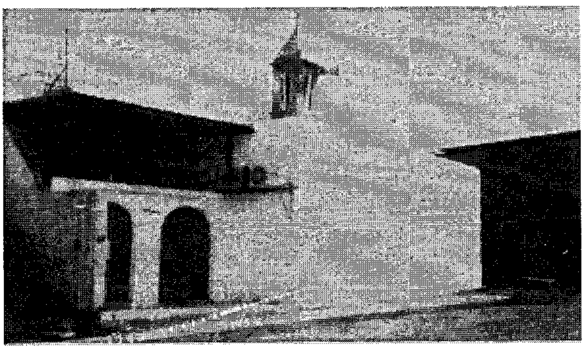
۶. المساجد الأثرية، ص ۱۱۲ و تاریخ معالم المدینه، ص ۱۸۲.

۷. المساجد الأثرية، ص ۱۱۲.

دوران عثمانی‌ها می‌باشد، در سال ۱۴۱۸ هـ. ق ۱۹۹۷ میلادی آقای علی بـابطین مسجد را ترمیم نمود، و همچنین آن را به سیستم خنک کننده مجهز کرد.[۱]



تصویر قدیمی از مسجد شیخین



مسجد شیخین

۱. تاریخ معالم المدینه، ص ۱۸۲، و تاریخ المدینه المنورة - المصوّر -، ص ۸۲.

مسجد المستراح (استراحت‌گاه) یا مسجد بنی‌حارثه

رسول خدا هنگام بازگشت از غزوه‌ی احد در بین راه به علت رنج و خستگی در آن‌جا استراحت فرمودند،[۱] و از آن‌جایی که این مسجد در محله‌ی "بنی‌حارثه" واقع است به‌نام "مسجد بنی‌حارثه" نیز شهرت دارد.[۲]

ابن شبه روایت کرده است: «رسول خدا در مسجد بنی‌حارثه نماز خواندند.»[۳]

اما علامه خیاری می‌نویسد: این مسجد، توسط هیأت آثار (میراث فرهنگی) در زمان عثمانی‌ها در جایگاه استراحت پیامبر بنا شده است.[۴]

قابل یادآوری است همچنان‌که ذکر شد این مسجد در زمان رسول خدا وجود داشته است، به‌طوری که بنی‌حارثه در آن نماز می‌خواندند. ذکر آن در احادیث تغییر جهت قبله آمده است، که بنی حارثه در حال نماز عصر بودند که خبر تغییر قبله به آنان رسید.[۵]

مسجد کنونی به‌نام "مسجد المستراح" شهرت دارد، و در سمت راست کسی است که به سوی مقبره‌ی شهدای احد می‌رود. به‌خاطر اهمیت تاریخی آن در زمان ملک فهد به‌طور زیبایی بازسازی شده است و به مساحت آن افزوده گردیده است.[۶]

---

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۷۹، و المساجد الأثریة، ص ۱۹۸.

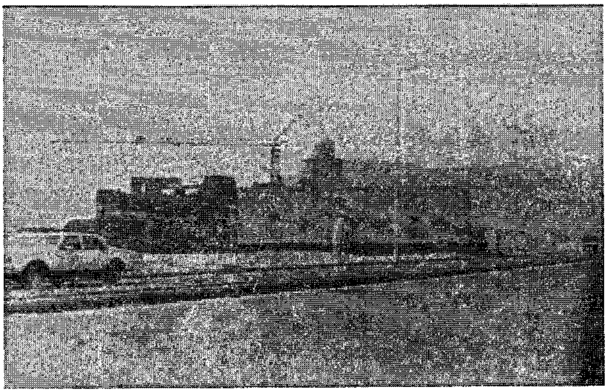
۲. المدینة بین الماضی و الحاضر، ص ۳۴۵، والمساجد الأثریة، ص ۱۹۸.

۳. تاریخ المدینة (۶۶/۱) و وفاء الوفاء (۸۶۵/۳) .

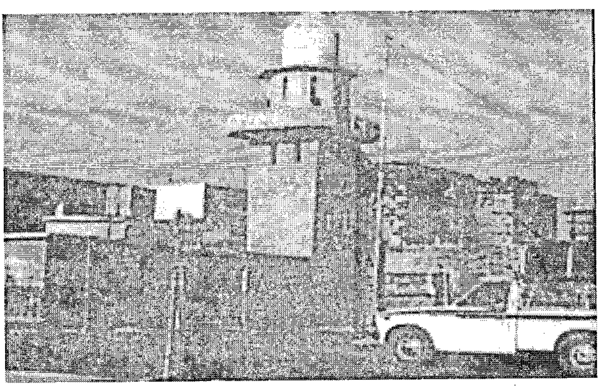
۴. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۷۹.

۵. به فتح الباری (۶۰۳/۱) رجوع کنید.

۶. تاریخ المدینه – المصوّر – (ص ۸۲) و المساجد الأثریة (ص ۱۹۹).



مسجد المستراح قدیم



مسجد المستراح (استراحت‌گاه) یا مسجد بنی‌حارثه

مسجد توبه (یا مسجد نور، یا مسجد العصبه)

این مسجد در منطقه‌ی "عصبه"[1] واقع است، و به این خاطر آن را "مسجد العصبه" می‌گویند.

سمهودی می‌گوید: «سبب تسمیه‌ی آن به "مسجد توبه" را نمی‌دانم.»[2]

سبب تسمیه‌ی آن به مسجد نور شاید آن داستانی باشد که برای اسید بن حضیر و عباد بن بشر از یاران پیامبر اتفاق افتاد، که آنان در شب تاریکی نزد رسول خدا آمدند. هنگام بازگشت، رسول خدا به هر کدام چوبی از درخت خرما داد که در مسیر راه برایشان روشن گردید، و در روشنایی آن حرکت کردند. هنگامی که از یکدیگر جدا شدند، چوب هریک روشن شد ... .»[3] این مسجد در جایگاهی که چوب‌دستی آنان روشن گردید بنا شده است.[4]

عبدالله بن عمر می‌گوید: هنگامی که مهاجران اول، قبل از تشریف‌فرمایی رسول خدا در منطقه‌ی عصبه ـ جایی در قبا ـ منزل گرفتند، سالم، مولی ابوحذیفه، که بیش‌تر از همه قرآن را حفظ داشت برایشان امامت می‌کرد.[5]

ابن زباله از افلح بن سعید روایت کرده است که رسول خدا در مسجد توبه در عصبه، کنار چاه هجیم نماز خواندند.[6]

سمهودی ذکر می‌کند که: «پیامبر در جای مسجد نور، نماز خواندند.»[7]

---

۱. "العصبة" قریه‌ای بوده است در سمت غربی مسجد قبا که دارای مزارع و چاه‌های کشاورزی بسیاری بوده است، وفاء الوفاء (۸۷۶/۳) و المغانم المطابة، ص ۲۶۵.

۲. وفاء الوفاء (۸۷۷/۳).

۳. صحیح بخاری (۴۶۵ و ۳۶۳۹ و ۳۸۰۵).

۴. وفاء الوفاء (۸۷۷/۳) و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۰۵.

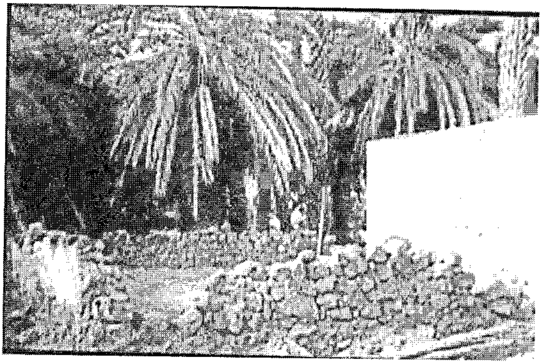
۵. صحیح بخاری (۶۹۲).

۶. وفاء الوفاء (۸۷۶/۳) تاریخ معالم المدینه، ص ۲۰۴، والمساجد الأثریة، ص ۱۲۴.

۷. وفاء الوفاء (۸۷۷/۳).

احتمال دارد مسجد نور غیر از مسجد توبه باشد، زیرا که "مطری" و "سمهودی" هر کدام "مسجد نور" و "مسجد توبه" را جدا ذکر کرده‌اند.[۱]

مسجد عصبه اکنون در غرب مسجد قبا، سمت راست کسی که از بزرگ‌راه هجرت از مکه می‌آید، در داخل مزرعه‌ای واقع است.[۲]



تصویر قدیمی از مسجد العصبة (النور – التوبة)

مسجد فسح (یا مسجد احد)

مسجد کوچکی چسپیده به کوه بوده است. برخی گویند: این آیه‌ی در این‌جا نازل شده است: يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَكُمۡ تَفَسَّحُواْ فِي ٱلۡمَجَٰلِسِ فَٱفۡسَحُواْ يَفۡسَحِ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَإِذَا قِيلَ ٱنشُزُواْ فَٱنشُزُواْ يَرۡفَعِ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمۡ وَٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ دَرَجَٰتٖۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ﴿١١﴾[۳]

---

۱. التعریف بما آنست الهجرة، ص ۷۶ ـ ۷۷، و المساجد الأثرية، ص ۱۲۳.

۲. المساجد الأثرية، ص ۱۲۳، تاریخ معالم المدینه، ص ۲۰۴، والمدينة بين الماضي والحاضر، ص ۲۷۵.

۳. وفاء الوفاء (۸۴۸/۳) عمدة الأخبار، ص ۱۸۵. ملاحظه: در کتاب وفاء الوفاء، به نام "مسجد قبیح" آمده است. این اسم برای مسجد شایسته نیست، شاید اشتباه چاپی باشد، چنان‌که دکتر محمد الیاس تحقیق نموده است. علامه عیاشی می‌گوید: پناه می‌بریم به خداوند از این‌که نام قبیح بر خانه‌ای از خانه‌های خداوند، اطلاق شود. ن.ک: کتاب المدينة بين الماضي والحاضر، ص ۴۸۵، و المساجد الأثرية، ص ۱۵۳.

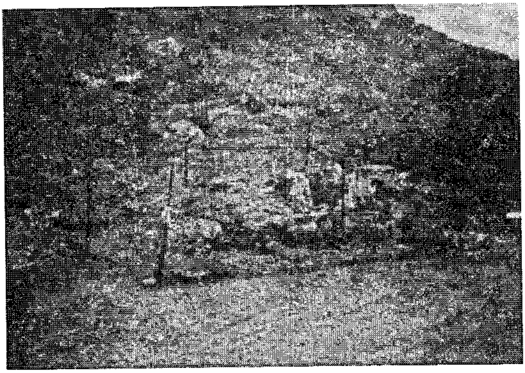
چون در دامنه‌ی کوه احد قرار دارد به آن "مسجد احد" نیز می‌گویند.[۱]

مطری، سمهودی، عباسی و ... نقل کرده‌اند که رسول خدا نماز ظهر و عصر را بعد از پایان جنگ احد در آن مکان خواندند.[۲]

ابن شبه از رافع بن خدیج روایت کرده است که رسول خدا در مسجد کوچکی در "شعب جرار" در احد، سمت راست، چسپیده به کوه، نماز خواندند.[۳]

علامه خیاری می‌گوید: این مسجد ذکر شده معروف است، و بنای کنونی آن به دوران عثمانی‌ها برمی‌گردد، و در دامنه‌ی کوه قرار دارد، به‌صورت مربع و بدون سقف می‌باشد.[۴]

قابل ذکر است که امروزه این مسجد به‌صورت مخروبه‌ای در آمده که جز محراب و قسمتی از دیوارهای آن، چیزی از آن باقی نمانده است، که اطراف آن با نرده‌های آهنی محصور نموده‌اند.[۵]



تصویر قدیمی از مسجد فسح (یا مسجد احد)

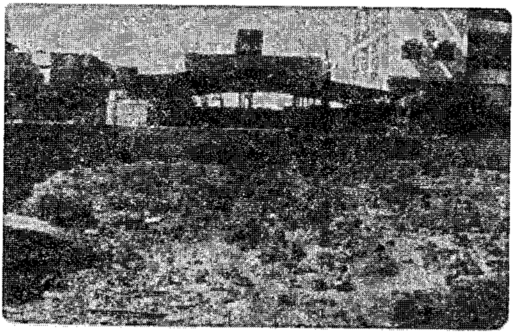
۱. عمدة الأخبار، ص ۱۸۵، و المساجد الأثرية، ص ۱۵۱.

۲. التعريف بما آنست الهجرة، ص ۴۱، وفاء الوفاء (۸۴۸/۳) و عمدة الأخبار، ص ۱۸۴.

۳. تاريخ المدينة (۵۷/۱).

۴. تاريخ معالم المدينة، ص ۱۸۸.

۵. ن.ک: به تاريخ المدينة – المصوّر –، ص ۹۰، والمساجد الأثرية، ص ۱۵۸.



مسجد فسح (یا مسجد احد)

مسجد رأیه (یا مسجد ذباب)

این مسجد بر بالای کوه "ذباب" در شرق کـوه "سـلع" قـرار دارد، بـدین سبب آن را مسجد ذباب نیز می‌گویند.[۱]

سبب تسمیه‌ی آن به "مسجد رأیه" این است که یزید بن هرمز در اثنـای واقعه‌ی جنگ حرّه که پرچم‌دار موالی بود، پرچم را در آن‌جا برافراشت.[۲]

هنگام غزوه‌ی خندق بر فراز همین کوه "ذباب"، برای رسول خدا خیمه‌ای زده بودند، تا این‌که کار حفر خندق را از نزدیک پیگیری نمایند. رسول خـدا در آن ایام در آن‌جا نماز می‌گزاردند.[۳]

ابن شبه از عبدالرحمن بن أعرج روایت کرده است که پیامبر بر (کوه) ذباب نماز خواندند.[۴]

این مسجد از جمله مساجدی است که عمر بن عبـدالعزیز در جاهـایی کـه پیامبر نماز خوانده، بنا نموده است.[۵]

---

۱. وفاء الوفاء (۱۲۱۴/۴) و آثار المدینة، ص ۱۲۴، المدینة بین الماضی والحاضر، ص۷۶.

۲. وفاء الوفاء (۸۴۷/۳)، المساجد الأثریة، ص ۷۹، و المدینة معالم وحضارة، ص ۵۰ -۵۱.

۳. وفاء الوفاء (۸۴۵/۳ ـ ۸۴۶)، بدایة النهایة (۱۲۱/۴) والمساجد الأثریة، ص ۸۱.

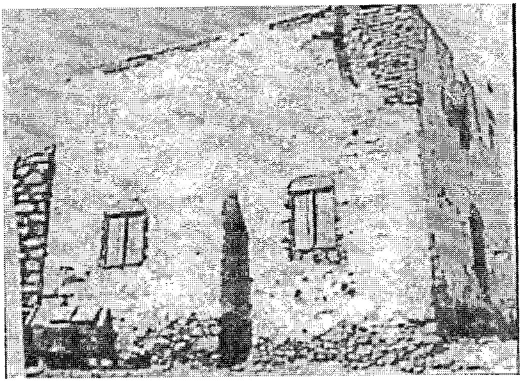
۴. تاریخ المدینة (۶۱/۱).

۵. وفاء الوفاء (۸۴۵/۳) و المدینة معالم و حضارة، ص ۵۱.

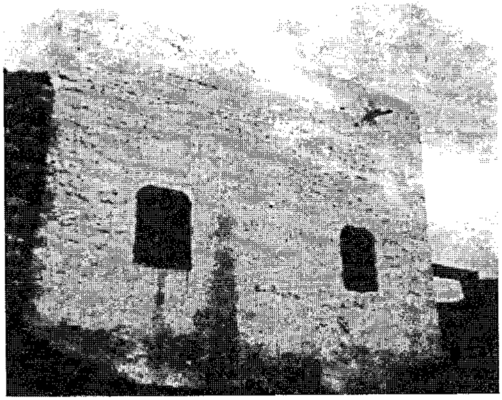
مسجد به همان صورت باقی بود تا این‌که خراب شد، آن‌گاه امیر جانبک النیروزی در سال ۸۴۵ ـ ۸۴۶ هـ . ق آن را تجدید بنا نمود.[۱]

در زمان ملک فهد ترمیم شده و نمازهای پنج‌گانه در آن اقامه می‌گردد.[۲]

اکنون در شمال "ثنية الوداع" شمال معهد المعلمات کنونی، شرق پمپ بنزین "زغیبی" در خیابان سلطانه واقع است.[۳]



تصویر قدیمی از مسجد رأیه (یا مسجد ذباب)



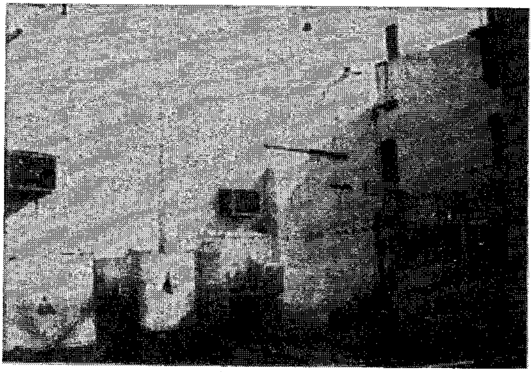
تصویر قدیمی از مسجد رأیه (یا مسجد ذباب)

---

۱. آثار المدينة، ص ۱۲۵، و المدينه المنورة معالم و حضارة، ص ۵۱.

۲. تاريخ المدينة – المصوّر –، ص ۹۴، و المساجد الأثرية، ص ۸۰.

۳. المدينة المنورة معالم و حضارة، ص ۵۰، و تاريخ معالم المدينة، ص ۱۷۹.



مسجد رأیه (یا مسجد ذباب)

مسجد بنی أنیف

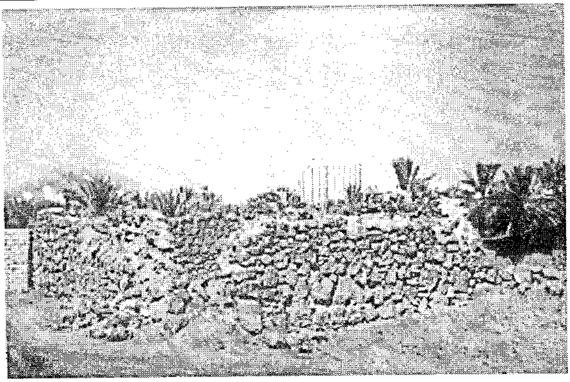
این مسجد در جنوب غربی مسجد قبا در منطقه‌ی قبیله‌ی بنی‌انیف واقع است. هنگامی که طلحه بن براء انصاری بیمار بود رسول خدا برای عیادتش به آن‌جا تشریف بردند، و در آن‌جا نماز خواندند. آن‌گاه قبیله‌ی بنو انیف در جایگاه نماز رسول خدا این مسجد را بنا کردند.[1]

ابو داوود از حصین روایت کرده است که طلحه بن براء بیمار شد، آن‌گاه رسول خدا برای عیادتش تشریف آوردند، سپس فرمودند: «به نظرم مرگ طلحه فرا رسیده است، پس مرا خبر کنید، و (در کفن و دفنش) عجله نمایید. زیرا که شایسته نیست، جسد مرده‌ی مسلمان در میان خانواده‌اش محبوس بماند.»[2]

---

۱. وفاء الوفاء (۸۷۵/۳) و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۱۲. ملاحظه: برخی نام "مسجد مصبح" را بر آن نهاده‌اند. المساجد الأثریة، ص ۴۳.

۲. سنن ابو داود (۳۱۵۹).

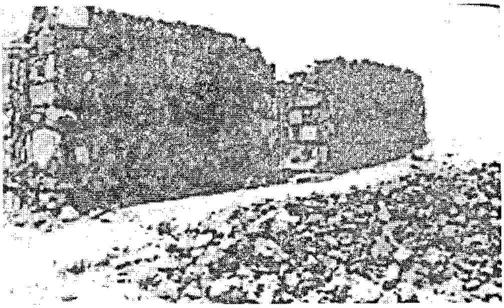


تصویر قدیمی از مسجد بنی أنیف

مسجد مصبح

این مسجد بر بالای تپه‌ی مرتفعی در جنوب غربی مسجد قبا، در پشت مخازن آب "عین زرقاء" واقع است. سبب نام‌گذاری آن به زمان هجرت پیامبر بر می‌گردد که رسول خدا هنگام صبح به این مکان رسیدند. در سمت غربی آن "أطم (قلعه) مصبح" و "ثنية الوداع" قرار دارد، که رسول خدا هنگام ورود به قبا در آن‌جا مورد استقبال قرار گرفتند.

تاکنون دیوارهای مخروبه‌ی آن باقی مانده و بدون سقف است.[1]



مسجد مصبح

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۷۰.

ملاحظه: چنانکه ذکر نمودیم این توصیف بر همان مسجد بنی انیف منطبق می‌باشد، ولی علامه خیاری آن را به نام "مسجد مصبح" ذکر کرده است.

مسجد بنی‌دینار (یا مسجد مغسله)

این مسجد در منطقه قبیله‌ی "بنی دینار بن نجار" از خزرج واقع بود،[۱] و در زمان صحابه بنا شده است.[۲] ابن شبه از یحیی بن نضر انصاری روایت کرده است که رسول خدا در مسجد بنی‌دینار نماز گزاردند.[۳]

همچنین از عبدالله بن عقبه بن عبدالملک روایت کرده است که بسیاری اوقات پیامبر در مسجد بنی‌دینار که نزد "غسالین" است، نماز می‌گزاردند.[۴] از آن‌جایی که این مسجد در منطقه "مغسله" واقع است، به‌نام "مسجد مغسله" نیز شناخته می‌شود.[۵] بعضی آن را "مسجد غسالین" نیز می‌نامند.[۶]

فیروزآبادی می‌گوید: «"مغسلة" جایگاه شست‌وشو و غسل در اطراف مدینه بود. امروزه باغی است که دارای درختان خرمای بسیار است، و از نزدیک‌ترین باغ‌ها به مدینه به شمار می‌آید.»[۷]

سمهودی می‌گوید: کتیبه‌ای به خط کوفی در آن‌جا دیده‌ام که بر آن نوشته شده بود: (**هذا مسجد رسول الله** صلی الله علیه و آله و سلم)[۸]

این مسجد اکنون تجدید بنا شده و پا برجاست، و برجای مرتفع، پشت مدرسه‌ی نظامی (در پشت ساختمان استانداری در عنبریه کنونی) قرار دارد و نمازهای پنج وقت در آن اقامه می‌شود. در وسط منطقه‌ای است که نام "المالحه" بر آن غالب شده، و چهار اطراف آن ساختمان‌های بلند قرار دارد.[۹]

---

۱. وفاء الوفاء (۸۶۶/۳).

۲. تاریخ المدینة - المصوّر - ، ص ۶۶.

۳. تاریخ المدینة (۶۴/۱) و وفاء الوفاء (۸۶۶/۳).

۴. همان.

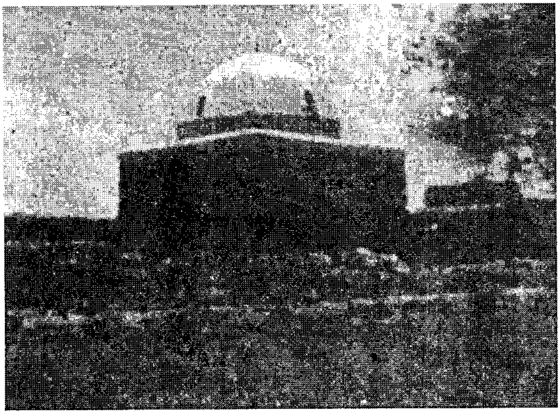
۵. وفاء الوفاء (۸۶۶/۳) و المساجد الأثریة، ص ۵۲، و تاریخ معالم المدینه، ص ۱۵۷.

۶. وفاء الوفاء (۸۶۶/۳)، المساجد الأثریة، ص ۵۲، عمدة الأخبار، ص ۱۶۸، و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۵۷.

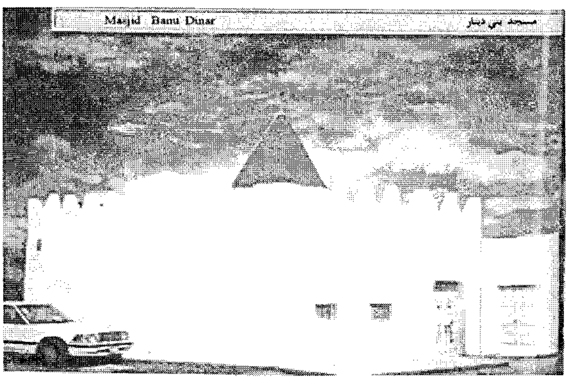
۷. المغانم المطابة، ص ۳۸۷.

۸. وفاء الوفاء (۸۶۷/۳) و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۵۷.

۹. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۵۷، تاریخ المدینة - المصوّر -، ص ۶۶، و المساجد الأثریة، ص ۵۲.



تصویر قدیمی از مسجد بنی دینار



مسجد بنی دینار

مسجد بنی‌ظفر (یا مسجد البغله)

این مسجد در منطقه‌ی قبیله‌ی بنی‌ظفر در حرّه‌ی شرقی، شرق بقیع واقع بود، و از این سبب آن را مسجد بنی‌ظفر گفته‌اند. همچنین برخی به آن مسجد البغلة (قاطر) گفته‌اند.[۱] وجه تسمیه‌ی آن به "البغلة" از آن روست که گویند جای پای قاطر رسول خدا بر آن سنگ به جای مانده است.[۲]

استاد دکتر محمد الیاس می‌گوید: این با اسناد صحیح ثابت نشده است، اگر چنین بود اصحاب ذکر می‌کردند.[۳]

این مسجد در زمان پیامبر ساخته شده بود، و وی در آن نماز گزارده‌اند.

ابن شبه از حارث بن سعید حارثی روایت کرده است که: رسول خدا در مسجد بنی‌حارثه و مسجد بنی‌ظفر نماز خواندند.[۴]

محمد بن فضاله ظفری یکی از یاران رسول خدا روایت کرده است که رسول خدا به مسجد بنی‌ظفر تشریف آوردند و بر تخته‌سنگی که در مسجد بود نشستند، و همراه ایشان عبدالله بن مسعود و معاذ بن جبل و تعدادی دیگر از یارانش بودند. آن‌گاه رسول خدا به شخص قاری دستور دادند که قرآن را تلاوت نماید، چون به آیه‌ی: فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰٓؤُلَآءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾ رسید، رسول خدا گریستند و فرمودند: «پروردگارا، بر کسانی که من در میانشان هستم گواهی دادم؛ پس بر کسانی که ندیده‌ام چگونه گواهی دهم!»[۵]

---

۱. وفاء الوفاء (۸۲۷/۳) و المساجد الأثریة، ص ۵۸.

۲. وفاء الوفاء (۸۲۸/۳) و التعریف بما آنست الهجرة، ص ۴۹.

۳. المساجد الأثریة، ص ۶۲ به اختصار.

۴. تاریخ المدینة، ابن شبة (۶۶/۱) و وفاء الوفاء (۸۲۷/۳).

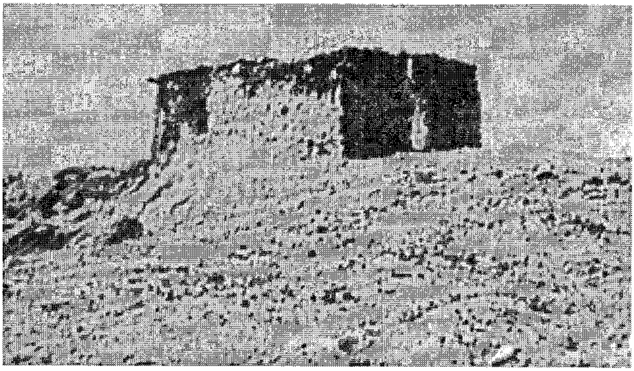
۵. امام طبرانی در معجم کبیر (۲۳۴/۱۹ شماره‌ی ۵۴۶) روایت کرده است، و هیثمی در مجمع زوائد (۴/۷) گفته است: «رجاله ثقات.»

در روایت امام بخاری آمده است که آن شخص قاری، عبدالله بـن مسـعود بوده است.[۱]

این مسجد در سال ۶۳۰ هـ.ق توسط ابوجعفر منصور تعمیر شده است.

سمهودی می‌گوید: کتیبه‌ای در سمت راست محراب دیدم که نوشته شده بـود: (**خلد الله ملک الامام أبي جعفر المنصور المستنصر بالله أميرالمؤمنين، عمّر سـنة ثلاثين وستمائة**)[۲]

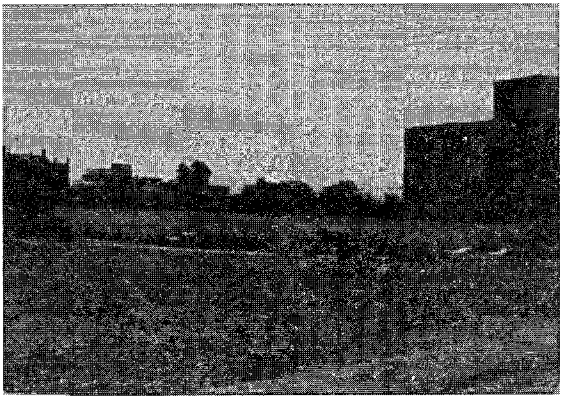
متأسفانه این مسـجد تخریـب شـده و جایگـاه آن در ۵۰۰ متـری خیابـان "ملک عبدالعزیز" شرق بقیع می‌باشد که اکنون اطراف آن با یک چهاردیواری محصور شده است.



مسجد بنی ظفر

۱. صحیح بخاری ـ کتاب تفسیر (شماره‌ی ۴۵۸۲).

۲. وفاء الوفاء (۳/۸۲۸).



جایگاه مسجد بنی‌ظفر (یا مسجد البغله)

مسجد بنات بنی‌النجار

این مسجد در نزدیکی مسجد جمعه در منطقه‌ی قبا قرار دارد. بنات بنی‌النجار، دختر دایی‌های پیامبر بودند که وقتی رسول خدا از مکه به مدینه تشریف آوردند، با اشعاری زیبا از وی استقبال نمودند، و چنین می‌سرودند:

طَلَعَ البَدرُ عَلَینا　　مِن ثَنِیّاتِ الوِداع
وَجَبَ الشُّکرُ عَلَینا　　ما دَعا لله دَاع
أُیُّهَا الْمَبعوثُ فِینا　　جِئتَ بِالأَمرِ الْمُطَاع
جِئتَ شَرَّفْتَ الْمَدینة　　مَرحَباً یا خَیْرَ داع

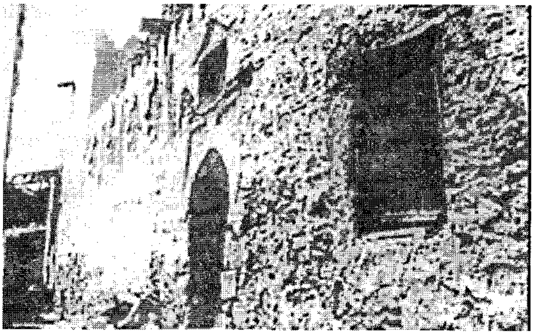
مسجد مذکور یک چهار دیواری غیرمسقف است که شکاف برداشته و نزدیک بود که دیوارهایش فرو ریزد، که ترمیم و تعمیراتی در آن صورت گرفت. اکنون در داخل محوطه‌ای روبه‌روی مسجد جمعه از سمت جنوب آن قرار دارد.[۱]

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۵۹. اکثراً این مسجد را به‌نام مسجد عتبان بن مالک، ذکر می‌کنند. ن.ک: کتاب المساجد الأثریة، ص ۱۱۹.

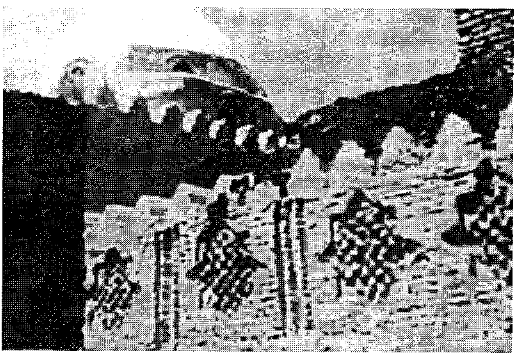
مسجد عرفات (مسجد عمره):

این مسجد در پشت "مسجد قبا" بر جایگاهی مرتفع، پشت "مدرسه‌ی قبا سعودی" قرار داشت، که در توسعه‌ی میدان قبا برداشته شده است.

علامه خیاری می‌گوید: جایی بود که رسول خدا در ایام حج در روز عرفه در آن‌جا می‌نشست و حجاج را در سرزمین عرفات نظاره می‌کردند، و بدین سبب نام "عرفات" بر آن گذاشته شده است. همچنین به‌نام مسجد "عمره" نیز معروف است.[1]



تصویر قدیمی از مسجد عرفات (مسجد عمره)



تصویر قدیمی از مسجد عرفات (مسجد عمره)

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۷۱ ـ ۱۷۲.

مسجد وادی (یا مسجد المصرع یا مسجد العسکر)

این مسجد در سمت شرقی کوه عینین (جبل الرماة) قرار داشته است. این مسجد در جایگاهی که سیدنا حمزه عموی بزرگوار رسول خدا ضربت خوردند و شهید شدند، ساخته شده بود.[۱] ابن شبه از جابر روایت کرده است که رسول خدا صبح روز احد بر تپه‌ی عینین نماز خواندند.[۲]

سمهودی می‌گوید: سنگی در آن‌جا قرار داشت که بر آن بعد از بسم الله و آیه‌ی: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْأَخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَى ٱلزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا ٱللَّهَ فَعَسَىٰٓ أُوْلَٰٓئِكَ أَن يَكُونُواْ مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾ نوشته شده بود: (**هذا مصرع حمزة بن عبدالمطلب و مصلّی رسول الله . . .**): «این قتل‌گاه حمزه بن عبدالمطلب و جایگاه نماز رسول خداست...»[۳]

دیوارهای آن تا دوران سعودی همچنان پا برجا بود، ولی در این دوران پس از تخریب گنبد و بارگاه حضرت حمزه و قبور شهدای احد، این مسجد نیز در طرح تعریض محوطه اطراف تخریب کردند.[۴]

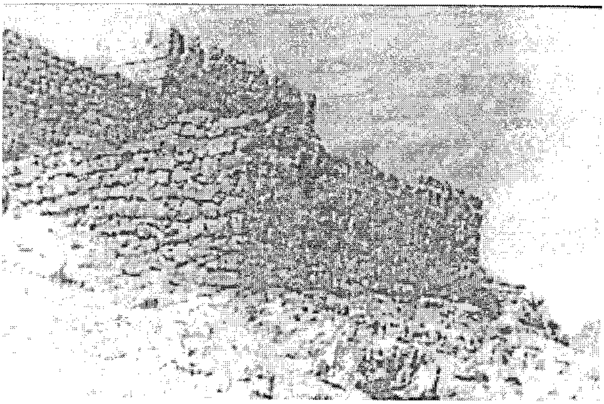
---

۱. وفاء الوفاء (۸۴۹/۳).

۲. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۸۲.

۳. وفاء الوفاء (۸۵۰/۳).

۴. تاریخ و آثار اسلامی دکتر قائدان، ص ۳۳۲، و تاریخ معالم مدینه، ص ۱۸۴. محقق کتاب "تاریخ معالم مدینه" نوشته است: این مسجد همراه با ساختمان‌هایی که بر کوه عینین قرار داشت کاملاً برداشته شده است. گفتنی است که سمهودی این مسجد را به‌نام "مسجد العسکر" یاد کرده است (وفاء الوفاء ۸۴۹/۳ ـ ۸۵۱).



مسجد وادی (یا مسجد المصرع یا مسجد العسکر)

مسجد عتبان بن مالک

عتبان بن مالک خزرجی انصاری از یاران ارزشمند پیامبر است که در غزوه‌ی بدر حاضر بود، و در زمان معاویه سال ۵۰ هـ . ق وفات کرد.[۱]

محمود بن ربیع انصاری می‌گوید: صحابی جلیل‌القدر عتبان بن مالک انصاری که در جنگ بدر نیز شرکت کرده بود، نزد رسول خدا آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! بینایی‌ام ضعیف شده است و من پیش‌نماز قومم هستم، و هنگام بارندگی، رودخانه‌ای که میان و من و ایشان قرار دارد، مانع از رفتن من به مسجدشان می‌شود؛ لذا دوست دارم که شما به خانه‌ام تشریف بیاورید، و در جایی از آن نماز بخوانید، تا من آن را برای نمازخانه قرار دهم. رسول خدا فرمود: «إن شاء الله این کار را خواهم کرد.»

عتبان می‌گوید: صبح روز بعد هنگامی که آفتاب کمی بالا آمده بود، رسول خدا همراه ابوبکر به خانه‌ام تشریف آوردند، و اجازه‌ی ورود خواستند. گفتم: بفرمایید. وقتی وارد خانه شدند، قبل از نشستن فرمود: «در کجای خانه‌ات دوست داری نماز بخوانم؟»

---

۱. الاصابة فی تمییز الصحابة (۲۱۳/۴) و اسد الغابة (۴۵۴/۳).

عتبان می‌گوید: به گوشه‌ای در خانه اشاره کردم. رسول خدا آن‌جا رفت و تکبیر گفت. ما نیز به ایشان اقتداء کردیم، و صف بستیم. رسول خدا دو رکعت نماز خواندند، و سلام دادند ... .[۱]

سمهودی می‌گوید: مسجد عتبان بن مالک در کنار قلعه‌ای به‌نام "مزدلف" در منطقه‌ی بنی سالم بن خزرج در سمت شمال مسجد جمعه می‌باشد.[۲]

علامه احمد خیاری می‌گوید: این مسجد از آن جمله مساجدی است که پنهان و پوشیده مانده و آثار و نشانه‌های آن نیز از بین رفته است.[۳] عباسی ذکر نموده است که مسجد خانه‌ی عتبان بن مالک در سال ۱۰۳۶ هـ. ق بازسازی شده است. طول آن دوازده ذرع و عرض آن شش ذرع بود.[۴]

دکتر محمد الیاس عبدالغنی می‌نوسید: مورخین درباره‌ی این مسجد بر این مکان‌ها اتفاق دارند:

۱. جایگاه مسجد در خانه‌ی عتبان بن مالک؛ در کنار مزدلف بود.

۲. مزدلف نام قلعه‌ای است متعلق به مالک بن عجلان پدر عتبان

۳. این قلعه در سمت شمالی مسجد جمعه واقع است. بنابراین واضح گردید که مسجد کوچکی که اکنون در شمال مسجد جمعه قرار دارد مسجد عتبان می‌باشد؛ به‌طوری که این اوصاف سه‌گانه بر آن منطبق می‌باشد.[۵]

این مسجد اکنون تخریب شده، و جایگاه آن در جهت شمال مسجد جمعه در محوطه‌ای قرار دارد.[۶]

---

۱. صحیح بخاری (۴۲۵) و صحیح مسلم (۳۳/۲۶۳).

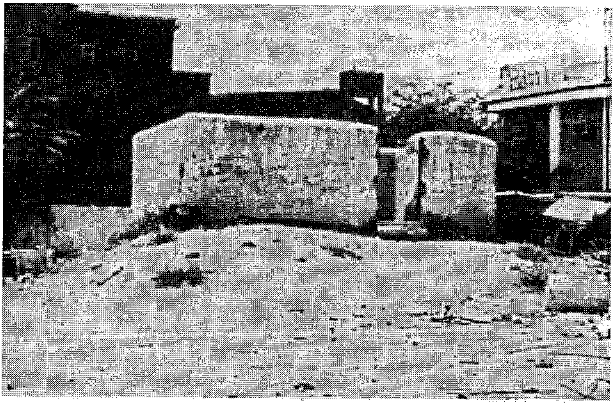
۲. وفاء الوفاء (۸۷۷/۳ ـ ۸۷۸).

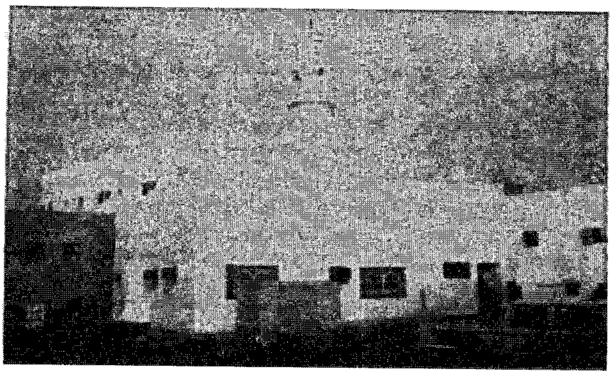
۳. عمدة الأخبار، ص ۲۰۷.

۴. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۱۱ .

۵. المساجد الأثریة، ص ۱۱۰.

۶. تاریخ المدینة – المصوّر – ، ص ۵۲.





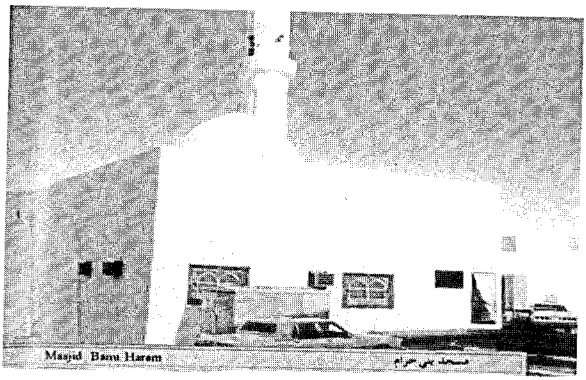
مسجد عتبان بن مالک

مسجد کبیر بنی‌حرام

این مسجد در منطقه‌ی قبیله‌ی "بنی‌حرام" واقع شده بود.[۱] ابن شبه روایت کرده است که بنی‌حرام بعد از این‌که به سمت غربی کوه سلع منتقل شدند، این مسجد را بنا کردند.[۲]

درباره‌ی این‌که آیا پیامبر در مسجد آنان نماز گزارده است یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد.[۳] عمر بن عبدالعزیز در زمان حکومتش این مسجد را توسعه دادند.[۴]

موقعیت کنونی آن در غرب کوه سلع، جنوب مساجد (سبعه) فتح واقع است. این مسجد در دوران حکومت "ملک فهد" بازسازی شده است و نمازهای پنج‌گانه در آن اقامت می‌گردد.[۵]



مسجد بنی حرام

۱. وفاء الوفاء (۸۳۸/۳ و۸۵۴) و تاریخ المدینة – المصوّر –، ص ۱۰۰.

۲. تاریخ المدینة (۷۸/۱).

۳. وفاء الوفاء (۸۳۸/۳) و المساجد الأثریة، ص ۴۵، و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۹۴.

۴. عمدة الأخبار، ص ۲۱۴، و تاریخ معالم المدینة، ص ۱۹۳.

۵. تاریخ المدینة – المصوّر –، ص ۱۰۰، و مساجد الأثریة، ص ۴۴.

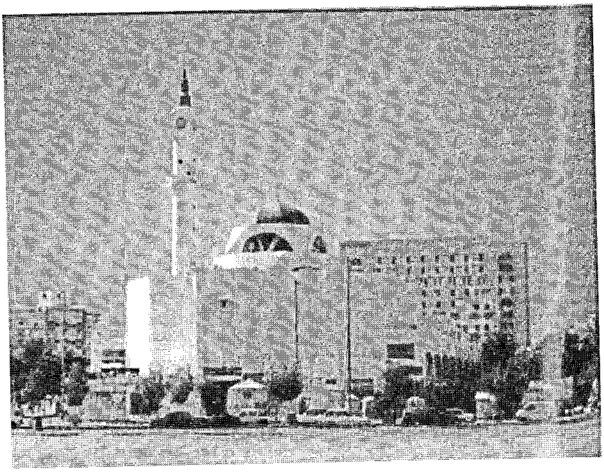
مساجد تاریخی دیگر:

۱. مسجد بلال رضی‌الله‌عنه:

جایگاه این مسجد، یکی از جاهایی بود که رسول خدا نمازهـای عیـد را در آن‌جا برگزار می‌کردند. همچنین سیدنا بلال، مؤذن رسول خدا، نمازهای نافلـه را در آن‌جا می‌خواند، و جایگاه کنونی این مسجد در حقیقیت منزل بـلال بـود که با خانواده‌اش در آن‌جا زندگی می‌کردند.[1]

این مسجد تا سال‌های اخیر پابرجا بوده است، ولی اکنون تخریب گردیـده، و ساختمان پست و تلفن جایگزین آن شده است.[2]

مسجدی که امروزه به نام "مسجد بلال" در اول خیابان امیـر عبدالمحسـن (قربان) وجود دارد، جدیدالاحداث است و آن مسجد تاریخی نیست.[3]



مسجد بلال رضی الله عنه

۱. تاریخ معالم المدینه، ص ۱۴۶.

۲. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۴۶، تاریخ و آثار اسلامی، ص ۲۹۹ و ۳۳۶.

۳. المساجد الأثریة، ص ۲۶۳.

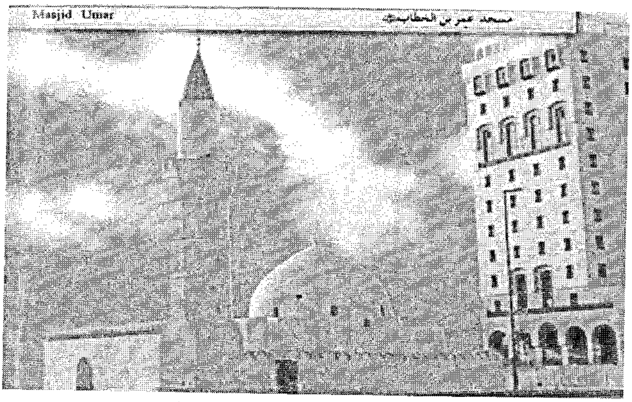
۲. مسجد عمر بن الخطاب رضی الله عنه

این مسجد در جنوب "مسجد غمامه" واقع است، و یکی از جاهایی است که رسول خدا نماز عید را در آن بر پا نموده‌اند. این مسجد در محل خانه‌ی "عبدالله بن درة المزني" بوده است.[۱]

سمهودی این مسجد را بدون نام ذکر کرده و گفته است: شیخ شمس‌الدین محمد بن احمد سلاوی سال ۸۵۰ هـ. ق آن را احداث کرده است.[۲]

علامه غالی شنقیطی می‌گوید: این مسجدی که به نام "عمر بن الخطاب" نامیده می‌شود، نه جایگاه نماز عید پیامبر بوده، و نه فردی از خلفا، بلکه در قرن ششم هـ. ق ساخته شده است.[۳]

این مسجد اکنون پابرجاست و بنای آن مربوط به دوره‌ی عثمانی است که در سال ۱۲۶۶ هـ.ق توسط سلطان عبدالحمید تعمیر گردیده و در دوران حکومت "ملک فهد" در سال ۱۴۱۱ هـ. ق نیز تعمیراتی در آن صورت گرفته است.[۴]



مسجد عمر بن الخطاب رضی الله عنه

۱. المساجد الأثرية، ص ۲۴۷ ـ ۲۴۸.

۲. تاريخ معالم المدينة، ص ۱۳۶ ـ ۱۳۷.

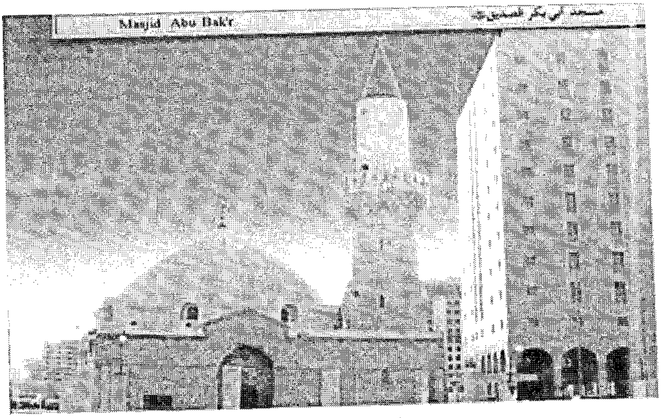
۳. الدر الثمين، ص ۲۳۰، المدينة معالم و حضارة، ص ۴۷.

۴. المساجد الأثرية، ص ۲۴۸.

۳. مسجد ابوبکر الصدیق رضی الله عنه:

این مسجد کمی پایین‌تر از مسجد غمامه قرار دارد. جایگاه این مسجد یکی از جاهایی است که در آن رسول خدا نماز عید را برگزار نموده است،[۱] و نماز جنازه‌ی نجاشی را نیز در آن‌جا خوانده‌اند.[۲]

شاید سبب نام‌گذاری آن به "مسجد ابوبکر الصدیق" از آن رو باشد که ابوبکر صدیق در دوران خلافتش در این مکان نماز عید را اقامه می‌کردند.[۳] مسجد یادشده در محل خانه‌ی "محمد بن عبدالله بن کثیر بن صلت" بوده است.[۴] بنای اولیه‌ی این مسجد توسط عمر بن عبدالعزیز ساخته شده،[۵] و بنای کنونی در عهد عثمانی است که در سال ۱۲۵۴ هـ. ق توسط سلطان محمود عثمانی ساخته شده ، و در سال ۱۴۱۶ هـ. ق در دوران ملک فهد ترمیم و بازسازی گردیده است.[۶]



مسجد ابوبکر صدیق رضی الله عنه

---

۱. وفاء الوفاء (۷۸۳/۳) و الدر الثمین، ص ۲۲۸، و المساجد الأثریة، ص ۲۳۷.

۲. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۳۹.

۳. وفاء الوفاء، ص ۲۶۲، و المساجد الأثریة، ص ۲۳۷.

۴. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۳۹.

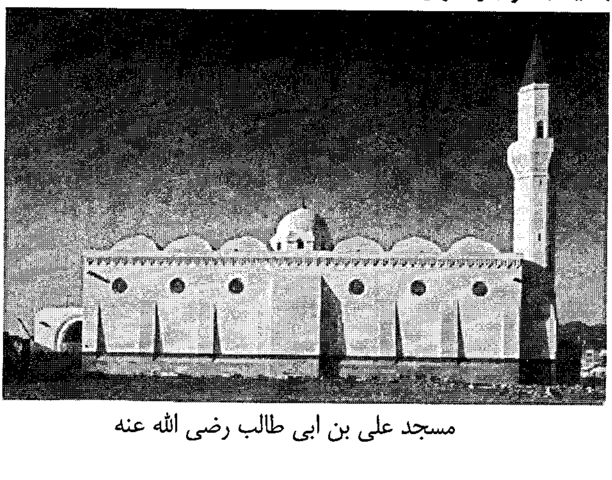
۵. وفاء الوفاء (۷۸۵/۳)، تاریخ و آثار اسلامی، ص ۲۹۹، و الدر الثمین، ص ۲۲۸.

۶. المساجد الأثریة، ص ۲۳۹.

۴. مسجد علی بن ابی طالب رضی الله عنه:

این مسجد در نزدیکی "مسجد غمامه" قرار دارد، و تقریباً ۲۹۰ متر تا مسجد النبی فاصله دارد، و یکی از جاهایی است که رسول خدا نماز عید را در آن‌جا اقامه نموده‌اند.[۱] شاید سبب نام‌گذاری آن به "مسجد علی" این باشد که زمانی که عثمان بن عفان توسط شورشیان در محاصره بودند امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب نماز عید را در آن‌جا اقامه کردند.[۲]

این مسجد توسط عمر بن عبدالعزیز ساخته شده است، و در قرن نهم رو به تخریب بود که "زین الدین ضیغم منصوری" امیر مدینه در سال ۸۸۱ هـ. ق آن را تعمیر و بازسازی نمود.[۳] در زمان سلطان عبدالمجید عثمانی سال ۱۲۶۷ هـ. ق نیز بازسازی شده است.[۴] در دوران حکومت ملک فهد در سال ۱۴۱۱ هـ. ق تجدید بنا و بازسازی شد.[۵]



مسجد علی بن ابی طالب رضی الله عنه

---

۱. وفاء الوفاء (۷۸۴/۳).

۲. المعارف لابن قتيبه، ص ۱۹۶، و المساجد الأثرية، ص ۲۴۵ ـ ۲۴۶.

۳. وفاء الوفاء (۷۸۵/۳) و تاريخ معالم المدينة، ص ۱۴۲.

۴. تاريخ معالم المدينة، ص ۱۴۳.

۵. المساجد الأثرية، ص ۲۴۳، و تاريخ المدينة – المصوّر –، ص ۶۰.

۵. مسجد عثمان بن عفان رضی الله عنه:

این مسجد در داخل قلعه‌ی نظامی در "بـاب الشـامی" بـوده اسـت،[۱] و از آن‌جایی که در درون قلعـه وجـود داشـته و مخصـوص سـربازان بـوده اسـت، تاریخ‌نویسان درباره‌ی ترمیم و تعمیر آن سخنی نگفته‌اند. قابل یـادآوری اسـت که این قلعه از بناهای دوران ترک‌های عثمانی بود که همراه با مسجد مـذکور در دوران حکومت آل سعود در تعریض خیابان مجاور آن تخریب شد. جایگـاه آن تقریباً کنار کتابخانه‌ی "ملک عبدالعزیز" بوده است.[۲]

گفتنی است، امروزه مسجدی به‌نام "مسجد عثمان ذی النـورین رضی الله عنه" در خیابان ستّین و تقاطع خیابان سلام وجود دارد، که حـدود ۴۲۵ متـر از مسـجد النبی و ۳۲۲ متر از مسجد غمامه فاصله دارد. این مسـجد از مسـاجد تـاریخی نیست، بلکه شیخ صدقه حسن خاشقچی در قرن پانزدهم هـ. ق سـاخته و بـه اداره‌ی اوقاف واگذار نموده است.[۳]



مسجد عثمان بن عفان رضی الله عنه

---

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۳۸.

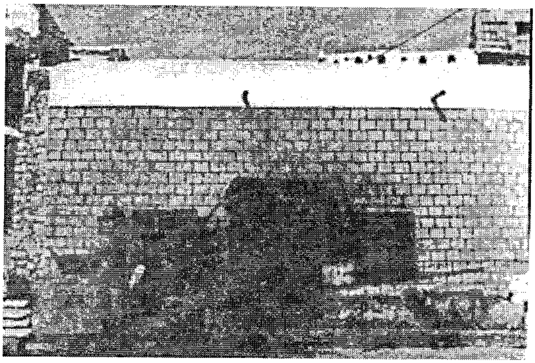
۲. تاریخ معالم المدینه، ص ۱۴۳، و تاریخ آثار اسلامی، ص ۳۰۰.

۳. المساجد الأثریة، ص ۲۶۱ و تاریخ المدینة - المصوّر -، ص ۶۲.

۶. مسجد مالک بن سنان رضی‌الله‌عنه

مالک بن سنان، پدر ابوسعید خدری، صحابی جلیل‌القدر است که در جنگ احد شهید شد. این مسجد در جایگاه شهادت و مکان دفن ایشان بنا شده است.[۱]

سمهودی می‌گوید: «مالک بن سنان نزد مسجد اصحاب العباء، کنار احجار زیت، دفن شده است.[۲]» این مسجد در محله‌ی "حناطین" (حماطه) در وسط بازار "برسیم" واقع بود، که در دوران حکومت آل سعود ضمن تعریض خیابان‌های غرب مسجد نبوی، تخریب شده است.[۳]



مسجد مالک بن سنان

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۴۵، والمدینة بین الماضی والحاضر، ص ۱۳۲ ـ ۱۳۳.

۲. وفاء الوفاء (۹۴۱/۳) "احجار زیت" نام جایی است که رسول خدا در آن‌جا نماز طلب باران خوانده‌اند. ن.ک: سنن ابوداوود ۱۱۶۸، ترمذی ۵۵۷ و فضایل المدینة ۲۴/۳.

۳. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۳۸ و۱۴۵.

فصل هفتم: اماکن تاریخی و معروف مدینه

قبرستان بقیع

بقیع یکی از معالم تاریخی و بافضیلت مدینه به‌شمار می‌آید. جایی است که بیش از ده هزار تن از یاران رسول خدا و اهل بیت ایشان، و همچنین تابعین و ائمه‌ی بزرگوار در آن آرمیده‌اند. رسول خدا همیشه به قبرستان بقیع می‌رفتند و برای آنان دعا و استغفار می‌کردند. بقیع در اصل یکی از قبرستان‌های اهل مدینه بوده، که قبل از اسلام مردم مدینه اموات خود را در آن‌جا دفن می‌کردند. چون در آن‌جا درختان "غرقد"[1] بسیار وجود داشته، به‌نام "بقیع الغرقد" نامیده‌اند.[2] در گذشته بیرون از شهر مدینه، در سمت شرق مسجد النبی قرار داشته است، اما امروزه در وسط شهر قرار دارد.

شمال غربی "بقیع" که دو تن از عمه‌های رسول خدا مدفون هستند، به‌نام "بقیع العمات" شهرت دارد، که دارای دیواری جداگانه بوده و در سال ۱۳۷۳ هـ. ق دیوار آن برداشته شده و به بقیع ملحق شده است.[3]

در شرق "بقیع" جایی به‌نام "حش کوکب" وجود داشت که عثمان بن عفان را در آن‌جا دفن نمودند. گفتنی است که بعدها در زمان بنی امیه به "بقیع" افزوده گردید.[4]

---

۱. گیاه خاردار عوسج یا درخت خولان.

۲. المغانم المطابة فی معالم الطابة، ص ۶۱، و بقیع الغرقد، ص ۱۷.

۳. فصول من تاریخ المدینة، ص ۱۷۲، و بقیع الغرقد، ص ۲۱.

۴. وفاء الوفاء (۹۱۳/۳ ـ ۹۱۴) و بقیع الغرقد، ص ۲۱.

فضایل قبرستان بقیع

در قبرستان بقیع بیش از ده هزار تن از صحابه‌ی بزرگوار، و شهدای صدر اسلام، و ائمه‌ی اهل بیت و بزرگان تابعین و... مدفون هستند. درباره‌ی این قبرستان فضایل بسیاری روایت شده است[1] که ما در این‌جا برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

۱. ام‌المؤمنین عایشه روایت می‌کند که رسول خدا شب‌ها، در آخر وقت، از منزل خارج می‌شدند و به قبرستان بقیع می‌رفتند و می‌فرمودند:

(**السَّلامُ عَلَیکُمْ دَارَ قَومٍ الْمُؤمِنِین وآتَاکُم مَا تُوعَدونَ، غَداً مُؤَجِّلُونَ و إنَّا إنْ شاءَ اللهُ بِکُمْ لَاحِقُونَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأهلِ بَقِیعِ الغَرقَد.**)[2]

در الفاظ دیگر این حدیث آمده است: « ... جبریل مرا امر نمود که پروردگارت به تو امر می‌کند که به قبرستان بقیع برو و برای آنان استغفار کن ... .»[3]

۲. ابو مویهبه غلامِ رسول الله می‌گوید: رسول خدا در دل شب مرا بیدار کردند؛ آن‌گاه فرمودند: «ای ابو مویهبه، من مأمور شده‌ام که برای اهل بقیع استغفار کنم ... .»[4]

۳. ام قیس بنت محصن از رسول خدا روایت کرده که فرموده است: «این قبرستان را می‌بینی! روز قیامت هفتاد هزار نفر از این قبرستان محشور می‌شوند که چهره‌هایشان مانند ماه شب چهارده می‌درخشد، و بدون حساب وارد بهشت می‌شوند.»[5]

---

۱. ن. ک: کتاب الأحادیث الواردة فی فضایل المدینة، ص ۵۹۶، و فضایل المدینة (۲۷۳/۳) وفاء الوفاء (۸۸۶/۳).

۲. صحیح مسلم (۹۷۴).

۳. صحیح مسلم (۱۰۳/۹۷۴).

۴. مسند احمد (۴۸۸/۳) و سنن دارمی (۷۸).

۵. مستدرک حاکم (۶۸/۴) و ابوداوود طیالسی (۱۶۳۵) و طبرانی (۱۸۱/۲۵ شماره‌ی ۴۴۵).

اولین کسی که در بقیع به خاک سپرده شد:

عثمان بن مظعون، اولین کسی از مهاجرین بود که در بقیع به خاک سپرده شد. اسعد بن زراره هم اولین فرد از انصار بود که در بقیع دفن گردید.[۱]

مطلب بن عبدالله بن حنطب روایت کرده است: هنگامی که عثمان بن مظعون وفات کرد، جنازه‌اش آوردند و دفن کردند. آن‌گاه رسول خدا به کسی دستور داد که سنگی را بیاورد، آن شخص نتواست آن را بردارد؛ رسول خدا برخاستند و آستین را بالا زدند، سپس آن را برداشتند و کنار سر قبر (عثمان) گذاشتند و فرمودند: «قبر برادرم را بدانم، و هرکس از اهل بیتم که وفات کرد، در آن‌جا دفن کنم.»[۲]

سپس فرزندش ابراهیم و دخترش زینب را در کنار او دفن نمودند.[۳] هنگامی که فرزندش ابراهیم وفات کرد فرمود: «به سلف صالح ما عثمان بن مظعون بپیوند!»[۴] همچنین هنگامی که دخترشان زینب فوت کرد فرمودند: «به سلف نیک و صالح ما عثمان بن مظعون ملحق شو ... .»[۵]

درباره‌ی أسعد بن زراره آمده است که او اولین کسی بود که قبل از هجرت رسول خدا در مدینه نماز جمعه را اقامه کرد.[۶]

ابن سعد روایت می‌کند: هنگامی که اسعد بن زراره وفات کرد، رسول خدا هنگام غسل دادنش حاضر شدند، و او را در سه پارچه کفن نمودند، و بر وی نماز گزاردند، و در جلو جنازه‌اش راه رفتند، و او را در بقیع دفن کردند.[۷]

---

۱. وفاء الوفاء (۸۹۳/۳ و ۹۰۰) و مختصر فضایل المدینه (ص ۴۱۲) و بقیع الغرقد، ص ۵۱ .

۲. سنن ابو داوود (۳۲۰۶) و سنن بیهقی (۴۱۲/۳) و تاریخ المدینة، ابن شبه (۱۰۲/۱).

۳. وفاء الوفاء (۸۹۱/۳).

۴. معجم کبیر طبرانی (۲۶۲/۱) و هیثمی در مجمع الزوائد (۳۰۲/۹).

۵. مسند احمد (۲۳۷/۱).

۶. الإصابة فی تمییز الصحابة (۳۲/۱).

۷. طبقات ابن سعد (۶۱۱/۴).

قبرهای معروف و شناخته شده‌ی بقیع:

با وجود این‌که ده‌ها هزار تن از صحابه و تابعین در این قبرستان مدفون هستند، جز قبور تعدادی انگشت‌شمار، سایر قبور شناخته نمی‌شود. ما در این‌جا قبرهایی که نسل به نسل از اهل مدینه به‌صورت تواتر، درباره‌ی تعیین آن‌ها نقل شده است ذکر خواهیم کرد:

۱. قبور دختران رسول خدا ﷺ

تقریبا بعد از ۳۰ متر جلوتر از دروازه‌ی ورودی بقیع، قبرهای دختران رسول الله قرار دارد:

- سیده ام‌کلثوم
- سیدهِ رقیه
- سیده زینب

۲. قبور اهل بیت رسول الله ﷺ

در ۲۵ متری قبور دختران رسول الله به سمت جنوب، قبور اهل بیت رسول الله قرار دارد:

- سیدة نساء العالمین، فاطمه زهرا دختر گرامی رسول خدا

درباره‌ی مکان دفن ایشان اختلاف وجود دارد. بیش‌تر مورخان می‌گویند: قبر ایشان در قبرستان بقیع قرار دارد، و ابن شبه نیز می‌نویسد: قبر فاطمه در بقیع در گوشه‌ی (خانه‌ی) عقیل بن ابی طالب قرار دارد،[1] همان جایی که اکنون قبر عقیل است. عده‌ای از مورخان هم نوشته‌اند که ایشان در خانه‌ی خودش مدفون است.[2]

- عباس بن عبد المطلب، عموی رسول خدا

---

۱. تاریخ المدینة (۱/۱۰۵ ـ ۱۰۶)، وفاء الوفاء (۲/۹۰۱).

۲. وفاء الوفاء (۲/۹۰۲) و تاریخ المدینة (۱/۱۰۸).

- امام حسن بن علی[۱]

ابن شبه از عبیدالله بن علی روایت می‌کند که حسن بن علی وصیت کردند که مرا کنار قبر مادرم در بقیع، دفن کنید.[۲]

- امام زین العابدین علی بن الحسین
- امام محمد بن علی الباقر
- امام جعفر بن محمد الصادق[۳]

سمهودی در وفاء الوفاء[۴] از مسعودی در مروج الذهب نقل می‌کند: بر قبور اهل بیت سنگ مرمری بود که روی آن نوشته شده بود:

(بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحِیم، الْحَمدُ لِلَّه مُبیدُ الأُمَمِ، وَ مُحیِي الرِّمَمِ، هَذٰا قَبرُ فَاطِمَة بِنتِ رَسُولِ الله ﷺ سِیدةُ نساءِ العَالَمِینَ، وقَبرُ الْحَسنِ بن عَلي، و عَلِي بن الْحُسَین بن عَلِي، وقَبرُ مُحَمّد بن عَلِي، وَجَعفَر بن مُحَمّد.)[۵]

۳. قبور امهات المؤمنین، همسران رسول خدا ﷺ

در سمت شمال، ۸ متری قبور دختران رسول خدا قبور امهات المؤمنین، همسران رسول خدا قرار دارد که عبارتند از :

- ام المؤمنین عایشه دختر ابوبکر صدیق
- ام المؤمنین سوده دختر زمعه
- ام المؤمنین حفصه دختر عمر
- ام المؤمنین زینب دختر خزیمه

---

۱. در برخی روایات ذکر شده است که سر مبارک امام حسین نیز در بقیع مدفون است. (وفاء الوفاء ۹۰۹/۲، و تاریخ الإسلام ۵۶۱/۱، و بقیع الغرقد ص ۶۲.

۲. تاریخ المدینة (۱۰۶/۱)، وفاء الوفاء (۹۰۲/۲) و بقیع الغرقد، ص ۶۲.

۳. سمهودی از زبیر بن بکار روایت می‌کند که امام حسن پیکر پدرش علی را به مدینه آورد و در بقیع دفن کرد. (وفاء الوفاء ۹۰۹/۲ و بقیع الغرقد، ص ۶۴.

۴. وفاء الوفاء (۹۰۵/۲).

۵. مروج الذهب (۲۲۸/۲).

- ام المؤمنین ام سلمه دختر ابی امیه
- ام المؤمنین جویریه دختر حارث
- ام المؤمنین ام حبیبه رمله دختر ابوسفیان
- ام المؤمنین صفیه دختر حیی بن اخطب
- ام المؤمنین زینب دختر جحش

اما ام‌المؤمنین خدیجه در قبرستان معلای مکّه‌ی مکرمه، و ام‌المؤمنین میمونه نیز در محلی به‌نام "سرف" که دوازده مایل تا مکه فاصله دارد، مدفون هستند.[۱]

ماریه قبطیه، مادر ابراهیم فرزند رسول خدا نیز در بقیع مدفون است.[۲]

۴. قبر عقیل بن أبی‌طالب و افرادی از بنی‌هاشم

در پنج متری قبور امهات المؤمنین قبرهای ذیل قرار دارد:

- قبر عقیل بن أبی طالب
- قبر عبدالله بن جعفر بن أبی طالب
- قبر ابوسفیان بن الحارث بن عبدالمطلب، پسر عمو و برادر رضاعی رسول خدا [۳]

۵. قبر امام مالک

در سمت شرق، تقریباً ده متری قبر عقیل بن أبی‌طالب دو قبر وجود دارد:

- قبر امام مالک بن انس، امام دار الهجره
- قبر نافع، مولای ابن عمر استاد امام مالک، و شیخ قراء مدینه[۴]

---

۱. بقیع الغرقد، ص ۶۴.

۲. تاریخ طبری (۴۷۵/۲).

۳. وفاء الوفاء (۹۱۰/۲ ـ ۹۱۱) و بقیع الغرقد، ص ۶۹.

۴. وفاء الوفاء (۹۵/۲) و بقیع الغرقد، ص ۶۸.

۶. قبر عثمان بن مظعون و دیگران

در بیست متری قبر امام مالک در سمت شرق، قبور ذیل قرار دارد:

- قبر عثمان بن مظعون، برادر رضاعی رسول خدا، و اولین فرد از مهاجرین که در بقیع دفن گردید.
- قبر ابراهیم فرزند رسول خدا
- قبر عبدالرحمن بن عوف، یکی از ده کسانی که به بهشت بشارت یافته‌اند.
- قبر سعد بن أبی وقاص (از ده تن بشارت یافته به بهشت)
- قبر أسعد بن زراره
- قبر خنیس بن حذافه سهمی
- قبر فاطمه بنت أسد، مادر گرامی سیدنا علی[۱]

۷. قبور شهدای واقعه‌ی حرّه

کسانی که در سال ۶۳ هـ . ق در هنگام دفاع از مدینه و مقدسات در ایام یزید بن معاویه توسط مسرف (مسلم) بن عقبه شهید شدند.[۲] قبور آن‌ها در ۷۵ متری قبر عثمان بن مظعون قرار دارد.[۳]

۸. قبر امیرالمؤمنین عثمان بن عفان رضی الله عنه

هنگامی که شورشیان از دفن عثمان جلوگیری کردند، مسلمانان او را در جایگاهی به‌نام "حش کوکب" در شرق بقیع دفن نمودند، که بعدها در زمان بنی امیه به بقیع افزوده گردید.[۴] اکنون در وسط بقیع، در ۱۳۵ متری قبور شهدای حرّه، در سمت شرق قرار دارد.[۵]

---

۱. وفاء الوفاء (۲/۸۹۷ ـ ۹۰۰) و بقیع الغرقد، ص ۶۸.

۲. البدایة والنهایة (۷/۲۶۷ ـ ۲۷۳) و تاریخ ابن اثیر (۴/۱۱۴).

۳. بقیع الغرقد، ص ۷۳.

۴. تاریخ المدینة، ابن شبة (۱/۱۱۱) و وفاء الوفاء (۲/۹۱۳ ـ ۹۱۴).

۵. بقیع الغرقد، ص ۷۴، ۷۴

۹. قبر سعد بن معاذ رضي الله عنه

در فاصله‌ی ۵۰ متری، در شمال قبر عثمان بن عفان قرار دارد.

سعد بن معاذ در جنگ خندق زخمی شد، و از خدا خواست که زنده بماند تا درباره‌ی بنی‌قریظه حکم نماید. آن‌گاه بعد از قضاوت درباره‌ی آن‌ها، سرانجام زخمش خون‌ریزی نمود، و در مسجد النبی وفات کرد.[۱]

۱۰. قبر أبوسعید خدری رضي الله عنه

سعد بن مالک، ابوسعید خدری از یاران با وفای رسول خدا و از فقهای صحابه است. در جنگ احد به‌خاطر کم‌سالی، رسول خدا به وی اجازه نداد، و در بقیه‌ی غزاوت شرکت نمود. بین سال‌های ۶۳ الی ۶۵ هـ . ق در مدینه وفات کرد. قبر ایشان در آخرین نقطه‌ی بقیع قرار دارد، که قبلاً در بیرون بقیع واقع بوده، اما بعد از توسعه‌ی سعودی در سال ۱۳۸۵ هـ . ق اکنون در داخل بقیع واقع شده است.[۲]

ابن شبه از عبدالرحمن پسر ابوسعید روایت می‌کند که: پدرم به من گفت: ای فرزندم، پیر شده‌ام، و یارانم رفته‌اند. آن‌گاه به من نزدیک شد، و بر من تکیه داد، و به قبرستان بقیع آمد، جایی که هیچ کس دفن نمی‌شد، و گفت: هنگامی که مُردم، مرا در این‌جا دفن کنید، و بر قبرم چادر نزنید، و آتش در تشییع جنازه‌ام نیاورید، و کسی بر من نوحه‌خوانی نکند. پنهانی مرا ببر و کسی را خبردار نکن. عبدالرحمن می‌گوید: مردم درباره‌ی جنازه‌ی او می‌پرسیدند: «کی بیرون می‌برید؟» من به‌خاطر سخنانی که پدرم گفته بود نمی‌خواستم به آن‌ها چیزی بگویم، پس در اول ظهر جنازه را به بقیع بردم، دیدم که بقیع از جمعیت پر شده است.[۳]

---

۱. الاصابة فی تمییز الصحابة، (۸۵/۳ ـ ۸۶۹).

۲. بقیع الغرقد، ص ۸۲.

۳. تاریخ المدینة (۱۳۰/۱) و وفاء الوفاء (۹۱۵/۳) .

۱۱. قبر حلیمه‌ی سعدیه رضی الله عنها

حلیمه سعدیه، مادر رضاعی رسول خدا، و از قبیله‌ی سعد بن بکر است، که بعد از هجرت، در مدینه وفات نمود، و در خارج از بقیع در شمال شرقی "حش کوکب" دفن گردید. اکنون بعد از توسعه‌ی سعودی در بقیع قرار دارد.[۱]

۱۲. قبر اسماعیل بن جعفر الصادق رضی الله عنه

قبر وی در خارج از بقیع در سمت جنوب غربی قرار داشت، و در شرق آن (اداره‌ی امور اموات) قرار داشت. اما در توسعه‌ی دوران سعودی در سال ۱۳۸۵ هـ . ق قبرش را نبش نمودند و جسد او را در قبری در داخل محوطه‌ی بقیع در نزدیکی شهدای حرّه دفن نمودند.[۲]

۱۳. قبور عمه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

در ۴۰ متری درب ورودی بقیع، در شمال شرقی، چسبیده به دیوار، قبور ذیل قرار دارد:

- قبر صفیه بنت عبد المطلب
- قبر عاتکه بنت عبد المطلب

این مکان در گذشته از بقیع جدا بوده و به‌نام "بقیع العمّات" معروف بوده است، که در سال ۱۳۷۳ هـ . ق به بقیع ملحق گردیده است.[۳]

---

۱. بقیع الغرقد، ص ۸۳.

۲. وفاء الوفاء (۹۲/۳) و بقیع الغرقد، ص ۸۲.

۳. کتاب وفاء الوفاء (۹۱۰/۳) و بقیع الغرقد، ص ۸۵، و فصول من تاریخ المدینة، ص ۱۷۳.



نمایی از قبرستان بقیع

قبرستان شهدای احد

در سال سوم هـ . ق مشرکان مکه برای جبران شکستی که در جنگ بـدر از مسلمانان دیده بودند برای انتقام‌جویی با سپاهی متشکل از سه هزار جنگجو به فرماندهی ابوسفیان برای جنگ با پیامبر و یارانش به سوی مدینه آمدند.

رسول خدا برای ماندن در شهر مدینه یا بیرون رفتن بـرای رویـارویی بـا دشمن، با یارانش مشورت نمود. اکثر آنان بر این رأی بودند که به‌سوی دشمن خارج شوند؛ بنابراین رسول خدا همراه با هفتصد نفر از مدینه خارج شدند، و در دامنه‌ی کوه احد مسـتقر شـدند. رسـول خـدا پنجـاه نفـر از تیرانـدازان را بـه فرماندهی عبدالله بن جبیر بر تپه‌ای یا کوهی به‌نـام "جبـل العینـین" (جبـل الرماة) گماشت، و فرمود: «ما چه پیروز شویم یا شکست بخوریم، شـما هرگـز جای خود را رها نکنید.» آن‌ها چون دیدند که لشکر قریش پا به فرار گذاشـته، همگی جز فرمانده‌ی آنان از تپه پایین آمدند. آن‌گاه لشکر قریش به فرماندهی خالد بن ولید از آن سوی تپه به سپاه اسلام حمله کرد، و خسارات سنگینی بـه مسلمانان وارد آمد. در این غزوه بیش از هفتاد تن از یاران رسـول خـدا شـهید شدند. از جمله کسانی که شهید شدند، عموی گرامی رسول خـدا، حمـزه سـید

الشهداء، پرچم‌دار اسلام مصعب بن عمیر، عبدالله بن جبیر فرمانده‌ی تیراندازان، عبدالله بن جحش، حنظله، غسیل فرشتگان و ... بودند. آن‌گاه رسول خدا دستور دفن شهداء را دادند. دو نفر یا سه نفر با همدیگر در یک قبر دفن نمودند. این قبور در نزدیکی جبل الرماة است، که زیارت آن‌ها از مستحبات است.[۱]

چاه‌های مدینه:

مدینه دارای چاه‌های بسیاری بوده است، ما در این‌جا برخی از چاه‌هایی را ذکر می‌کنیم که رسول خدا از آن‌ها وضو گرفته یا غسل نموده‌اند، یا از آب آن نوشیده و یا در آن آب دهان مبارکش را انداخته است.

۱. چاه اریس یا خاتم

این چاه در باغی، روبه‌روی مسجد قبا به فاصله‌ی پنجاه متری غرب آن قرار داشت.

چون آبش شیرین بود، رسول خدا از آن چاه نوشیده و وضو گرفته‌اند.[۲]

در حدیث آمده است: رسول خدا بر لبه‌ی آن نشست و پاهای خود را درون چاه آویزان نمود و ابوموسی اشعری به عنوان دربان بر کنار در باغ ایستاد. آن‌گاه ابوبکر صدیق آمد، و اجازه‌ی ورود خواست؛ رسول خدا به ابوموسی فرمود: «به او اجازه بده، و او را به بهشت مژده ده.» وارد شد و در سمت راست رسول خدا نشست، و پای خود را همان‌گونه آویزان کرد. سپس عمر آمد و اجازه خواست. فرمود: «به او اجازه بده، و او را به بهشت مژده ده.» وارد شد و در سمت چپ رسول خدا نشست. سپس عثمان آمد و اجازه خواست، فرمود: «به او اجازه بده و او را به بهشت مژده ده؛ همراه با بلا و مصیبتی که به او می‌رسد.»[۳]

---

۱. سیرة ابن هشام، ص ۶۸ به بعد، و مختصر سیرة ابن هشام، ص ۱۳۶ به بعد، و فصول فی سیرة الرسول، ابن کثیر، ص ۱۴۴، و وفاء الوفاء (۹۳۳/۳) به بعد.

۲. وفاء الوفاء (۹۴۲/۳) و آثار المدینة، ص ۲۳۷.

۳. صحیح مسلم (۲۴۰۳) .

سبب نام‌گذاری آن به چاه خاتم (انگشتر) این است که رسول خدا انگشتری داشتند که بر آن نوشته شده بود: «محمد رسول الله» که بعد از وفات ایشان در دست ابوبکر، سپس در دست عمر و پس از او در دست عثمان بود، که از دست عثمان (یا معیقیب) به درون آن چاه افتاد.[۱]

استاد بزرگوارمان علامه ملاخاطر می‌گوید: «در اولین سفری که به مدینه آمدم، این چاه را دیدم، ولی اکنون دفن و محو شده است.»[۲]

این چاه تقریباً تا اواخر قرن چهاردهم هـ . ق وجود داشته، تا این‌که در توسعه‌ی میدان غربی مسجد قبا محو شده است.[۳]

۲. چاه بضاعه

این چاه متعلق به قبیله‌ی "بنی‌ساعده" بود؛ و در شمال سقیفه‌ی آن‌ها، شمال غربی مسجد النبی قرار داشت.[۴]

علامه ملاخاطر می‌گوید: نزدیک این چاه، میدان بزرگی به‌نام "میدان بضاعه" بود، که در آن‌جا مدرسه‌ی تحفیظ قرآن نیز وجود داشت. من خودم چاه را دیده‌ام، ولی اکنون به‌خاطر توسعه‌ی جدید برداشته شده است.[۵]

رسول خدا از این چاه آشامیده، و وضو گرفته است؛ همچنین آب دهان مبارکش را در آن انداخته است.[۶]

علامه خیاری نوشته است: این چاه در وسط باغی در داخل منزل "شریف زید" قرار داشت، که اکنون این منطقه در پروژه‌ی توسعه‌ی خادم الحرمین برای مسجد نبوی، کاملاً برداشته شده است.[۷]

---

۱. صحیح بخاری (۵۸۷۹) و مسلم (۲۰۹۱) .

۲. فضایل المدینة (۱۹۹/۳) و مختصر فضایل، ص ۳۷۵.

۳. ن.ک: به تاریخ معالم المدینة، ص ۲۴۸، و تاریخ المدینة – المصوّر – ، ص ۱۳۰.

۴. ن.ک: المغانم المطابة، ص۱۳۱، وفاء الوفاء (۹۵۹/۳) و آثار المدینة، ص ۲۴۶.

۵. فضایل المدینة (۲۰۶/۳ ـ ۲۰۷) و مختصر فضایل، ص ۳۸۱.

۶. ن.ک: به کتاب فضایل المدینة (۲۰۷/۳ ـ ۲۱۰) وفاء الوفاء (۹۵۶/۳ ـ ۹۵۷).

۷. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۵۶.

۳. چاه رومه (یا چاه عثمان رضي الله عنه)

این چاه در نزدیکی وادی عقیق، حدود یک کیلومتری مسجد قبلتین و در شمال آن قرار دارد، که فاصله‌ی آن تا مسجد النبی ۳/۵ کیلومتر است.

اکنون در داخل اداره‌ی کشاورزی (مصلحة الزراعة) قرار گرفته است.[۱]

این چاه متعلق به فردی یهودی بود، و هنگامی که رسول خدا فرمود: «چه کسی چاه رومه را در اِزای بهشت حفر می‌کند (می‌خرد) و وقف مسلمانان می‌نماید؟[۲]» عثمان بن عفان آن را خرید و وقف نمود.

۴. چاه حاء (بئر حاء)

این چاه در شمال مسجد نبوی، در باغ ابوطلحه انصاری قرار داشت. آبش بسیار شیرین و زلال بود. رسول خدا همیشه به آن باغ تشریف می‌بردند و از آب آن می‌نوشیدند.[۳]

انس بن مالک می‌گوید: «ابوطلحه انصاری بیش‌تر از همه‌ی انصار درختان نخل داشت، و محبوب‌ترین نخلستان و باغش، "بئر حاء" بود، که روبه‌روی مسجد قرار داشت، که پیامبر به آن‌جا وارد می‌شدند و در سایه‌ی آن باغ استراحت می‌کردند، و از آب آن چاه که شیرین بود می‌نوشیدند. هنگامی‌که این آیه نازل شد: لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ : "هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید؛ تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید"؛ ابوطلحه نزد پیامبر آمد و عرض کرد، ای رسول خدا، خداوند می‌فرماید: لَن تَنَالُواْ ٱلۡبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ ؛ همانا محبوب‌ترین اموالم، چاه حاء می‌باشد، من آن را برای خدا صدقه نمودم ... .»[۴]

۱. مختصر فضایل‌المدینة، ص ۳۸۵، تاریخ المدینة – المصوّر–، ص۱۳۰، و فصول من تاریخ المدینة، ص ۱۹۱.

۲. صحیح بخاری (۲۷۷۸) و سنن الترمذی (۲۷۰۲ و ۳۶۹۹). در این زمینه روایات بسیاری است، ن.ک: کتاب وفاء الوفاء (۹۶۷/۳) و فضایل المدینة (۲۱۱/۳).

۳. وفاء الوفاء (۹۶۱/۳ ـ ۹۶۲) و مختصر فضایل المدینة، ص ۳۸۴.

۴. صحیح بخاری (۱۴۶۱ و ۴۵۵۴) و صحیح مسلم (۹۹۸).

این چاه تا اواخر سال ۱۴۱۴ هـ. ق ۱۹۹۴ م باقی بود، ولی در توسعه‌ی مسجد النبی تخریب شده، و به مسجد افزوده شده است. جایگاه آن تقریباً سمت چپ کسی قرار دارد، که از باب شماره ۲۱ (باب ملک فهد) وارد مسجد النبی می‌شود.[۱]

۵. چاه غرس

این چاه در شرق مسجد قبا، و تقریباً در یک کیلومتری آن قرار دارد.[۲] آب این چاه کم بود، رسول خدا از آن وضو گرفت؛ آن‌گاه آب وضویش را دوباره در آن ریخت، آب آن چنان افزایش یافت که هیچ‌گاه کم نگردید. آب بسیار زلال و شیرینی داشت. رسول خدا از آب آن می‌آشامید. در هنگام وفات وصیت نمود که با آب چاه غرس او را غسل دهند.[۳]

این چاه اکنون زیر ساختمانی مسقف در جنب "معهد دار الهجرة" واقع است.[۴]

۶. چاه انس بن مالک

این چاه متعلق به انس بود، و گاهی به‌نام "پدرش" نیز ذکر می‌شود. رسول خدا از آب آن نوشید، و آب دهان مبارکش را در آن انداخت، پس از آن چاهی شیرین‌تر از آن در مدینه وجود نداشت.[۵]

این چاه در سمت شرقی مسجد نبوی، و شمال شرقی قبرستان بقیع بوده، که در توسعه‌ی شرقی مسجد النبی در دوران سعودی محو شده است.[۶]

---

۱. تاریخ المدینة – المصوّر –، ص ۱۳۷.

۲. وفاء الوفاء (۹۷۸/۳) و تاریخ المدینة – المصور–، ص ۱۳۲، و آثار المدینة، ص ۲۴۲.

۳. مختصر فضایل المدینة، ص ۳۸۹، و وفاء الوفاء (۹۷۹/۳ ـ ۹۸۰).

۴. تاریخ المدینة – المصوّر –، ص ۱۳۲، و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۵۱.

۵. وفاء الوفاء (۹۵۰/۳ ـ ۹۵۱)، تاریخ المدینة، ابن شبة (۱۵۶/۱)، مختصر فضایل المدینة، ص ۳۸۰.

۶. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۶۳.

۷. چاه سقیا

این چاه در زمین زراعتی سعد بن ابی وقاص واقع بود. رسول خدا از آب آن وضو گرفته، و نوشیده‌اند.[۱] جایگاه کنونی آن بیرون باب عنبریه، در جنوب "مسجد سقیا"، بیرون از ایستگاه راه آهن بود، که در اواخر قرن چهاردهم هـ . ق جهت توسعه‌ی خیابان‌های اطراف محو شده است،[۲] و اکنون ساختمان "امانة المدینة" (بازار سبزی‌فروشی) در جای آن قرار دارد.[۳]

۸. چاه جاسوم (یا چاه ابوالهیثم بن التیهان)

این چاه در باغ ابوالهیثم قرار داشت. رسول خدا از آب آن آشامیده است.[۴] جایگاه آن امروز شناخته نمی‌شود.[۵]

۹. چاه محمود بن ربیع

این چاه در منزل صحابی محمود بن ربیع بود. رسول خدا دهان خود را از آب آن پر نمود و سپس به صورت محمود بن ربیع که آن وقت کودکی پنج ساله بود پاشید.[۶]

محمود بن ربیع می‌گوید: من به یاد دارم هنگامی که کودکی پنج ساله بودم، رسول خدا آب در صورتم پاشید.[۷]

---

۱. وفاء الوفاء (۹۷۲/۳) تاریخ ابن شبة (۱۶۰/۱) و فصول من تاریخ المدینة، ص ۱۸۹ ـ ۱۹۰.

۲. تاریخ المدینة – المصوّر –، ص ۵۴.

۳. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۶۵.

۴. تاریخ ابن شبه (۱۶۱/۱) و وفاء الوفاء (۹۵۹/۳) و تاریخ معالم المدینه، ص ۲۷۰.

۵. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۷۰.

۶. فضایل المدینة (۲۱۹/۳).

۷. صحیح بخاری (۷۷) و صحیح مسلم (۳۳/۲۶۵).

۱۰. چاه بُصّه یا بوصه

این چاه نزدیک بقیع، در میان نخل‌های عوالی قرار داشت، که سیل آن را ویران نموده است.[۱]

ابن عدی از ابوسعید خدری روایت کرده است که رسول خدا نزد او آمد و فرمود: «امروز جمعه است، آیا برگ سدر داری؟ می‌خواهم موهایم را بشویم.» ابوسعید گفت: بله، آن‌گاه برگ سدر را آورد و همراه پیامبر به‌طرف چاه بصه رفت، سپس رسول خدا موهایش را شست، و آب آن را درون چاه بصه ریخت.[۲]

این چاه امروزه داخل باغی نزدیک باب عوالی، سمت راست کسی که از پل عوالی به طرف عنبریه می‌رود، روبه‌روی بانک ریاض واقع است.[۳]

۱۱. چاه عِهن

این چاه در محله‌ی عوالی قرار دارد. گفته شده است: رسول خدا در آن، آب دهان مبارکش انداخته، و با آب آن وضو گرفته است.[۴]

این چاه تاکنون به همین نام در محله‌ی عوالی، داخل باغی به‌نام "عهن" وجود دارد.[۵]

۱۲. چاه جمل (شتر)

این چاه در آخر وادی عقیق به‌طرف جرف قرار داشته، که امروزه از آن نام و نشانی باقی نمانده است.[۶]

---

۱. وفاء الوفاء (۹۵۴/۳) و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۵۷.

۲. وفاء الوفاء (۹۵۵/۳) و حافظ عراقی در تخریج احیاء علوم دین (۲۶۰/۱) گفته است: در اسنادش محمد بن زباله وجود دارد و او ضعیف است.

۳. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۵۸.

۴. وفاء الوفاء (۹۷۸/۳).

۵. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۶۰.

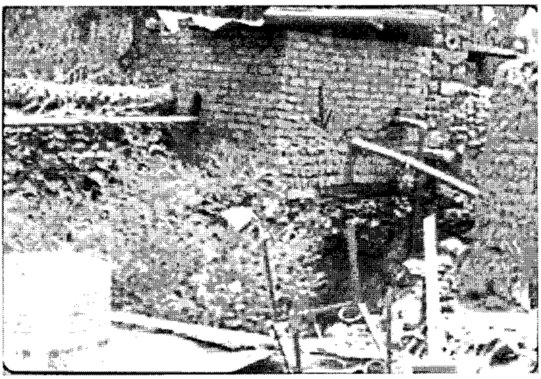
۶. ن.ک: به وفاء الوفاء (۹۶۰/۳) و تاریخ معالم المدینه، ص ۲۷۱.

در حدیث آمده که رسول خدا از سمت چاه جمل (از ناحیه‌ی عقیق)[۱] می‌آمدند، کسی او را دید و به ایشان سلام کرد؛ تیمم گرفت و جوابش را داد.[۲]

حافظ عراقی می‌گوید: «چاه‌هایی که رسول خدا از آن وضو یا غسل می‌کردند، هفت چاه بود: چاه اریس، چاه حاء، چاه رومه، چاه غرس، چاه بضاعه، چاه بصه، چاه سقیا (یا عهن) و چاه جمل.»[۳]

علاوه بر چاه‌های مذکور، چاه‌های دیگری نیز در مدینه وجود داشته که می‌توان برخی از آن‌ها را نام برد:[۴]

چاه أنا، چاه اهاب (یا زمزم)، چاه بویره، چاه یسیره، چاه اعواف، چاه حلوه، چاه ذروان- این چاه متعلق به قبیله‌ی بنی‌زریق بود که لبید بن اعصم یهودی برای رسول خدا عمل سحر انجام داد و در آن چاه انداخت- چاه عروه، این چاه در ناحیه‌ی غربی مدینه واقع است؛ عروة بن زبیر آن را حفر نمود که کنار مسجد و قصرش قرار داشت. آثارش تا کنون باقی است.



چاه بوصه

۱. فتح الباری (۵۲۷/۱).

۲. صحیح بخاری (۳۳۷)، صحیح مسلم (۳۶۹) سنن نسائی (۳۱۱) و صحیح ابن حبان (۸۰۵).

۳. فیض القدیر، شرح جامع الصغیر (۲۸۶/۶).

۴. ن.ک: به وفاء الوفاء (۹۴۸/۳ به بعد) و تاریخ معالم المدینه، ص۲۶۱ به بعد.

کوه‌های مدینه:

در مدینه کوه‌های بسیاری وجود دارد، که درباره‌ی برخی از آن‌ها فضایل و مناقبی از زبان رسول خدا در احادیث صحیح وارد شده است. ما در این‌جا برخی از کوه‌های مهم مدینه را ذکر می‌کنیم:

۱.کوه احد

یکی از کوه‌های مشهور و مهم، کوه احد است، که در شمال شرقی مدینه و یک فرسخی مسجد النبی قرار دارد. چون این کوه از سایر کوه‌های اطراف جدا و مستقل است، آن را احد نامیده‌اند.[۱] این کوه با هفت کیلومتر طول از شرق به غرب، طولانی‌ترین کوه در شبه جزیره است. یکی از غزوات مهم اسلام که به نام این کوه مشهور است در سال سوم هـ . ق در دامنه‌ی همین کوه احد رخ داده است. گفته شده: قبر هارون پایین این کوه واقع است.[۲]

درباره‌ی فضیلت کوه احد، احادیث بسیاری از رسول خدا نقل شده است،[۳] که به یک حدیث بسنده می‌کنیم. رسول خدا فرموده است:

«این کوه احد، ما را دوست دارد، و ما نیز او را دوست داریم.»[۴]

۲. کوه عینین (جبل الرماة)

تپه‌ی کوچکی است که در جنوب مقابر شهدای احد، به‌طور مستقل و در فاصله‌ی دو کیلومتری کوه احد قرار دارد. این تپه به‌نام جبل‌الرماة (کوه تیراندازان) نیز شهرت دارد؛ زیرا رسول خدا در جنگ احد، پنجاه نفر از تیراندازان را به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر این تپه گماشت، و به آنان دستور داد که خواه شکست از آنِ مسلمانان باشد یا پیروزی، از این تپه پایین نیایند.[۵]

---

۱. المغانم المطابة، ص ۱۰، وفاء الوفاء (۹۲۸/۳)، و تاريخ معالم المدينة، ص ۳۰۹.

۲. تاريخ المدينة، ابن شبة (۸۵/۱) و وفاء الوفاء (۹۳۰/۳) و تاريخ معالم المدينة، ص ۳۱۰.

۳. به کتاب فضایل المدینة (۵۷/۳) و الأحاديث الواردة فی فضائل المدينة، ص ۵۵۹.

۴. صحيح بخاری (۴۰۸۳) و صحيح مسلم (۱۳۹۳).

۵. سيرة ابن هشام (۷۲/۳ ـ ۷۴) الفصول فی سيرة الرسول، ص ۱۴۵.

۳. کوه سلع

کوه بزرگی در شمال مدینه است که غزوه‌ی خندق (احزاب)، در دامنه‌ی همین کوه رخ داده است، و در ایام جنگ پناه‌گاهی برای سپاه اسلام بود.[۱]

۴. کوه سلیع

کوه کوچکی است که در جنوب کوه سلع واقع است. بر فراز آن یکی از برج‌های قلعه‌های باب شامی قرار داشت، که اکنون آثار آن باقی است. این کوه در نزدیکی کتابخانه‌ی ملک عبدالعزیز بعد از خیابان مناخه واقع است، که به‌خاطر وجود ساختمان‌های بلند دیده نمی‌شود، و تنها مقدار کمی از آن باقی مانده است.[۲]

۵. کوه عیر

کوهی است بزرگ، در جنوب شهر مدینه، شرق وادی عقیق و نزدیک ذوالحلیفه است، که یکی از حدود شهر مدینه از سمت شمال به جنوب است. رسول خدا فرموده: «بین "عیر" تا "ثور" حرم است.»[۳]

۶. کوه ثور

کوه سرخ و کوچکی است که در پشت کوه احد، در سمت شمال قرار دارد. و رسول خدا "عیر" تا "ثور" را حرم قرار داده‌اند.[۴]

۷. کوه مستندر

کوه کوچکی است که کمی بالاتر از کوه "سلیع" واقع است. پشت بیمارستان اعلی حضرت، در خارج از باب شامی، که اخیراً این کوه و اطراف آن برداشته شده است.[۵]

---

۱. ن.ک: به مختصر سیرة ابن هشام، ص ۱۶۷، و تاریخ معالم المدینة، ص ۳۱۱.

۲. الدر الثمین، ص ۲۳۱، و آثار المدینة، ص ۲۰۲.

۳. وفاء الوفاء (۹۲/۱) و تاریخ معالم المدینة، ص ۳۱۵، و مختصر فضایل المدینة، ص ۴۷.

۴. ن.ک: به کتاب المغانم المطابة، ص ۲۸۸، وفاء الوفاء (۹۲/۱) تاریخ معالم المدینة، ص ۳۱۶، و آثار المدینة، ص ۲۰۵.

۵. تاریخ معالم المدینة، ص ۳۱۶.

رودخانه‌های مدینه:

۱. رودخانه‌ی عقیق

وادی عقیق یکی از وادی‌های مشهور مدینه است که در سمت غرب قرار دارد.[۱] احادیث بسیاری درباره‌ی فضیلت آن آمده است.[۲] عمر بن الخطاب می‌گوید: شنیدم که رسول خدا می‌فرماید: «پیام‌آوری از جانب پروردگارم آمد، آن‌گاه به من گفت: در این وادی مبارک نماز بخوان.»[۳]

۲. رودخانه‌ی بطحان

یکی از رودخانه‌های بزرگ مدینه است که از شرق قبا آغاز شده، و پایان آن تا نزدیک مساجد سبعه (فتح) بوده است که در منطقه‌ی "غابه" به "عقیق" می‌پیوندد.[۴] رسول خدا فرموده است: «"بطحان" برکنار برکه‌ای از برکه‌های بهشت قرار دارد.»[۵]

رسول خدا در روز جنگ خندق از آب آن وضو گرفتند.[۶]

اخیراً حکومت سعودی سد بزرگی بر روی رودخانه‌ی بطحان ساخته است.[۷]

۳. رودخانه‌ی رانوناء

وادی رانوناء در منطقه‌ی "بنی‌سالم" در جایی که پیامبر خدا اولین نماز جمعه را اقامه کردند، قرار دارد. "مسجد جمعه" در سمت پایین این وادی مبارک واقع است.[۸] این وادی از میان حرّه‌ی جنوبی (حرّه‌ی بنی‌بیاضه) آغاز

---

۱. وفاء الوفاء (۱۰۶۹/۳) الدر الثمین، ص ۳۴۱.

۲. به فضایل المدینة (۱۹۰/۳) والأحادیث الواردة فی فضایل المدینة، ص ۶۲۳.

۳. صحیح بخاری (۱۵۳۴).

۴. وفاء الوفاء (۱۰۷۱/۳)، تاریخ معالم المدینه، ص۲۸۳، و تاریخ المدینه– المصور–، ص ۱۲۰.

۵. صحیح الجامع (۲۸۲۷) و در روایتی: «بطحان برکه‌ای از برکه‌های بهشت است.»

۶. صحیح بخاری (۵۹۶).

۷. تاریخ المدینة – المصوّر–، ص ۱۲۲، و الدر الثمین، ص ۱۳۱.

۸. وفاء الوفاء (۱۰۷۲/۳ ـ ۱۰۷۳) و فضایل المدینة (۵/۳).

می‌شود. مسجد قبا تقریباً در میان این وادی قرار دارد. این رودخانه دارای سدی قدیمی است که تاکنون برخی از آثار آن نمایان است.[۱]

۴. رودخانه‌ی مهزور

وادی مهزور از میان خانه‌های بنی‌قریظه در حرّه‌ی شرقی عبور می‌کرده و از کنار مسجد النبی َمی‌گذشته است؛[۲] سپس در مذینب در منطقه‌ی "ماجشون" (قربان) جمع می‌شده، و در منطقه‌ی "غابه" به وادی بطحان می‌پیوسته است.[۳]

۵. رودخانه‌ی مذینب

منازل یهود بنی‌نضیر در اطراف آن واقع بود. وادی مذینب شاخه‌ای از بطحان است، که از هفت مایلی شهر مدینه آغاز می‌شود، و در غابه به باقی رودخانه‌ها می‌پیوندد.[۴]

۶. رودخانه‌ی قنات

یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های مدینه است که از بلندی‌های نزدیک طایف، تقریباً از مسیری بیش از ۳۵۰ میل به طرف مدینه جاری می‌شود.
بر رودخانه‌ی قنات پل جدیدالاحداثی ساخته شده است، که راه فرودگاه از بالای آن عبور می‌کند. این رودخانه از شمال حرّه‌ی شرقی عبور کرده، تا سمت جنوب جبل الرماة، کنار قبور شهدای احد می‌گذرد، و همچنان ادامه دارد تا این‌که در غابه به سایر رودخانه‌ها می‌پیوندد.[۵]

---

۱. الدر الثمین، ص ۱۲۸ ـ ۱۲۹.

۲. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۸۵، الدر الثمین، ص ۱۴۵.

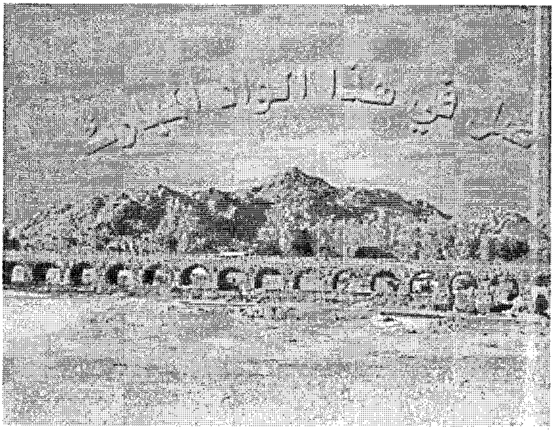
۳. وفاء الوفاء (۱۰۷۶/۳) و تاریخ المدینة – المصوّر–، ص ۱۵۲.

۴. وفاء الوفاء، ص۱۰۷۵، و تاریخ المدینه – المصوّر–، ص ۱۲۲، و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۸۵.

۵. الدر الثمین، ص ۱۵۸، و تاریخ المدینة، ص ۱۲۴، و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۸۷.



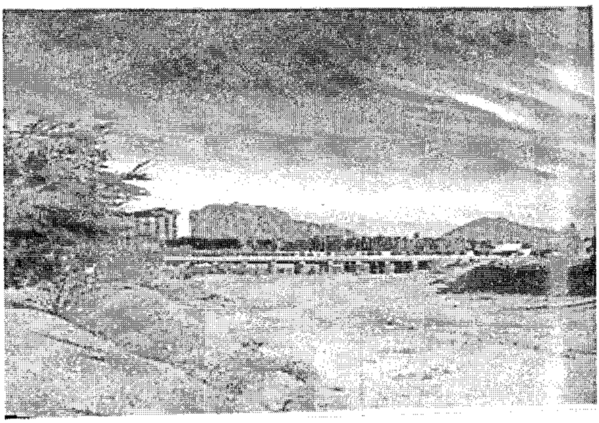
منظره‌ای از رودخانه‌ی عقیق



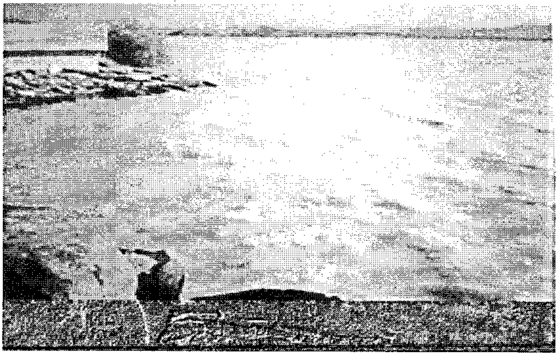
پل قدیمی راه آهن بر رودخانه‌ی عقیق



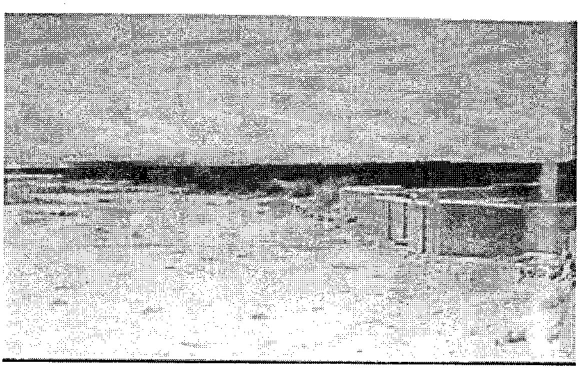
سد رودخانه‌ی بطحان



منظره‌ای از رودخانه‌ی نزدیک جبل الرماة



منظره‌ای از رودخانه‌ی عاقول



سد رودخانه‌ی عاقول

چشمه‌های مدینه:

۱. چشمه‌ی زرقاء

اهل مدینه معمولاً برای نوشیدن، از آب چاه‌ها استفاده می‌کردند، تا زمان حکومت معاویه بن ابی سفیان، که معاویه به مروان بن حکم والی مدینه چنین نوشت: «من خجالت می‌کشم که اهل دمشق از آب کنار خانه‌هایشان بنوشند، و اهل مدینه از چاه‌های دور، پس همان‌طور که برای اهل دمشق قرار داده شده، برای اهل مدینه هم قرار بده.»

مروان با جمع نمودن متخصصین، این چشمه (زرقاء) را احداث نمودند. از آن‌جایی که مروان چشمش "ازرق" (آبی) بود، به‌نام چشمه‌ی زرقاء شهرت یافت. در طول تاریخ حکام به آن اهتمام ویژه داده‌اند، که در سال ۱۳۴۹ هـ . ق به دستور ملک عبدالعزیز ترمیم و بازسازی، و لوله‌کشی شد.[۱]

۲. چشمه‌ی شهداء

از آن‌جایی که این چشمه از کنار قبور شهدای احد عبور می‌کرد، به‌نام چشمه‌ی شهدا نامیده‌اند. این چشمه توسط مروان بن حکم والی مدینه احداث گردیده بود، که اکنون خشک شده و آثار آن نیز از بین رفته است.[۲]

---

۱. تاریخ المدینه- المصور- ، ص ۱۳۶، و تاریخ معالم المدینة، ص ۲۹۲ ـ ۲۹۴.

۲. وفاء الوفاء (۱۲۷۴/۴)، تاریخ معالم المدینة، ص ۲۹۱ و فصول من تاریخ المدینة، ص ۲۹۰.

اماکن تاریخی دیگر:

۱. جُرْف

نام جایگاهی است که در فاصله‌ی ۳ مایلی مدینه، در سمت شمال غربی (به‌طرف شام) واقع است.[۱] اولین ساکنان مدینه در این منطقه سکونت داشته‌اند.

صحابی بزرگوار، مقداد بن اسود، در آن محل وفات نمود؛ و لشکر اسلام به فرماندهی اسامه بن زید برای رفتن به شام در آن‌جا مستقر بود. در نزدیکی قیامت، دجال چون‌که نمی‌تواند به مدینه وارد شود در آن‌جا منزل می‌گیرد. اکنون بخشی از شهر مدینه است که اتوبان دانشگاه‌ها (طریق الجامعات) از میان آن می‌گذرد.[۲] و شهرداری مدینه پارک زیبا و بزرگی در آن احداث نموده است.[۳]

گفتنی است که بخشی از جُرْف، در حرم مدنی واقع است، و بخش دیگر آن خارج از محدوده‌ی حرم است.[۴]

۲. بیداء

سرزمین پهناور و وسیعی است که در غرب ذوالحلیفه در ۱۰ کیلومتری مسجد النبی واقع است.[۵] در حدیث آمده است که: «لشکری قصد هجوم به بیت‌الله دارد. چون به بیداء می‌رسند، زمین شکافته می‌شود، و همگی درون زمین فرو می‌روند.»[۶]

در حدیثی که عایشه ام‌المؤمنین درباره‌ی سبب نزول آیه‌ی تیمم روایت می‌کند، می‌گوید: « تا این‌که ما به بیداء رسیدیم . . . .»[۷]

---

۱. وفاء الوفاء (۱۱۷۵/۴).
۲. تاریخ المدینة – المصوّر–، ص ۷۷.
۳. الدر الثمین، ص ۲۲۲، و تاریخ معالم المدینة، ص ۳۳۸.
۴. تاریخ المدینة– المصور–، ص ۷۷.
۵. وفاء الوفاء (۱۱۵۸/۴) و تاریخ المدینة– المصور–، ص ۱۰۸.
۶. صحیح بخاری (۲۱۱۸).
۷. صحیح بخاری (۳۳۴).

نهایت منطقه‌ی ذوالحلیفه، آغاز منطقه‌ی بیداء است. اکنون فرستنده‌ی تلویزیون مدینه، و دانشکده تربیت معلم، در آن‌جا قرار دارد.[۱]

۳. خندق

منطقه‌ی خندق، در مقابل کوه سلع در شمال غربی مدینه قرار دارد، که جنگ خندق در آن‌جا واقع شده است. مسلمانان به پیشنهاد سلمان فارسی در اطراف مدینه خندقی به‌طول ۲۷۲۵ متر حفر نمودند. مسیر خندق از نزدیکی مسجد قبلتین در غرب آغاز می‌شد، و به صورت نیم دایره‌ای با عبور از کوه سلع تا نزدیکی مسجد اجابه امتداد می‌یافت؛ و کوه سلع در پشت لشکر اسلام قرار گرفت.[۲]

۴. ثنیة الوداع

در مدینه دو تا ثنیة الوداع هست: یکی در جهت شام قرار دارد؛ کسی که قصد رفتن به خیبر و تبوک و سرزمین شام داشته باشد از آن‌جا می‌گذرد. بر بالای این ثنیه (تپه) مسجدی به‌نام "مسجد ثنیة الوداع" بود که در سال ۱۴۰۶ هـ . ق به‌خاطر توسعه‌ی خیابان‌های اطراف برداشته شده است. جایگاه کنونی‌اش کنار تقاطع خیابان سید الشهداء، ابوبکر صدیق (سلطانه سابق) می‌باشد، و تقریباً ۷۵۰ متر تا مسجد النبی فاصله دارد.[۳]

ثنیه‌ی دوم، در مسیر راه مکه قرار دارد. کسی که از راه قبا قصد مکه داشته باشد، از آن‌جا عبور می‌کند. جایگاه تقریبی آن در شمال شرقی قلعه‌ی قبا، نزدیک مسجد جمعه قرار داشت.[۴]

---

۱. تاریخ معالم المدینة، ص ۳۴۰، و الدر الثمین، ص ۲۵۰.

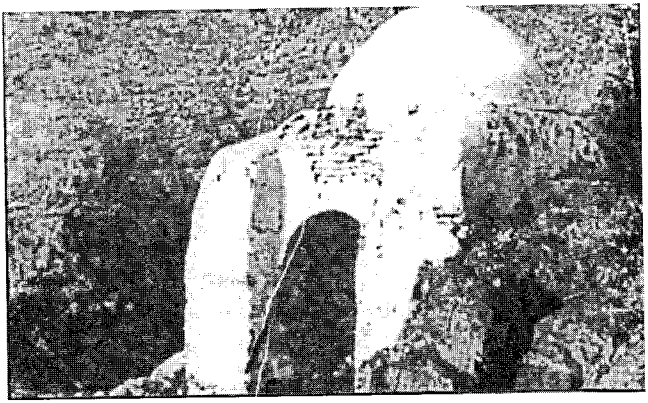
۲. تاریخ المدینة - المصوّر-، ص ۷۷.

۳. وفاء الوفاء (۱۱۶۷/۴) و تاریخ المدینة - المصوّر -، ص ۸۰، و تاریخ معالم المدینة، ص ۳۰۳، و آثار المدینة، ص ۱۵۵.

۴. تاریخ المدینة- المصور-، ص ۸۰.

۵. کهف (غار) بنی‌حرام

در کوه سلع نزدیک خانه‌های بنی‌حرام کهف (غاری) بود که به آن کهف بنی‌حرام می‌گفتند، و رسول خدا در ایام جنگ خندق شب را در آن می‌گذراندند.[۱] این غار هنوز باقی است. گذرگاه تنگی دارد که بعد از مدرسه‌ی ناصریه واقع است.[۲]



کهف (غار) بنی‌حرام

۶. سقیفه‌ی بنی ساعده

جایگاهی متعلق به قبیله‌ی بنی‌ساعده از انصار بود، که در آن‌جا اصحاب رسول خدا، مهاجرین و انصار با ابوبکر صدیق بیعت نمودند.

این سقیفه تقریباً در ۲۰۶ متری غرب مسجد النبی قرار داشت. رسول خدا در آن‌جا نشسته و در آن نماز گزارده است.

جایگاه کنونی آن در انتهای خیابان سحیمی، تقریباً در ۱۵۰ متری کتابخانه‌ی ملک عبدالعزیز بوده، که هنگام توسعه خیابان‌های اطراف تخریب شده است.[۳]

---

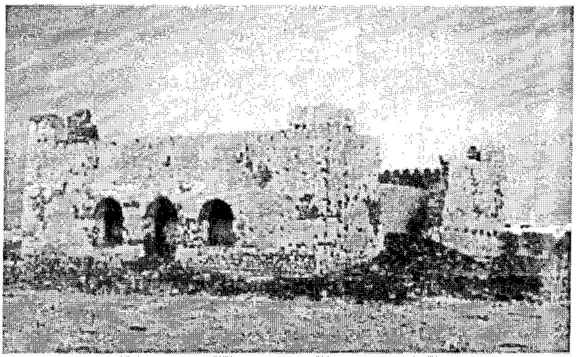
۱. الدر الثمین، ص ۲۳۳، و تاریخ المدینة – المصوّر–، ص ۱۰۲.

۲. تاریخ معالم المدینة، ص ۱۹۲.

۳. تاریخ معالم المدینة، ص ۲۰۰، و تاریخ المدینة– المصور–، ص ۱۱۸.

۷. قصر عروه بن زبیر

قصر عروه بن زبیر و همچنین مسجد و چاه او، در سمت غربی حرّه‌ی غربی، سمت چپ کسی که از بزرگراه مکه (قدیم) به‌طرف ذوالحلیفه می‌رود، واقع است. ۳/۵ کیلومتر تا مسجد النبی فاصله دارد. آثار چاه و قصر وی باقی است.[۱]



کاخ عروة بن زبیر

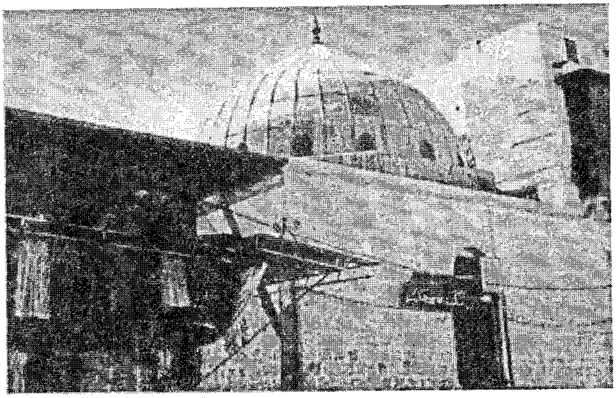
۸. منزل ابو ایوب انصاری رضی الله عنه

منزل ابو ایوب، یکی از خانه‌های تاریخی مدینه بود که در کنار مسجد النبی قرار داشت که رسول خدا هنگام ورود به مدینه در آن ساکن شدند. موقعیت آن در گوشه‌ی جنوب شرقی مسجد نبوی، در شرق کتابخانه‌ی عارف‌پاشا بود، که برای توسعه‌ی اطراف مسجد نبوی، ساختمان کتابخانه به همراه منزل ابو ایوب تخریب شده است.[۲]

---

۱. تاریخ المدینة – المصوّر –، ص ۱۳۲، و آثار المدینة، ص ۲۵۱.

۲. تاریخ معالم المدینة، ص۲۲۷.

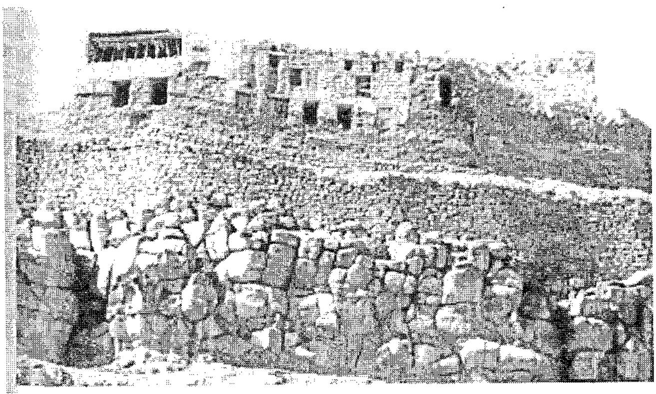


منزل ابو ایوب انصاری

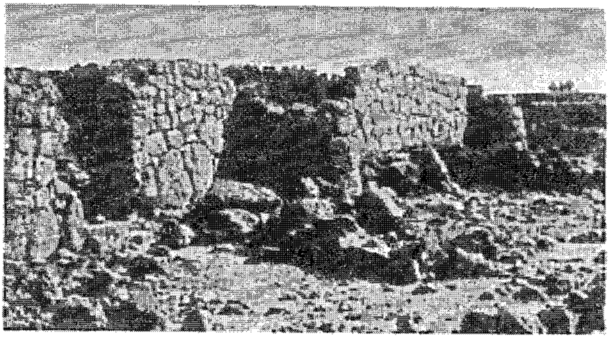
۹. قلعه‌ی کعب بن اشرف یهودی

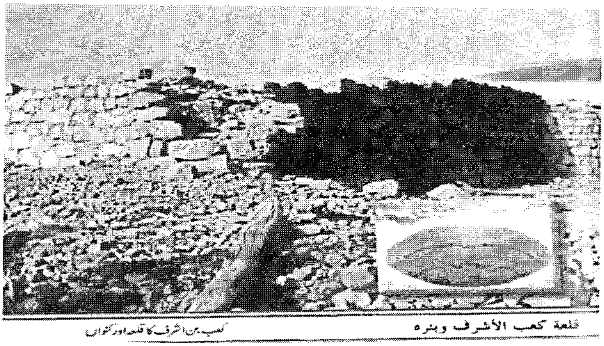
کعب بن اشرف فردی شاعر، و از ثروتمندان یهود مدینه بود. او از دشمنان سرسخت پیامبر اسلام و مسلمانان به شمار می‌رفت. به دستور پیامبر، توسط برادر رضاعی‌اش، محمد بن مسلمه کشته شد.[۳]

قلعه‌ی او در جنوب شرقی مدینه واقع بوده، که اکنون آثار آن باقی است.

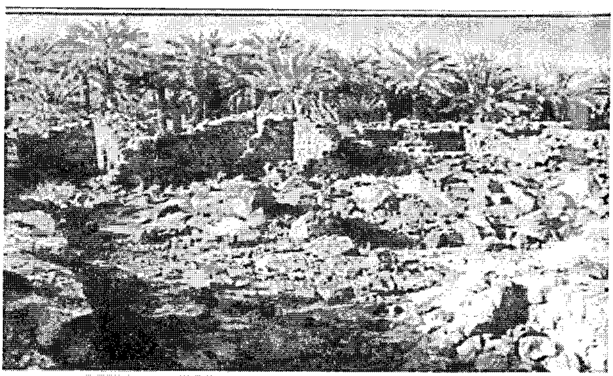


۳. تاریخ المدینة- المصور-، ص ۷۶.





قلعه و چاه کعب بن اشرف یهودی



خرابه‌های قلعه‌ی کعب بن اشرف یهودی

تا آفتاب دیـن خـدا بـر مـدار شـد / توحید در کلام رسول خدا آشکار شد
روزی که مکه مأمن بت‌های جهل‌بود / یثـرب مدینـــة النبـی روزگـار شـد
آن‌شهر از میان خود اورا به‌قهر راند / این شهر چشم مهر شد و انتظار شـد
بستند اوس و خزرج عهدی و تا ابد / پیمـان پاکشـان سـند افتخـار شـد
در لیلة المبیت علی جان نثـار کـرد / بوبکر در مسـیر سـفر یـار غـار شـد
او آمد و مدینه به مهمـان‌نـوازیش / پروانـه‌ی پرسـتش پروردگـار شـد
در راه حق مهاجر حق‌جوی پاکبـاز / دور از تمام هستی و دار و نـدار شـد
شد مرکز ترنّم توحید و شهر عشق / با این ترانه فصل خزانش بهـار شـد
عقد اخوتی که شد آن عهد منعقـد / مانـنـد کـوه منسـجم و اسـتوار شـد
بدر مدینه تـا بدرخشـید، شـرک را / در مکه روز، تیره‌تر از شـام تـار شـد
در خندقی به دوری احـزاب از احـد / مرز میان شک و یقـین اختیـار شـد
در وسـعت بقیـع بقایـای بقعـه‌هـا / از دوره‌ی طلایـی دیـن یادگـار شـد
شهرمدینه جسم نبی در بغل گرفت / مثل صـدف قـرین دُر شـاهوار شـد
هرگوشه بانگ مأذنه‌ای هست و مسجدی / هر نخـل در اذان عبـادت منـار شـد
یـادآوران یـاد خـدا و رسـول را / تبلیغ دین علامـت عـزّ و وقـار شـد
این تاج فخر تارک خوبان دراین زمان / زینـت فـزای تـاجی، از گلّـه‌دار شـد

محمدرفیع طاهری

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. آثارالمدینة المنورة، عبدالقدوس انصاری، المدینة المنورة، المکتبة السلفیة

۳. البدایة والنهایة، ابن کثیر دمشقی، بیروت دار إحیاء التراث

۴. أحادیث الواردة فی فضایل المدینة، دکتر صالح بن حامد رفاعی، المدینة، جامعة الإسلامیة

۵. أخبار مدینة الرسول، محمد بن النجار

۶. اسد الغابه، ابن اثیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ هـ . ق

۷. الإصابة فی تمییز الصحابة، ابن‌حجرعسقلانی، بیروت، دارالکتب العلمیة،

۸. بقیع الغرقد، د. محمد انور بکری، مکتبة الحلبی، ۲۰۰۴م

۹. الکامل فی التاریخ، عزالدین ابن اثیر جزری، بیروت، دار صادر

۱۰. تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، بیروت، دار الکتب العلمیة

۱۱. تاریخ المسجد النبوی، محمد الیاس عبدالغنی، ۱۹۹۶

۱۲. تاریخ المدینة، ابن شبه النمیری، بیروت، دار التراث

۱۳. تاریخ المدینة، محمد الیاس عبدالغنی

۱۴. تاریخ المدینة المصور، محمد الیاس

۱۵. تاریخ معالم المدینه، احمد یاسین الخیاری، مدینة، دار العلم

۱۶. تاریخ و آثار اسلامی دکتر اصغر قائدان، نشر مشعر، ۱۳۸۴

۱۷. تحفة اللطیفة فی تاریخ المدینة، امام سخاوی، المدینة المنورة

۱۸. التعریف بما آنست الهجرة، جمال الدین محمد المطری

۱۹. تفسیر ابن کثیر، امام ابن کثیر، شارجة، دارالفتح

۲۰. تفسیر روح المعانی، شهاب الدین آلوسی، بیروت دارالکتب العلمیة

۲۱. تفسیر طبری، ابن جریر طبری، بیروت، دارالفکر

۲۲. تفسیر قرطبی، محمد بن احمد قرطبی، بیروت دارالکتب العلمیة

۲۳. الدر الثمین فی معالم دار الرسول الأمین، غالی الشنقیطی

۲۴. زاد المسیر تفسیر ابن جوزی، بیروت، المکتب الإسلامی

۲۵. زاد المعاد، ابن قیّم جوزی، بیروت، مؤسسة الرسالة

۲۶. سبل الهدی و الرشاد، محمد بن یوسف صالحی، بیروت دارالکتب العلمیة

۲۷. سنن ابن ماجه، قاهره، دارالحدیث

۲۸. سنن ابو داود، قاهره، دارالحدیث

۲۹. سنن ترمذی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی

۳۰. سنن دارمی، بیروت، دارالکتب العلمیة

۳۱. سنن کبری، نسائی، بیروت، دارالکتب العلمیة

۳۲. سیرة ابن هشام، بیروت، دار إحیاء التراث العربی

۳۳. شعب الإیمان، بیهقی، بیروت، دارالکتب العلمیة

۳۴. صحیح ابن حبان، علامه ابن بلبان، بیروت، مؤسسة الرسالة

۳۵. صحیح ابن خزیمة، بیروت، المکتب الإسلامی

۳۶. صحیح بخاری، امام بخاری، قاهره، دار الحدیث

۳۷. صحیح مسلم، شرح امام نووی، قاهره، دار الریّان

۳۸. صفوة العرفان فی تفسیر القرآن، محمد علی خالدی، تهران نشر احسان

۳۹. طبقات الکبری، ابن سعد، محمد بن سعد البصری، لبنان، دار بیروت

۴۰. طب نبوی، ابن قیّم، بیروت، مؤسسة الرسالة

۴۱. عمدة الأخبار، احمد بن عبدالحمید العباسی

۴۲. فتح الباری شرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، قاهره، دارالریّان

۴۳. فصول فی سیرة الرسول، ابن کثیر، المدینة المنورة، مکتبة دار التراث

۴۴. فضائل المدینة المنورة، علامه خلیل ملاخاطر، بیروت، مؤسسة علوم القرآن

۴۵. فضل المدینة، علامه عبدالمحسن العباد، المدینة المنورة

۴۶. فضل صلاة علی النبی، إسماعیل القاضی، بیروت، المکتب الإسلامی

۴۷. فیض القدیر شرح جامع الصغیر، امام المناوی

۴۸. مجمع الزوائد، هیثمی، بیروت، دار الکتب العربی

۴۹. مختصر سیرة ابن هشام، محمد عفیف الزعبی، بیروت، دار النفائس

۵۰. مختصر فضائل المدینة، علامه ملا خاطر، جدّه، دار القبلة

۵۱. المدینة بین الماضی والحاضر، ابراهیم العیاشی، المدینة المنورة، المکتبة العلمیة

۵۲. المدینة المنورة معالم و حضارة، محمد السید الوکیل، دمشق دارالقلم

۵۳. مروج الذهب، مسعودی، بیروت، منشورات الأعلمی

۵۴. المساجد الأثریة، محمد الیاس عبدالغنی

۵۵. مساجد الفتح بالمدینة، محمد أنور بکری، مدینة المنورة

۵۶. مستدرک حاکم، ابوعبدالله حاکم نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیة

۵۷. مسند ابویعلی، احمد بن علی ابو یعلی الموصلی، دمشق، دار الثقافة العربية

۵۸. مسند احمد، امام احمد بن حنبل، بیروت، دارالکتب العلمية

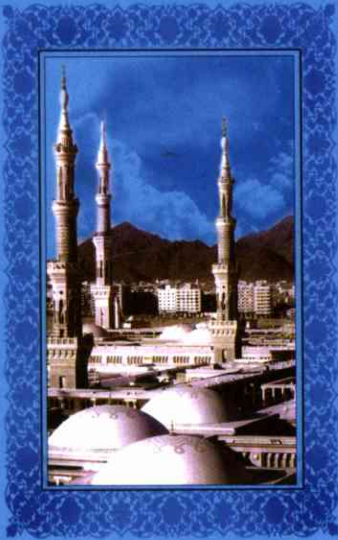
۵۹. المعارف، ابن‌قتیبه، عبدالله بن مسلم الدینوری، بیروت، دارالکتب العلمية

۶۰. معجم‌کبیر، طبرانی، ابوالقاسم سلیمان‌بن‌احمد، بیروت دار إحياء التراث العربی

۶۱. المغانم المطابة فی معالم الطابة، مجدالدین فیروز آبادی، ریاض، دار الیمامة

۶۲. وفاء الوفاء فی أخبار المصطفی، ابوالحسن علی سمهودی، قاهره، مطبعة السعادة

تصویر ابو عبدالرحمن الكردي



انتشارات ایلاف

ISBN:978-964-198-026-1

شیراز، بولوار زند، جنب بانک ملی شعبه کوثر، پاساژ صاحب الزمان، تلفن : ۲۳۰۵۶۴۰

Web Site: www.ilaf.ir
E-mail: info@ilaf.ir